



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



پایه علمی و پژوهشی  
پایه علمی و پژوهشی

# جهان‌شناسی قرآن



موسسه پژوهش‌های قرآنی

مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جهان شناسی در قرآن

نویسنده:

حسن رضا رضایی

ناشر چاپی:

حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	جهان شناسی در قرآن
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۱۶	مقدمه
۱۹	فصل اول: کلیات
۲۰	اشاره
۲۲	از دیدگاه قرآن، هدف خداوند از آفرینش جهان و موجودات چیست؟
۲۸	هدف از آفرینش انسان چیست؟
۲۸	اشاره
۲۹	الف) آزمایش انسان ها
۳۱	ب) آگاهی از قدرت الهی
۳۲	ج) عبودیت حق و شناخت او
۳۳	د) رسیدن به رحمت الهی
۳۷	فصل دوم: آسمان و زمین در قرآن
۳۷	اشاره
۳۸	از دیدگاه قرآن خلقت جهان چگونه آغاز شده است؟
۳۹	آغاز جهان
۴۴	نظریه های علمی درباره ی پیدایش جهان
۵۰	منظور از آسمان ها و زمین های هفتگانه در قرآن چیست؟
۵۱	سما (آسمان)
۵۱	اشاره
۵۱	۱. آسمان مادی:
۵۱	الف) به معنای جهت بالا:
۵۲	ب) به معنای جَوّ اطراف:
۵۲	ج) به معنای مکان سیارات و ستارگان:
۵۲	۲. آسمان معنوی:
۵۲	الف) به معنای مقام قرب:
۵۳	ب) به معنای موجود عالی و حقیقی:
۵۳	مقصود از ارض (زمین)
۵۳	اشاره
۵۳	۱. به معنای کره ی زمین در مقابل آسمان:
۵۴	۲. به معنای قطعات زمین و آبادی:
۵۴	۳. به معنای عالم طبیعت و پهنای زمین:
۵۵	مقصود قرآن از واژه ی سبع (هفت)
۵۵	مقصود قرآن از «هفت آسمان»
۵۷	آیا قرآن به جاذبه ی عمومی زمین اشاره ای کرده است؟
۵۸	دیدگاه قرآن
۵۸	اشاره

- آیه ی اول: ..... ۵۸
- آیه ی دوم: ..... ۶۱
- آیه ی سوم: ..... ۶۱
- دیدگاه قرآن ..... ۶۳
- دیدگاه قرآن درباره ی حرکت و سکون خورشید چیست؟ ..... ۶۵
- تاریخچه ی آرای دانشمندان درباره ی حرکت خورشید ..... ۶۵
- دیدگاه قرآن ..... ۶۷
- اشاره ..... ۶۷
- الف) حرکت انتقالی خورشید در درون کپکشان راه شیری (حرکت طولی) ..... ۶۸
- ب) حرکت انتقالی، خورشید همراه با کپکشان (حرکت دورانی) ..... ۷۰
- ج) حرکت وضعی خورشید به دور خود ..... ۷۱
- د) ادامه حیات خورشید تا زمان معتن ..... ۷۲
- هـ) حرکات درونی خورشید ..... ۷۳
- دیدگاه قرآن درباره ی حرکت و سکون زمین چیست؟ ..... ۷۴
- دیدگاه قرآن درباره ی حرکات زمین ..... ۷۶
- اشاره ..... ۷۶
- آیه ای که کوه ها را به ابر تشبیه کرده است: ..... ۷۶
- آیاتی که زمین را به مهد گهواره تشبیه کرده اند: ..... ۷۷
- آیاتی که درباره ی توسعه و حرکت دادن زمین صحبت می کنند: ..... ۷۸
- اشاره ..... ۷۸
- یکی از نویسندگان عرب می نویسد: ..... ۷۸
- علامه طباطبایی نیز درباره ی این آیه می نویسد: ..... ۷۸
- آیه ای که زمین را به برنده ای که با سرعت زیاد حرکت می کند تشبیه کرده است: ..... ۷۹
- آیه ای که زمین را نرم و رام شده توصیف کرده است: ..... ۸۰
- آیا قرآن به کرویت زمین اشاره کرده است؟ ..... ۸۰
- آیا قرآن به پدیده های جوی مانند باد و طوفان پرداخته است؟ ..... ۸۴
- اشاره ..... ۸۴
- الف) فواید باد ..... ۸۵
- ب) انواع باد ها ..... ۸۷
- برخی معتقدند: ..... ۸۸
- اشاره ..... ۸۸
- آیه ی اول: ..... ۸۹
- آیه ی دوم: ..... ۹۰
- در قرآن عرش و کرسی به چه معناست؟ ..... ۹۰
- اشاره ..... ۹۰
- الف) به معنای منطقه و قلمرو حکومت؛ خداوند بر همه ی آسمان ها و زمین حکومت می کند و منطقه ی نفوذ او همه جا را در بر گرفته، یعنی کرسی خداوند مجموعه ی عالم ماده اعم از زمین و ستارگان و کپکشان است. در این صورت عرش به معنای عالم ارواح و فرشتگان و جهان ..... ۹۱
- ب) احاطه ی علم خداوند به جمیع آسمان ها و زمین: امام صادق علیه السَّلَام ..... ۹۱
- ج) موجودی وسیع تر از تمام آسمان ها و زمین: این موجود، از هر سو آن ها را احاطه کرده است، یعنی کرسی خداوند همه ی آسمان ها و زمین را در بر گرفته است. امام صادق علیه السَّلَام می فرماید: ..... ۹۲
- شرق و غرب در قرآن به چه معناست؟ آیا در قرآن از جهات چهارگانه نام برده شده است؟ ..... ۹۴
- از دیدگاه قرآن، جهان چگونه پایان می پذیرد؟ ..... ۹۶
- اشاره ..... ۹۶

- الف. آیاتی که به مرگ خورشید و ستارگان اشاره دارند: ..... ۹۷
- ب. آیاتی که به شکافتن ماه اشاره دارند: ..... ۹۷
- ج. آیاتی که به در هم ریختن نظام فعلی آسمان و ستارگان اشاره دارند: ..... ۹۷
- د. آیاتی که به زلزله های عظیم در زمین اشاره دارند: ..... ۹۷
- ه. آیاتی که به فروپاشی کوه ها اشاره دارند: ..... ۹۸
- و. آیاتی که به انفجار و برفروختگی دریا ها اشاره دارند: ..... ۹۸
- فصل سوم: موجودات زنده در قرآن ..... ۱۰۳
- اشاره ..... ۱۰۳
- از دیدگاه قرآن، خلقت موجودات زنده در زمین چگونه است و آیا با نظریه ی داروین سازگار است؟ ..... ۱۰۴
- اشاره ..... ۱۰۴
- آیات قرآن ..... ۱۰۴
- دیدگاه مفسران ..... ۱۰۶
- اشاره ..... ۱۰۶
- الف. همان چنان که در روایات نیز آمده است، منظور از آب، نطفه است (این احتمال اشکال دارد؛ زیرا برخی حیوانات تک سلولی از طریق تقسیم سلول ها به وجود می آیند نه از طریق نطفه) ..... ۱۰۶
- ب. منظور، پیدایش نخستین موجود است؛ زیرا طبق بعضی روایات اسلامی اولین موجودی که خدا آفرید، آب بود، سپس انسان ها طبق فرضیه های علمی جدید، نیز نخستین جوانه ی حیات در دریا ها ظاهر شده است. .... ۱۰۶
- ج. مقصود این است که در حال حاضر، ماده ی اصلی موجودات زنده ..... ۱۰۶
- تئوری تحوّل و تکامل ..... ۱۰۸
- اشاره ..... ۱۰۸
- الف. فرضیه ی ثبوت انواع یا «فیکسیسم» ..... ۱۰۸
- ب. فرضیه ی تکامل انواع یا «ترانسفورمیسم» ..... ۱۰۸
- اصول فرضیه ی داروین ..... ۱۱۰
- ادله ی عقلی و نقلی طرف داران نظریه ی تکامل ..... ۱۱۱
- نقد و بررسی ..... ۱۱۱
- اولاً: هر سه ادله ی فوق ظنی است، نه یقینی؛ زیرا اثبات فرضیه ی ..... ۱۱۱
- آیات قرآن ..... ۱۱۳
- اشاره ..... ۱۱۳
- الف. آیاتی که خلقت همه چیز را از آب می دانند: ..... ۱۱۳
- آیه ی اول: ..... ۱۱۳
- آیه ی دوم: ..... ۱۱۳
- آیه ی سوم و چهارم: ..... ۱۱۴
- ب. آیاتی که به مراحل خلقت اشاره دارند: ..... ۱۱۵
- اشاره ..... ۱۱۵
- آیه الله مشکینی درباره ی این آیه می نویسد: ..... ۱۱۵
- ج. آیاتی که به مرحله ی اول آفرینش انسان اشاره دارند (ماده ی اولیه): ..... ۱۱۵
- د. آیاتی که به مرحله ی دوم آفرینش، یعنی بعد از شکل گیری انسان و قبل از انتخاب آدم علیه السّلام اشاره دارند: ..... ۱۱۶
- ه. آیاتی که به انتخاب آدم از بین انسان ها اشاره دارند: ..... ۱۱۷
- اشاره ..... ۱۱۷
- آیه الله مصباح یزدی نیز می فرماید: ..... ۱۱۸
- استدلال طرفداران ثبات انواع از آیات ..... ۱۱۸
- اشاره ..... ۱۱۸
- الف. آیاتی که خلقت همه ی انسان ها را از یک نفس واحد می داند: ..... ۱۱۹

- ب. آیاتی که خلقت حضرت آدم را از خاک می دانند: ..... ۱۱۹
- ج. آیاتی که قابل تطبیق با هر دو نظریه ی تکامل و ثبات انواع ..... ۱۲۰
- آیا از دیدگاه قرآن، در کرات دیگر نیز موجود زنده وجود دارد؟ ..... ۱۲۵
- دیدگاه قرآن ..... ۱۲۶
- از نظر قرآن پیدایش نباتات چگونه است؟ ..... ۱۲۹
- اشاره ..... ۱۲۹
- الف. نزول باران: ..... ۱۳۰
- ب. احیای زمین های مرده: ..... ۱۳۰
- ج. شکافتن زمین: ..... ۱۳۱
- د. بیرون آوردن نباتات از دل زمین: ..... ۱۳۱
- هـ. ترویج نباتات و گیاهان با هم: ..... ۱۳۱
- آیا قرآن به مسئله ی زوجیت گیاهان نیز پرداخته است؟ ..... ۱۳۱
- آیات قرآن ..... ۱۳۲
- فصل چهارم: موجودات نامرئی در قرآن: ..... ۱۳۸
- اشاره ..... ۱۳۸
- هدف از خلقت موجودات نامرئی چیست؟ ..... ۱۴۰
- اشاره ..... ۱۴۰
- الف. جن ..... ۱۴۰
- برخی از صفاتی که قرآن مجید برای آن ها بیان کرده عبارت اند از: ..... ۱۴۲
۱. «جن» مانند انسان مکلف به اعمال است. .... ۱۴۲
۲. فرستادگان و پیامبران الهی برای جتینان هم بوده اند. در میان مقشتران بحث است که آیا فرستادگان جن از جنس خود آن ها بوده یا از نوع بشر. .... ۱۴۲
۳. جنیان انسان ها را می بینند، ولی انسان ها آن ها را نمی بینند. قرآن درباره ی برجنر داشتن بنی آدم از شیطان و اتباع او می فرماید: ..... ۱۴۳
۴. با این که قرآن انسان ها را برتر از جتینان دانسته ولی نام آن ها را بر انسان مقدم داشته است: ..... ۱۴۳
۵. برخی از کارهایی که جتینان برای حضرت سلیمان علیه السّلام انجام می دادند نشان دهنده ی این است که آن ها نیز مانند آدمیان کار می کنند و قدرت کار دارند؛ هم چنین برخی کارهای آن ها حکایت از وجود تمدن در میان آن ها دارد. .... ۱۴۴
۶. قرآن به تسخیر گروهی از جنیان توسط حضرت سلیمان علیه السّلام اشاره ..... ۱۴۴
- زمان خلقت جتینان ..... ۱۴۶
- علت نامرئی بودن جنیان ..... ۱۴۷
- هدف از خلقت جنیان ..... ۱۴۹
- اشاره ..... ۱۴۹
- ب. شیطان (ابلیس) ..... ۱۴۹
- هدف خداوند از خلقت ابلیس ..... ۱۵۱
- اشاره ..... ۱۵۱
- ج. ملائکه «ملک» (فرشته) ..... ۱۵۳
- وظایف ملائکه ..... ۱۵۴
- اشاره ..... ۱۵۴
۱. گروهی حامل عرش اند: ..... ۱۵۴
۲. گروهی امور جهان را تدبیر می کنند: ..... ۱۵۵
۳. گروهی مأمور قیض ارواح اند: ..... ۱۵۵
۴. گروهی مأمور عذاب اند: ..... ۱۵۵
۵. گروهی امدادگران الهی و قوت قلب مؤمنان در جنگ ها هستند: ..... ۱۵۵
۶. گروهی آوزندگان کتاب های آسمانی برای انبیا هستند: ..... ۱۵۶



- ۱۵۶..... گروهی انسان را از خطر ها و حادثه ها حفظ می کنند:
- ۱۵۷..... ویژگی های ملائکه
- ۱۵۹..... هدف از خلقت ملائکه
- ۱۶۲..... آیا موجودات غیبی می توانند به شکل انسان و حیوان متمثل شوند؟
- ۱۶۳..... این ابلاغ به چند طریق صورت می گرفت:
- ۱۶۶..... شواهد قرآنی و روایی تمثّل
- ۱۶۸..... آیا موجودات غیبی و نامرئی در روح و جسم انسان تأثیر می گذارند؟
- ۱۷۰..... در نتیجه شیطان:
- ۱۷۰..... الف) با وسوسه انسان ها را می فریبد:
- ۱۷۰..... ب) شیطان کار های خلاف و زشت را برای انسان زینت می دهد:
- ۱۷۱..... ج) وسوسه ی شیطان ضعیف است و انسان با تلاش و مجاهدت نفس می تواند بر وسوسه ها پیروز گردد.
- ۱۷۱..... د) دوری از ذکر خدا، موجب تسلط وسوسه های شیطانی می شود:
- ۱۷۲..... آیا انسان ها می توانند موجودات نامرئی را به تسخیر خود درآورند؟
- ۱۷۲..... اشاره
- ۱۷۲..... الف) خداوند درباره ی ارتباط جنیان با انسان می فرماید:
- ۱۷۳..... ب) جنیان و پرندهگان در تسخیر حضرت سلیمان علیه السّلام بودند:
- ۱۷۳..... ج) شیاطین نیز برخی کار ها را برای حضرت سلیمان انجام می دادند:
- ۱۷۴..... پایان سرگذشت موجودات غیبی چگونه است؟
- ۱۷۸..... کتاب نامه
- ۱۸۷..... درباره مرکز

سرشناسه: رضایی، حسن رضا، 1351 - ، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: جهان شناسی در قرآن / حسن رضا رضایی؛ تهیه کننده مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمی.

مشخصات نشر: قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، 1388.

مشخصات ظاهری: هفت، 167 ص.

شابک: 21000 ریال 7-43-2638-964-978

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: *Cosmology in the Qur'an*.

یادداشت: عنوان روی جلد: پاسخ به پرسش هایی درباره ی جهان شناسی در قرآن پرسمان دینی؟

یادداشت: کتابنامه: ص. 159-167؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد: پاسخ به پرسش هایی درباره ی جهان شناسی در قرآن پرسمان دینی؟

موضوع: کیهان آفرینی -- جنبه های قرآنی

کیهان شناسی -- جنبه های قرآنی

آفرینش (اسلام) -- جنبه های قرآنی

هستی شناسی

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. مرکز مدیریت

رده بندی کنگره: BP103/65/6ج9 1388

رده بندی دیویی: 297/158

شماره کتابشناسی ملی: 8 6 7 1 0 1 2

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم زهرا اصغری

ص: 1

**اشاره**

جهان شناسی در قرآن / حسن رضا رضایی؛ تهیه کننده مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه. قم: حوزه ی علمیه قم، مرکز مدیریت، 1388.

167ص

21000 ریال: 7- 43 - 964 2638 - ISBN978 -

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب نامه: ص. [159] - 167؛ همچنین به صورت زیرنویس.

1. کیهان آفرینی - جنبه های قرآنی. 2. آفرینش - جنبه های قرآنی. 3. کیهان شناسی - جنبه های قرآنی. 4. قرآن و علوم. الف. حوزه ی علمیه. مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی. ب. حوزه علمیه قم. مرکز مدیریت. ج. عنوان.

9 ج 6 / BP 103/65

297 / 159

مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه

نام کتاب: جهان شناسی در قرآن

مؤلف: حسن رضا رضایی

تهیه کننده: مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه

ناشر: انتشارات مرکز مدیریت حوزه ی علمیه ی قم

ویراستاران: محمد جواد شریفی، حمیده انصاری

نوبت چاپ: اول / 1388

شمارگان: 2000 نسخه

بها: 2100 تومان

قم: صندوق پستی 37185/4466 تلفن: 7737217

شابک: 7 - 43 - 2638 - 964 - 978

مراکز پخش:

قم: خ شهدا (صفائیه) کوچه ی شماره ی 19، پلاک 45، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی

حوزه ی علمیه، تلفن: 7737217 تلفکس: 7737213

قم: مدرسه ی عالی دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه ی علمیه قم، تلفن: 7748383

تهران: خ انقلاب، چهار راه کالج، ابتدای خیابان حافظ شمالی، نبش کوچه ی بامشاد،

شماره ی 525، (پکتا) تلفن 88926270 تلفکس: 88926271

کلیه ی حقوق برای تهیه کننده محفوظ است

با قدردانی از تمام کسانی که در تولید این اثر نقش داشته اند از جمله آقایان: حمید کریمی: معاون پژوهش مرکز • محمد جواد شریفی:

معاون اجرایی مرکز • محسن صادقی: طراح جلد • حسن یوسفی و نهضت الله عظیمی: حروف نگار و صفحه آرا

رئیس مرکز: محمد رضا باقرزاده

ص: 2

فصل اول: کلیات

هدف از آفرینش جهان و موجودات از دیدگاه قرآن... 3

هدف از آفرینش انسان... 9

فصل دوم: آسمان و زمین در قرآن

آغاز خلقت جهان از دیدگاه قرآن... 19

زمان یا مدت خلقت آسمان و زمین... 27

منظور قرآن از آسمان ها و زمین های هفت گانه... 31

جاذبه ی عمومی زمین در قرآن... 38

دیدگاه قرآن درباره ی گسترش جهان... 43

دیدگاه قرآن درباره حرکت و سکون خورشید... 46

دیدگاه قرآن درباره ی حرکت و سکون زمین... 55

دیدگاه قرآن درباره ی کروییت زمین... 61

پدیده های جوّی مانند (باد و طوفان) در قرآن... 65

معنای عرش و کرسی در قرآن... 71

جهات چهارگانه (شرق و غرب و شمال و جنوب) در قرآن...75

دیدگاه قرآن درباره ی پایان جهان...77

فصل سوم: موجودات زنده در قرآن

دیدگاه قرآن درباره ی پیدایش موجودات زنده در زمین و سازگاری آن با نظریه ی داروین...85

دیدگاه قرآن درباره ی وجود موجودات زنده در کرات دیگر...106

مسئله ی پیدایش نباتات در قرآن...110

مسئله ی زوجیت گیاهان در قرآن...112

فصل چهارم: موجودات نامرئی در قرآن

هدف از خلقت موجودات نامرئی (جن و شیطان و ملائکه)...121

تمثّل موجودات غیبی به شکل انسان و حیوان...143

بررسی مکان تأثیر گذاری موجودات غیبی و نامرئی در روح و جسم انسان...149

امکان تسخیر موجودات نامرئی توسط انسان...153

چگونگی پایان زندگی موجودات غیبی و نامرئی...155

کتابنامه...159

ص: 4

قرآن با تبیین عقاید، اخلاق و احکام الهی، هدایت و تربیت مادی و معنوی بشر را به عهده گرفته و خداوند با حفظ قرآن (1) از جعل، دسیسه، تحریف و... دوام و بقای آن را تضمین نموده است.

قرآن کتابی علمی و تجربی نیست؛ هر چند قرآن می فرماید: (تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ) ، (2) ولی این بدان معناست که آن چه انسان ها برای هدایت و تربیت خود نیاز دارند در قرآن بیان شده است، (3) مسائل علمی و تجربی؛ زیرا این مسائل از طریق عقل و تجربه ی بشری به دست می آید، اما مسائل هدایت و تربیت معنوی نیازمند تعالیم و حیانی است و عقل بشر از استخراج آن عاجز است. علاوه بر آن اگر قرار بود قرآن به همه ی ابعاد زندگی و مسائل علمی بپردازد، باید قرآن نازل شده حجم گسترده تری

ص: 5

---

1- (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) ؛ سوره ی حجر، آیه ی 9.

2- سوره ی نحل، آیه ی 89

3- سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 14، ص 225.



می داشت، و حال آن که مطالب قرآن عمدتاً به اموری تعلق گرفته که نقصان حس و عقل را جبران نماید.

با وجود این، قرآن به صورت گذرا و کلی و در راستای هدایت بشر، به پاره ای از مسائل علمی پرداخته که با دست آورد های امروز بشر منطبق است. و فوایدی به شرح زیر می توان برای آن برشمرد:

1. ذکر این مسائل در قرآن، راه خدا شناسی را هموار و آسان کرده است، (1) چون هدف قرآن، بیان آیات و نشانه های الهی و توجه دادن مردم به جلوه های فیض و قدرت خدا برای نزدیک تر شدن به اوست.

2. مسائل علمی قرآن، اعجاز علمی آن را می رساند. مسائلی که چهارده قرن پیش در قرآن مطرح شده، با یافته های قطعی دانشمندان کنونی مطابق است.

3. برخی با استفاده از نکات علمی قرآن و دین، به کنجکاوی و تفکر در جهان پرداخته اند که دست آورد آن، پیدایش علوم مختلف بوده است، همان طور که تا قرن هفتم هجری مسلمانان پیش تاز علم و صنعت بودند (هر چند بعد از آن به علت جنگ ها و اختلافات داخلی، سلطه ی حاکمان مستبد، دخالت بیگانگان و... تنزل کردند)؛ مثلاً توجه اسلام به آسمان ها، حرکت خورشید و ستارگان و قبله شناسی موجب رشد علم نجوم در میان مسلمانان شده است.

متن پیش رو، به برخی مطالب مطرح شده در قرآن درباره ی

ص: 6

جهان شناسی اشاره نموده و با استفاده از نظریات دانشمندان و مفسران معاصر، به تحلیل آیات پرداخته و در سه فصل تنظیم گردیده است.

فصل اول: جهان و قرآن؛ شامل: خلقت جهان، هدف آفرینش، آسمان و زمین هفتگانه، جاذبه ی زمین، چگونگی پایان جهان و....

فصل دوم: موجودات زنده در جهان؛ شامل: پیدایش موجودات و بررسی نظریه داروین موجودات زنده در کرات دیگر زوجیت گیاهان، ...

فصل سوم: موجودات نامرئی در قرآن؛ شامل: هدف از خلقت جن و شیطان و ملائکه، تسخیر و تمثل آن ها و تأثیر آن ها بر انسان و...

امید است این گام کوچک مورد توجه و استفاده ی خوانندگان محترم قرار گیرد؛ و با انتقاد ها و پیشنهاد های خود ما را یاری کنند.

در پایان از مؤلف محترم جناب آقای حسن رضا رضایی و از ارزیابان محترم علمی این اثر: آقایان عبدالکریم بهجت پور، سید محمد علی داعی نژاد، حمید کریمی و سید محمد حسین میری تشکر می شود.

مرکز مطالعات و پژوهش ای فرهنگی حوزه ی علمیه



اشاره

ص: 1



## از دیدگاه قرآن، هدف خداوند از آفرینش جهان و موجودات چیست؟

• این سؤال سابقه‌ی دیرینه دارد و برای همگان مطرح است. بیش تر مردم دوست دارند هدف از آفرینش هستی را بدانند؟

قبل از هر چیز باید توجه داشت که نباید فاعلیت خدا را همانند فاعلیت مخلوق پنداشت؛ زیرا انسان در تمام افعال خود به دنبال رفع کمبودها و نواقص خود است، در حالی که خداوند کمال مطلق است و کوچک ترین کمبودی در او راه ندارد.

ما موجودی محدود هستیم و لذا تمام تلاش ما برای رفع کمبودهای مان است؛ مثلاً درس می خوانیم برای مبارزه با جهل و نادانی، کار می کنیم برای مبارزه با فقر، لشکر و نیرو تهیه می کنیم برای از بین بردن ضعف و ناتوانی و حتی توجه به مسائل معنوی و تهذیب نفس و... برای رفع کمبودهاست.

آیا معقول است که آن وجود بی نهایت و عالم و قادر مطلق و بی انتها که هیچ گونه عیب و نقصی در او راه ندارد برای رفع کمبودهایش تلاش

ص: 3

بنابراین، از یک سو، آفرینش بی هدف نیست و از سوی دیگر، این هدف به آفریدگار باز نمی‌گردد، پس بدون شک، هدف چیزی است مربوط به خود مخلوقات. اگر در این جا میان «غرض فاعل» و «غرض فعل» تفکیک قایل شویم، قهراً سؤال خود به خود حل خواهد شد؛ لذا چنین می‌گوییم: از آن جا که فاعل، غنی مطلق و کمال محض است، هیچ نوع کمبود و نقصی در او راه ندارد و نمی‌توان برای او غرض و غایتی اندیشید. غرض برای فاعل، از مقایسه‌ی بین مخلوق و خالق نشأت می‌گیرد؛ و مقصود از عبارت «افعال خدا معلل به اغراض نیست» در علم کلام، این است که غرض و غایتی که به خدا باز گردد، در افعال خدا وجود ندارد؛ زیرا او کمال مطلق است و هیچ‌گونه کمبود و نقیصه‌ای در او راه ندارد تا در صدد رفع آن برآید.

هدف از آفرینش، رساندن هر موجود به کمال شایسته است، بدون آن که نتیجه‌ای برای ذات پاک خداوند داشته باشد.

آفرینش نوعی احسان و فیض از جانب خدا، نسبت به موجودات «ممکن» است؛ یعنی در آن چه امکان خلق شدن وجود دارد خداوند نسبت به خلقت آن بخل نورزیده و دریغ نکرده است. چنین آفرینشی «حسن ذاتی» دارد و اقدام به چنین فعلی ذاتاً پسندیده است؛ به عبارت دیگر، خداوند متعال همان طور که واجب به ذات است «واجب به جمیع الجهات» نیز هست از این رو محال است که موجودی قابلیت وجود پیدا کند و از ناحیه خداوند به وی افاضه‌ی وجود نشود. هر موجودی

که بالقوه امکان خلقت دارد، در پهنه‌ی هستی نیز قابلیت و شایستگی برخوردار است و با لسان حال، درخواست وجود و طلب کمال می‌کند.

آفرینش جهان، یک نوع پاسخ‌گویی به این امکان و استعداد های طبیعی و ذاتی اشیاء و در حقیقت به کمال رساندن آن هاست.

او با آفرینش، وسایل کمال هر موجودی را در اختیار وی می‌گذارد؛ چنان که انسان از طریق اختیار و آزادی، به کمالات می‌رسد. نفی هدف برای آفریدگار، غیر از عبث و لغو بودن آفرینش است و یکی از نقاط افتراق مکتب مادی و الهی همین جاست. (1) قرآن می‌فرماید:

(وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا... )؛ (2) ما زمین و آسمان و آن چه بین آن دو است را باطل خلق نکردیم، این گمان کسانی است که کافر شدند....

و در آیه ای دیگر می‌فرماید:

(أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَاءً وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ)؛ (3) آیا گمان می‌کنید که شما را بی‌هوده (و بدون هدف و غرض) آفریده ایم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید؟

ص: 5

---

1-1. ر.ک: محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ج 2-1، ص 154-179، و ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 22، ص 389 و ج 13، ص 372.

2- سوره ص آیه ی 27

3- سوره ی مؤمنون، آیه ی 115.



با توجه به این مقدمه فلسفی، به بررسی واژه ی «هدف» و دیدگاه قرآن درباره ی «هدف از آفرینش» می پردازیم.

«هدف» در لغت به معنای نقطه و نشانه ایی است که تیرانداز برای پرتاب تیر در نظر می گیرد (1) و در اصطلاح عرفی، به فایده ای گویند که بر کار مترتب است. (2)

یکی از اسمای الهی «حکیم» است که 97 بار در قرآن آمده است. این صفت اقتضا دارد که تمام افعال خداوند حکیمانه و از روی مصلحت است. (3)

( وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ... )؛ (4) او کسی است که آسمان و زمین را به حق آفرید... . ( وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَا • مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ ... )؛ (5) ما آسمان و زمین و آن چه بین آن هاست را به بازیچه نیافریدیم. نیافریدیم مگر به حق... .

آفرینش جهان به حق است، بدین معنا که دارای هدفی متناسب با مقام الهی است و نمی توان باور کرد که خداوند این جهان را تنها برای چند روز زندگی زودگذر و بی هدف آفریده باشد؛ زیرا این با حکمت خداوند

ص: 6

---

1- ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده ی «هدف».

2- محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 155.

3- سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن. ماده ی «حکم»

4- سوره انعام آیه ی 73.

5- سوره ی دخان، آیه ی 38-39.

برخی آیات نیز اشاره به این دارند که تمام خلقت آسمان و زمین و موجودات برای انسان و تکامل اوست.

( وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ... ) (2) ؛ او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید؛ و عرش او بر آب قرار داشت؛ تا شما را بیازماید که کدام یک عملتان بهتر است... .

ممکن است اشکال شود که آیه اشاره به خلقت زمین و آسمان برای آزمایش و امتحان انسان ها دارد؛ در حالی که خلقت زمین و آسمان میلیون ها سال قبل از خلقت انسان بوده و انسانی وجود نداشته تا خلقت زمین و آسمان برای او بوده باشد؟

در پاسخ می توان گفت: اگر در کارهای انسان دقت نماییم خواهیم دید که گاهی یک هدف اصلی وجود دارد که اراده ی انسان متوجه آن می شود و آن دارای مقدماتی است که بدون آنها تحقق نمی یابد؛ مثلاً انسان اراده ی انجام حج می نماید و این حج دارای مقدماتی است (مثل زاد و راحله، قدرت جسمی، وقت و زمان معین و...) که بدون آن ها حج تحقق نمی یابد. این مقدمات در افعال الهی نیز دیده می شود، البته نه به خاطر نیاز به

ص: 7

---

1- تفسیر نمونه، ج 21، ص 193.

2- سوره ی هود، آیه ی 7.

مقدمات، بلکه به این خاطر که مرتبه ی وجودی فعل، متأخر از آن مقدمات است؛ یعنی خود آن فعل مشروط بر آن مقدمات است. خداوند اراده کرده تا انسان مختاری بیافریند، این مقتضای حکمت الهی است، چنین موجودی باید مادی و در عالم ماده باشد و در عالم تراحم به اختیار خود به تکامل برسد. در نتیجه جهان ماده، مقدمه ای برای آفرینش انسان است، تا اشرف مخلوقات (انسان) با اعمال خود مسیر تکامل را بپیماید. (1)

سؤال دیگری که در این جا مطرح است این است که چگونه می توان پذیرفت که آسمان، زمین، کهکشان های عظیم، حیوانات و هر آن چه در دنیاست، فقط برای انسان آفریده شده است؟

با یک مثال ساده بهتر می توان به این پرسش پاسخ داد. اگر متخصصان دولت، علم پیدا کردند که در درون کوه دماوند مقدار زیادی طلا نهفته است، برای به دست آوردن آن طلاها مقدماتی لازم است از جمله: آماده کردن تجهیزات و نیروی انسانی، صرف وقت، کنار زدن خاک و سنگ، از بین بردن منابع طبیعی، استهلاک تجهیزات و... . همه ی این مقدمات در معرض استهلاک قرار می گیرند تا هدف نهایی که طلاست، به دست آید. خداوند نیز تمام کهکشان ها، زمین، آسمان، موجودات و... را خلق نموده تا هدف نهایی اش، یعنی خلقت انسان، محقق شود.

(هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...)؛ (2) خداوند

ص: 8

---

1- معارف قرآن، ص 168.

2- سوره ی بقره، آیه ی 29.

کسی است که تمام چیز هایی را که در زمین وجود دارد برای شما (انسان) خلق نموده است. ...

(وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ)؛ (1) زمین را برای مردم آفرید.

(وَ الْخَيْلَ وَ الْبِغَالَ وَ الْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَ زِينَةً...)؛ (2) و اسبان و استران و خران را آفرید تا بر آن ها سوار شوید که زینت و تجملی برای شماست. ...

## هدف از آفرینش انسان چیست؟

### اشاره

● ابتدا لازم است به طور اختصار هدف از آفرینش انسان و مقام او بیان شود. همواره این پرسش فکر انسان ها را به خود مشغول ساخته که «از کجا و برای چه آمده ام؟». شایسته است به این نکته ی ظریف نیز توجه شود که انسان ها که خود آفریده ی خداوندند، همیشه می کوشند تا رفتارشان را هدفمند سازند، پس نمی توان تصور نمود که خداوند، در آفرینش انسان هدف و انگیزه ای نداشته است. (3)

(أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ)؛ (4) آیا می پندارید شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما باز نمی گردید؟

ص: 9

1- سوره ی الرحمن، آیه ی 10.

2- سوره ی نحل، آیه ی 8.

3- عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج 2، ص 368

4- سوره ی مؤمنون، آیه ی 115.

خداوندِ حکیمی که همه ی افعالش از روی حکمت است، بعید است زمین، آسمان و موجودات را بی هدف و تصادفی خلق کرده باشد.

(... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا...)؛ (1) ... کسانی که در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند؛ که پروردگارا! تو این ها را بیهوده نیافریده ای... .

افزون بر این، باید دانست که خداوند چون بی نیاز مطلق است، از آفرینش انسان ها سود و زیانی نخواهد برد بلکه خیر و سود این آفرینش، به خود انسان بر می گردد.

من نکردم خلق تا سودی کنم \*\*\* بلکه تا بر بندگان جودی کنم

قرآن، برای آفرینش انسان اهدافی را بیان کرده که بعضی از آن ها، اهداف اصلی، بعضی دیگر، ابزاری و مقدمه ای و برخی نیز به منزله ی نتیجه است:

### الف). آزمایش انسان ها

قرآن کریم یکی از اهداف آفرینش انسان را «آزمایش» او می داند و می فرماید:

(الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...) (2)؛ خداوند کسی است که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک بهتر عمل می کنید.... .

دنیا، میدان آزمایش و مرگ و زندگی وسیله ی آزمایش انسان هاست.

ص: 10

---

1- سوره ی آل عمران، آیه ی 191.

2- سوره ی ملک، آیه ی 2.

هدف این آزمون، رسیدن به حسن عمل است. آزمایش انسان ها رسیدن به شناخت از یک دیگر است؛ ولی آزمایش الهی نوعی پرورش و تربیت انسان است که آثارش به خود انسان بر می گردد. انسان ها در میدان عمل و آزمایش استعداد های درونی خود را به فعلیت می رسانند؛ همان گونه که فولاد با گداخته شدن در کوره استحکام بیش تری می یابد و آبدیده می شود. (1)

روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ی آیه ی قبل فرمود:

أَتَمُّكُمْ عَقْلاً وَ أَشَدَّكُمْ لِلَّهِ خَوْفاً وَ أَحْسَنُكُمْ فِيمَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ نَهَى عَنْهُ نظراً وَ ان كان اقلکم تطوعاً؛ (2)؛ (منظور از «احسن عمل» این است که کامل ترین شما در عقل و خرد و خدا ترس ترین شما و نیکو ترین شما در فهم و آگاهی آن چه امر و نهی فرمود چه کسی است؛ گر چه از لحاظ اعمال مستحب، کم ترین شما باشد.

امام صادق علیه السَّلامُ نیز در همین باره می فرماید:

عمل صحیح آن است که با خدا پرستی و نیت پاک همراه باشد. (3)

آزمایش های الهی، حس خردگرایی و تسلیم شدن در برابر اوامر و نواهی خدا و خالص کردن روح از غیر او را در انسان پرورش می دهد که

ص: 11

---

1- ر.ک ناصر مکارم شیرازی و همکاران تفسیر نمونه، ج 1، ص 528

2- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 10، ص 322 و محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 47، ص 232

3- تفسیر نمونه، ج 24، ص 318

وسیله ای برای معرفت و رسیدن به تکامل است.

هم چنین خداوند، انسان ها را به خیر و شر (1)، ترس و گرسنگی و زیان مالی و اولاد (2) و آن چه در دل دارند می آزماید تا آنان را برای خدا خالص گرداند؛ (3) دروغ گویان را از راست گویان (4) و مؤمنان را از منافقان (5) جدا می کند. پاداش و کیفر آخرت نیز بر اساس واکنش انسان در برابر آزمون ها داده می شود.

## ب. آگاهی از قدرت الهی

قرآن در جای دیگر هدف از آفرینش انسان را آگاهی از قدرت بی پایان الهی بیان می کند:

( اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ... )؛ (6) خداوند کسی است که هفت آسمان را آفرید و زمین را نیز همانند آن آفرید. فرمان او پیوسته فرود می آید تا بدانید خداوند بر همه چیز تواناست. ...

آزمایش بندگان و آگاهی دادن به آن ها مقدمه و ابزاری است برای رسیدن آن ها به کمال.

ص: 12

1- ر.ک: سوره ی، انبیاء آیه ی 35

2- ر.ک: سوره ی بقره آیه ی 155

3- ر.ک: سوره ی آل عمران آیه ی 154

4- ر.ک: سوره ی عنکبوت، آیه ی 3

5- ر.ک: سوره ی آل عمران آیه ی 179.

6- سوره ی طلاق، آیه ی 12

خداوند، هدف از آفرینش را عبادت دانسته است:

( مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ )؛ (1) من جن و انسان را تسلیم نیافریدم، جز برای این که مرا عبادت کنند.

در لغت عرب «عبد» به معنای انسانی است که سر تا پا به مولا و صاحب خود تعلق دارد. (2) «عبودیت» اظهار بالا ترین درجه ی خضوع در برابر معبود است و عبادت اوج تکامل یک انسان و قرب او به خداوند. عبودیت کامل، عبادتی است که انسان جز به معبود واقعی نیندیشد. (3)

برخی «یعبدون» را به شناخت و معرفت خدای سبحان تفسیر کرده و گفته اند:

راز آفرینش انسان، شناخت خداست؛ و انسان در پرتو شناخت به عبادت خالص او دست پیدا می کند. (4)

امام حسین علیه السّلام نیز در برابر اصحابش فرمود:

خداوند بزرگ بندگان خود را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند و پس از شناخت او را عبادت کنند و با بندگی او از بندگی غیر او بی نیاز شوند. (5)

ص: 13

---

1- سوره ی ذاریات، آیه ی 56

2- ابن فارس، مقاییس اللغة

3- تفسیر نمونه، ج 22، ص 386

4- محدث خراسانی، راز خلقت انسان در قرآن، ص 21

5- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 18، ص 428



قرآن در مرحله ی آخر، هدف از آفرینش انسان را، رسیدن به رحمت بی پایان الهی دانسته است:

( وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَ لِيَذِلَّكَ خَلْقَهُمْ... )؛ (1) اگر پروردگارت می خواست، همه ی مردم را یک امت قرار می داد، ولی آنان همواره در اختلاف اند مگر کسانی که پروردگارت به آنان رحم کرد و آنان را برای همین (پذیرش رحمت) آفرید... .

آزمایش هایی که با موفقیت و سربلندی پشت سر گذاشته می شوند موجب پرورش روح و رسیدن انسان به معرفت و عبودیت می گردند و در نتیجه از رحمت بیکران خداوندی که مقتضای ذات اوست، بهره می برند. در این میان، می توان گفت: رسیدن به مقام عبودیت، بالا ترین هدف آفرینش است؛ زیرا مراد از عبودیت، رسیدن به مرتبه ی انسان کامل است و انسان کامل با رسیدن به جوار قرب الهی، از رحمت بی پایان او بهره مند خواهد شد. هر پدیده ای در نظام آفرینش دارای کمال مطلوب است تا ارزش وجودی خود را بازیابد. کمال مطلوب فرشته، تقدیس و تسبیح خداوند و کمال مطلوب انسان، جلوه گری برای نمایش صفات و کمال پروردگار است. این جلوه های کمال، افزون بر امکانات تکوینی و طبیعی، احکام و شریعی را نیز برای اعمال و اخلاق و حقوق او وضع

ص: 14

کرده است، که باید به آن ها عمل کند و رشد و ترقی نماید. (1)

خداوند انسان را از ارزش هایی برخوردار ساخته است تا او بدان وسیله، بتواند خود را به کمال برساند و مظهر جلال و جمال الهی شود؛ از جمله:

1. انسان خلیفه ی خدا در زمین است. (2)
2. ظرفیت انسان، بزرگ ترین ظرفیتی است که یک مخلوق می تواند داشته باشد. (3)
3. انسان، فطرت خدا آشنا دارد. (4)
4. در سرشت انسان، افزون بر عنصر مادی، عنصر ملکوتی و الهی نیز وجود دارد. (5)
5. انسان شخصیت آزاد و امانت دار خداوند است. (6)
6. آفرینش انسان هدفمند است. (7)
7. انسان دارای کرامت و شرافت ذاتی است و بر دیگر موجودات برتری دارد. (8)

ص: 15

---

1- عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج 3، ص 13-15

2- ر. ک: سوره ی بقره، آیه ی 30

3- ر. ک: سوره ی بقره، آیه ی 31-33

4- ر. ک: سوره ی اعراف، آیه ی 172

5- ر. ک: سوره حجر، آیه ی 29

6- ر. ک: سوره ی احزاب، آیه ی 72

7- ر. ک: سوره ی طه، آیه ی 121

8- ر. ک: سوره اسراء، آیه ی 7

8. انسان از وجدان اخلاقی برخوردار است. (1)

9. انسان جز با یاد خدا آرام نمی‌گیرد. (2)

10. نعمت‌های زمین برای انسان آفریده شده است. (3)

11. انسان برای هدف‌های عالی می‌کوشد و می‌جوشد. (4)

نقطه‌ی عطف این‌ها پرورش، هدایت، پیشرفت و تکامل انسان‌هاست که هدف‌نهایی آفرینش به شمار می‌رود؛ هدفی که به خود انسان باز می‌گردد نه به خالق انسان. (5)

ص: 16

---

1- ر. ک: سوره شمس، آیه ی 8

2- ر. ک: سوره رعد، آیه ی 28

3- ر. ک: سوره ی بقره آیه ی 29

4- ر. ک: سوره ی فجر، آیه ی 28

5- ر. ک: مرتضی مطهری، انسان در قرآن، ص 248-253 و تفسیر نمونه، ج 9، ص 281،



## فصل دوم: آسمان و زمین در قرآن

اشاره

ص: 18

## از دیدگاه قرآن خلقت جهان چگونه آغاز شده است؟

● ذهن کنج کاو بشر همیشه به دنبال کشف حقایق جهان و راز و رمز آن است و می‌کوشد مجهولات و مبهمات خلقت هستی را به معلومات تبدیل نماید، مانند: کیفیت خلقت جهان، زمان شروع خلقت، و... . تاکنون دانشمندان نظریات گوناگونی درباره ی خلقت هستی ارائه داده اند، ولی نظریه ای که مورد اتفاق دانشمندان تجربی باشد به چشم نمی‌خورد (نظریات دانشمندان در آینده ذکر می‌شود).

قرآن کریم نیز که کتاب هدایت و تربیت معنوی است، به پاره ای از مسائل علمی، از جمله کیهان شناسی، [\(1\)](#) اشاره ای گذرا دارد و شاید هیچ آیه ای، مستقیم یا مستقل، به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان و زمین نپرداخته باشد. همواره این بحث ها به منظور هموار نمودن راه

ص: 19

---

1- علم کیهان شناسی cosmology علم شناختن کیهان و روابط زمین با عالم وجود است. کیهان، گیهان، گیتی و جهان در فارسی به یک معناست. محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ج 1-3 ص 227، پاورقی).

خداشناسی، تفکر و تعقل در خلقت هستی، ایجاد انگیزه در کشف راز و رمز خلقت جهان، پی بردن به عظمت الهی، حق شناسی و شاید هم استطراداً (1) بیان شده اند؛ زیرا هدف قرآن حل مسائل علمی و تجربی نیست، بلکه هدایت معنوی و تربیتی انسان هاست و مسائل تجربی و علمی با گذشت زمان و از طریق تجربه و آزمایش به دست می آیند؛ و به علت عدم توضیح آیات و مبهم بودن آن ها و نیز عدم قطعیت نظریات علمی تفسیر های گوناگونی از آیات شده است.

## آغاز جهان

قرآن کریم در دو آیه، به صورت گذرا و اجمالی، به مسئله ی آغاز جهان اشاره کرده است. مفسران نیز بر اساس پیش فرض ها و یا نظریه ی غالب علمی عصر خود، به تفسیر این دو آیه پرداخته اند.

آیه ی اول:

(ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ...); (2) سپس به آفرینش آسمان پرداخت در حالی که به صورت دود بود....

«دخان» در لغت به معنای چیزی است که به دنبال شعله و لهیب آتش برمی خیزد (3) و «سما» به معنای طرف بالاست (4) که در قرآن در معانی و

ص: 20

---

1- استطراد، یعنی از مطلب اصلی خارج شدن و به مطلب دیگر پرداختن و دوباره به مطلب اصلی بازگشتن (همان).

2- سوره ی فصلت، آیه ی 11.

3- ابن فارس، مقاییس اللغة؛ ابن منظور، لسان العرب، ماده ی: «دخن»

4- لسان العرب، ذیل ماده ی «سمو»

مصادیق متعدی به کار رفته است، از جمله: جهت بالا، (1) جوزمین (2)، محل کرات بالا (3)، آسمان معنوی (4) و... (5).

واژه ی «استوی» در اصل به معنای اعتدال یا مساوات دو چیز با یک دیگر است (6) و هنگامی که با «علی» متعدی می شود، به معنای «استیلا و سلطه بر چیزی» است، مانند: (الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ أُسْتَوِي)؛ (7) خداوند بر عرش استیلا دارد؛ و وقتی که با «الی» متعدی می شود به معنای قصد است؛ مانند آیه ی مورد بحث. (8)

آیه ی دوم:

(أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ)؛ (9) آیا کسانی که کفر ورزیدند ندیدند که آسمان ها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟  
آیا (باز هم) ایمان

ص: 21

- 
- 1- سوره ی ابراهیم، آیه ی 24.
  - 2- سوره ی ق، آیه ی 9.
  - 3- سوره ی فصلت، آیه ی 12.
  - 4- سوره ی سجده، آیه ی 6.
  - 5- حسن مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ماده سمو و ناصر مکارم شیرازی و همکاران تفسیر نمونه، ج 1، ص 165.
  - 6- لسان العرب و مقایس اللغه، ذیل ماده ی «سوی»
  - 7- سوره ی طه، آیه ی 5.
  - 8- همان.
  - 9- سوره ی انبیاء، آیه ی 30.



واژه ی «رتق»، به معنای «چیز به هم پیوسته» و «فتق» به معنای «جدا کردن دو چیز متصل به هم» است. (1)

از ظاهر این دو آیه استفاده می شود که قبل از خلقت آسمان ها، توده ای از گازهای گسترده و عظیم وجود داشت و زمین و آسمان به هم متصل و چسبیده بودند که به قدرت خداوند از هم جدا شدند.

در تفسیر نمونه درباره دخان (دود) آمده است:

جمله ی «هی دخان...؛ آسمان ها در آغاز به صورت دود بود» نشان می دهد که آغاز آفرینش آسمان ها از توده های گازهای گسترده و عظیمی بوده است و این با آخرین تحقیقات علمی در مورد آغاز آفرینش کاملاً هماهنگ است. هم اکنون نیز بسیاری از ستارگان آسمان به صورت توده ی فشرده ای از گازها و دخان است. (2)

ابن عباس می گوید: معنای (فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ) (3) را آن گاه فهمیدم که دو عرب بر سر چاه آبی با هم نزاع داشتند و یکی از آن ها برای اثبات مالکیت خود می گفت: «أنا فطرْتُها؛ من این چاه را شکافته و احداث کرده ام». (4) طبق تحقیقات دانشمندان زمین در آغاز، توده ی واحدی بود که

ص: 22

---

1- لسان العرب. ماده ی «رتق و فتق»

2- تفسیر نمونه، ج 2، ص 228

3- سوره ی انعام، آیه ی 14.

4- تفسیر نمونه، ج 2، ص 228.

بر اثر انفجارهای پی در پی از هم شکافت و کهنکشان ها و منظومه ها و کرات به وجود آمدند. (1) از آیه ی (كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ) (2) نیز استفاده می شود که، ((ماء)) به معنای آب است؛ اما گاهی به شیء مایع نیز ماء گویند. در آغاز آفرینش، جهان هستی به صورت مواد مذابی بوده (یا گازهای فوق العاده فشرده ای که شکل مواد مذاب و مایع را داشته است) سپس در این توده ی آب گونه، حرکت های شدید و انفجارهای عظیمی رخ داده است. (3)

مفسران درباره ی آیه ی 30 سوره ی انبیا (رتق و فتق، پیوستگی جدایی) سه احتمال را مطرح کرده اند:

1. به هم پیوستگی آسمان ها و زمین اشاره به آغاز خلقت است. طبق نظر دانشمندان، مجموعه ی این جهان، توده ی واحد عظیمی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارات درون و حرکت، تدریجاً تجزیه شد و کواکب و ستاره ها، از جمله منظومه ی شمسی و کره ی زمین به وجود آمدند و هنوز هم جهان در حال گسترش است (برخی روایات اهل بیت «علیهم السّلام» اشاره به این تفسیر دارند). (4)

2. منظور از پیوستگی یک نواخت بودن مواد جهان است؛ یعنی همه در هم فرو رفته بود و به صورت ماده ی واحدی خود نمایی می کرد، اما با

ص: 23

1- همان، ج 5، ص 151

2- سوره ی هود، آیه ی 7

3- تفسیر نمونه، ج 9، ص 26

4- همان، ج 2، ص 228؛ الحویزی العروسی. تفسیر نور الثقلین، ذیل آیه ی سی ام انبیا.

گذشت زمان، از هم جدا شدند و ترکیبات جدید و انواع مختلف گیاهان و موجودات دیگر در آسمان و زمین ظاهر شدند. (1)

3. منظور از به هم پیوستگی آسمان، نباریدن باران در آغاز، و مقصود از به هم پیوستگی زمین، نرویدن گیاهان در آن زمان است؛ اما خداوند هر دو را گشود، از آسمان باران نازل کرد و در زمین انواع گیاهان را رویاند (بعضی از روایات نیز اشاره به همین احتمال دارند).

(2)

احتمال سوم با چشم، قابل رؤیت و با جمله ی (أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا)؛ «آیا کسانی که کافر شدند ندیدند، سازگار و با جمله ی (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ) نیز هماهنگ است. احتمال اول و دوم نیز با معنای وسیع این جمله ها مخالف نیست؛ چرا که گاهی رؤیت به معنای «علم» نیز می آید. (3)

احمد محمد سلیمان می نویسد:

این که قرآن می فرماید: آسمان و زمین قطعه ی واحدی بوده اند و سپس از هم جدا شده اند؛ همان نظر علمی جدید در مورد منظومه ی شمسی است که می گوید: جهان یک قطعه ای رها شده در فضا بود و سپس تحت تأثیر جاذبه ی شیء عظیم اجرام سماوی دیگر قرار گرفت و تکه تکه شد و به صورت حلزونی در آمد و سپس این اجزای کوچک، کم کم سیارات را

ص: 24

---

1- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 14، ص 278-279

2- صافی، تفسیر صافی، ج 3، ص 347

3- تفسیر نمونه، ج 13، ص 396

به وجود آوردند. (1)

دکتر موريس بوکای نیز می نویسد:

دانش به ما می آموزد چنان چه به عنوان مثال تکوین خورشید و محصول فرعی آن یعنی زمین را در نظر بگیریم، جریان امر، توسط تراکم سحابی نخستین و تفکیک آن رخ داده است. این دقیقاً همان است که قرآن به طریق کاملاً صریح با ذکر ماجراهایی که ((دود)) آسمان ابتدا يك نوع الصاق، سپس يك نوع انفكاك را به وجود آورد، بیان نموده است. (2)

برخی صاحب نظران معاصر (3) دود یا گاز را همان ماده ی اولیه ی خلقت آسمان و زمین می دانند که به هم چسبیده بودند و از هم جدا شدند.

### نظریه های علمی درباره ی پیدایش جهان

درباره ی پیدایش جهان، چند دیدگاه عمده در بین کیهان شناسان جدید وجود دارد که عبارت اند از:

1. انفجار بزرگ: این نظریه در سال 1900 م. پیشنهاد شد و هم اکنون

ص: 25

---

1- احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص 53 - 54

2- موريس بوکای، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ی ذبیح الله دبیر، ص 189-201

3- ر.ک: عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحديث، ص 162؛ سید هبة الله شهرستانی، اسلام و هیئت، ص 131؛ محمد علی سامی، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص 34؛ محمد کامل عبد الصمد، الاعجاز العلمی فی الاسلام، ص 47 و محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج 6، ص 129-139

اکثر اختر شناسان آن را بهترین نظریه می دانند. طبق این نظریه، حدود 20 بیلیون سال پیش تمام ماده و انرژی موجود در جهان در نقطه ای بسیار کوچک و فشرده متمرکز بوده است، سپس این نقطه ی کوچک منفجر شد و پس از چند ثانیه، این آتش گوی ماده-انرژی، با سرعتی نزدیک به سرعت نور در همه سو منتشر شد و پس از مدت کمی، احتمالاً چند ثانیه تا چند سال، ماده و انرژی از هم تفکیک شدند. تمام اجزای گوناگون جهان امروز از دل این انفجار بیرون آمده اند. (1)

2. حالت پایدار: این نظریه در سال 1940 توسط «فرد هیدیل» فیزیکدان انگلیسی پیشنهاد شد.

بنا بر این نظریه، جهان نه تنها از نظر فضایی یک نواخت است، بلکه در طول زمان تغییر ناپذیر نیز هست. ستارگان و کهکشان ها ممکن است تغییر کنند، اما تصویر کلی جهان با تصویر هر زمان تفاوتی ندارد.

3. جهان پلازما: برخی اختر شناسان، خلقت جهان را با مدل «هانس الفون» دانشمند سوئدی می بینند طبق این نظریه، 99 درصد جهان قابل مشاهده (عمدتاً ستارگان) از پلازما ساخته شده است.

پلازما گاز پوشیده ای است که بارهای الکتریکی آن از هم جدا شده اند. جهان آکنده از جریان های الکتریکی غول آسا و میدان های عظیم مغناطیسی است.

ص: 26

---

1- ویلیام هاوکینگ، تاریخچه ی زمان. ترجمه ی ، داد فرما، ص 145 - 149 به نقل از محمد علی رضایی اصفهانی پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج 1، ص 94

4. انفجارهای کوچک: گروهی دیگر از اختر شناسان، نظریه‌ی حالت پایداری را، که با رصد های اختر شناسی انطباق خوبی دارد، پیشنهاد می کنند. طبق این نظریه، جهان بدون آغاز و انجام است و ماده به طور پیوسته در خلال انفجارهای کوچک خلق می شود؛ هم چنین جهان به تدریج انبساط می یابد و کهکشان ها شکل می گیرند. (1)

پس ظاهر آیات قرآن درباره ی آغاز خلقت (که از «دود» شروع شده است) تا حدود زیادی با نظریه علمی مشهور خلقت جهان (یعنی انفجار بزرگ) هم خوانی و اشتراک هایی دارد. از طرف دیگر، با توجه به تعدد نظریه ها در مورد آغاز خلقت و عدم اثبات قطعی آن ها، هیچ یک از آن ها را نمی توان به صورت قطعی به قرآن نسبت داد.

خلقت آسمان و زمین چه مدت طول کشیده است؟

خداوند در قرآن کریم، زمان خلقت آسمان و زمین را شش روز می داند:

( وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ) ؛ (2) او کسی است که

ص: 27

---

1- ر.ک: ری ویلار و دیگران، کیهان و راه کهکشان، ترجمه ی سید محمد امین محمدی، ص 34-50؛ و محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص 94 - 97

2- سوره ی هود، آیه ی 7؛ نیز سوره ی یونس، آیه ی 3؛ سوره ی اعراف، آیه ی 54؛ سوره ی فرقان، آیه ی 59؛ سوره سجده، آیه ی 4؛ سوره ی ق، آیه ی 38 و سوره ی حدید، آیه ی 4 همین مضمون را دارند.

آسمان ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید و عرش (قدرت) او بر آب قرار داشت؛ تا شما را آزمایش کند که کدام یک عملتان بهتر است.

در لغت «یوم» به مقدار زمان و وقت، میان طلوع و غروب آفتاب و مطلق زمان و دوران گفته می شود. (1)

آن چه مسلم است، منظور از روز در این جا روز معمولی بیست و چهار ساعته نیست؛ زیرا در آن زمان نه آسمان ها بود نه زمین، نه کره ی زمین و نه حرکت بیست و چهار ساعته ی آن به دور خودش، و نه خورشید و نه شب و روز. (2)

به علاوه، پیدایش مجموعه ی جهان در شش روز (روز بیست و چهار ساعته)، بر خلاف علم است؛ زیرا علم می گوید: میلیارد ها سال طول کشید تا زمین و آسمان به این وضع در آمدند. با توجه به مفهوم وسیع کلمه ی «یوم» روشن است که «یوم» در این جا به معنای «یک دوران» به کار رفته است؛ خواه دوران یک ساله، یا صد ساله، یا یک میلیون ساله و یا میلیارد ها ساله؛ و شواهد فراوانی در این باره وجود دارد. (3)

در روایات و سخنان پیشوایان دینی نیز در موارد بسیاری کلمه ی «یوم» به معنای «مطلق زمان و دوران» آمده است، چنان که امیرالمؤمنین

ص: 28

---

1- ابن منظور، لسان العرب مصطفوی، التحقيق و سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ذیل ماده «یوم»

2- محسن قرائتی، تفسیر نور، ج 5، ص 273

3- لسان العرب، ذیل ماده ی «یوم»

الدهر یومان یوم لک و یوم علیک؛ (1) دنیا دو روز (دوره) است، روزی به سود توست و روزی به زیان تو.

در گفت و گوهای روزمره و اشعار شعرا در زبان های مختلف نیز، کلمه ی یوم و معادل آن در معنای «مطلق زمان و دوران» بسیار به کار رفته است؛ مثل «کره ی زمین یک روز گداخته و سوزان بود و روز دیگر سرد شد و آثار حیات در آن آشکار گردید، در حالی که دوران گداختگی زمین به میلیاردها سال بالغ می شود.» و یا «یک روز، بنی امیه خلافت اسلام را غصب کردند و روز دیگر بنی عباس، در حالی که دوران خلافت هر یک به ده ها یا صدها سال بالغ می گردد».

پس نتیجه می گیریم که خداوند مجموعه ی زمین و آسمان را در شش دوره ی متوالی آفریده است؛ هر چند گاهی این دوران به میلیون ها یا میلیاردها سال بالغ شده اند و علم امروز هم هیچ مطلبی مخالف آن بیان نکرده است. (2)

در میان بنی اسرائیل و اهل کتاب، به ویژه یهود (3)، مشهور است که خدا آفرینش را از یک شنبه آغاز نمود در جمعه به پایان رساند و شنبه را به استراحت پرداخت؛ از این رو ظاهراً به آن روز «سبات» می گویند. «سبت»

ص: 29

---

1- نهج البلاغه، کلمات قصار 396

2- تفسیر نمونه، ج 6، ص 200

3- ر.ک: تورات، سفر تکوین



در اصل به معنای استراحت است و لذا این روز (شنبه) را تعطیل می کنند. (1)

این احتمال بسیار بعید است؛ زیرا در علم جغرافیا روز عبارت است از مدت حرکت زمین به دور خودش (حرکت وضعی) و در لغت، گاهی روز در برابر شب به کار می رود و یوم، اعم از روز و شبانه روز است، در حالی که قبل از پیدایش زمین و خورشید و آسمان، تصور روز معمولی ممکن نبود و شنبه و یکشنبه ای وجود نداشت.

بارها کلمه ی «یوم» در قرآن به کار رفته است که در بسیاری از موارد به معنای روز معمولی نیست؛ مثلاً از مجموعه ی رستاخیز که دورانی بسیار طولانی است به روز قیامت تعبیر شده است. بنابر برخی آیات قرآن، روز رستاخیز و محاسبه اعمال انسان ها پنجاه هزار سال طول می کشد. (2) پس در قرآن، روز (یوم) به معنای دیگری نیز به کار رفته است، مانند:

الف) مراد فقط امروز نیست، بلکه آینده را هم شامل می شود:

(... قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ) (3)؛ ... تو امروز در نزد ما امین و مورد اعتماد هستی.

ب) با توجه به طول سفر در آن زمان ها، منظور از یوم مدت سفر یا حضر است. پس قرآن کریم در آیه ی زیر زندگی مخاطبان خود را به دو بخش: روز سفر و روز حضر، تقسیم کرده است:

ص: 30

---

1- محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 241

2- سوره ی معراج، آیه ی 4

3- سوره ی یوسف، آیه ی 54

(... تَسْتَخْفُونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ...)؛ (1) در سفر و حضر، به آسانی جا به جا می کنند....

(ج) روز به معنای هزار سال:

(... وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ)؛ (2) ... همانا روز نزد خدای تو، بر شمار هزار سال است.

(د) روز به معنای پنجاه هزار سال:

(تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ)؛ (3) روزی که فرشتگان و روح به سوی او می آیند، که برابر پنجاه هزار سال است.

با توجه به آیات و معنای لغوی یوم، منظور از شش روز در آیه ی شریفه، شش دوره ی خلقت است. (4)

### منظور از آسمان ها و زمین های هفتگانه در قرآن چیست؟

در قرآن کریم، هفت بار به صراحت و دوبار به کنایه (5) سخن از

ص: 31

1- سوره ی نحل، آیه ی 80

2- سوره ی حج، آیه ی 47

3- سوره ی معارج، آیه ی 4

4- ر.ک، محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 241، سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 17، ص 363

5- سوره ی بقره، آیه ی 29؛ و نیز سوره ی اسراء، آیه 86، و نیز سوره ی فصلت، آیه ی 12؛ و نیز سوره ی ملک، آیه ی 3؛ و نیز سوره ی

نوح، آیه ی 15، و نیز سوره ی طلاق، آیه ی 12

آسمان های هفت گانه و یک بار نیز ظاهراً از زمین های هفت گانه (1) سخن گفته شده است.

( اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ ... ) (2) خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آن ها را، فرمان او پیوسته در میان آن ها فرود می آید... .

قبل از آن که مقصود از هفت آسمان و زمین روشن گردد، لازم است به چند واژه اشاره شود:

## سما (آسمان)

### اشاره

کلمه ی «سما» و مشتقات آن که سیصد و ده بار در قرآن کریم به کار رفته دارای مفهوم جامعی است که مصادیق و معانی متعددی از آن اراده می شود؛ مثلاً «سما» از ریشه ی «سمو» در لغت به معنای بلندی است، (3) حتی برخی لغویین ادعا کرده اند که هر بالایی نسبت به پائینش، آسمان و هر پائینی نسبت به بالایش، زمین است. (4)

در قرآن، آسمان در دو مورد جداگانه به کار رفته است:

### 1. آسمان مادی:

#### الف. به معنای جهت بالا:

ص: 32

1- ر، ک: سوره طلاق آیه ی 12

2- همان

3- ابن فارس، مقاییس اللغه، ذیل ماده ی «سمو»

4- راغب اصفهانی، مفردات، ماده ی «سما»

(... أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ)؛ (1) مانند درخت پر برکت و پاکیزه که ریشه ی آن در زمین ثابت و محکم است و شاخه های آن به آسمان کشیده شده اند....

### (ب). به معنای جو اطراف:

(وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا...)؛ (2) و از آسمان آب با برکتی را فرو فرستادیم....

### (ج). به معنای مکان سیارات و ستارگان:

(تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا)؛ (3) بزرگوار آن خدایی که در آسمان برج ها مقرر داشته و در آن چراغ روشن (خورشید) و ماه تابان را قرار داد.

## 2. آسمان معنوی:

### (الف). به معنای مقام قرب

\*به معنای مقام قرب و حضور که محل تدبیر امور عالم است: (4)

(يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ...)؛ (5) اوست که امر عالم را از آسمان تا زمین تدبیر می کند....

ص: 33

1- سوره ی ابراهیم، آیه ی 24

2- سوره ی ق، آیه ی 9

3- سوره ی فرقان، آیه ی 61

4- ر.ک: تفسیر المیزان، ج 17، ص 114

5- سوره ی سجده، آیه ی 5

## ب. به معنای موجود عالی و حقیقی:

\* به معنای موجود عالی و حقیقی: (1)

(وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ)؛ (2) روزی تان و آن چه به شما وعده داده می شود در آسمان قرار دارد.

به این معنا که تقدیر ارزاق انسان ها از ماوراء الطبیعه و لوح محفوظ است. (3)

## مقصود از ارض (زمین)

### اشاره

کلمه ی ارض» در قرآن، 461 بار و همیشه به صورت مفرد استعمال شده و دارای معانی و مصادیق مختلفی است. ارض در لغت به معنای کره ی خاکی است که انسان بر روی آن زندگی می کند، (4) اما در قرآن کریم،

ارض در چند معنا به کار رفته است؛ مانند:

### 1. به معنای کره ی زمین در مقابل آسمان:

\* به معنای کره ی زمین در مقابل آسمان: (5)

(إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا)؛ (6) خداوند آسمان ها و زمین را نگاه می دارد تا از نظام خود منحرف

ص: 34

---

1- ر.ک: محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 234، و محمد علی رضایی اصفهانی. پژوهش در اعجاز علمی قرآن، ج 1، ص

2- سوره ذاریات، آیه ی 22

3- تفسیر نمونه، ج 22، ص 335، به نقل از بعضی مفسرین

4- ابن فارس، مقاییس اللغه، ماده ی «ارض»

5- 80 بار در قرآن آمده است.

6- سوره ی فاطر، آیه ی 41

نشوند؛ و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمی تواند آن ها را نگاه دارد؛ او بردبار و آمرزنده است.

## 2. به معنای قطعات زمین و آبادی:

\*به معنای قطعات زمین و آبادی: (1)

(إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ) ؛ (2) کیفر آن ها که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، یا اعدام است یا به دار آویخته می شوند یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آن ها، به عکس یکدیگر بریده می شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید شوند. این رسوایی آن ها در دنیاست، در آخرت نیز عذاب عظیمی دارند.

## 3. به معنای عالم طبیعت و پهنای زمین:

\*به معنای عالم طبیعت و پهنای زمین (3)

(وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا) ؛ (4) هنگامی که سفر می کنید گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر از فتنه (و خطر) کافران بترسید؛ زیرا کافران برای شما دشمن آشکاری هستند.

ص: 35

1- 110 بار در قرآن آمده است

2- سوره ی مائده، آیه ی 33

3- 260 بار در قرآن آمده است

4- سوره نساء، آیه ی 101

## مقصود قرآن از واژه ی سبع (هفت)

کلمه ی سبع (هفت) در عربی به دو معناست:

الف). به معنای عدد مشخص و معین که در ریاضیات کاربرد دارد.

ب). به عنوان نماد کثرت؛ زیرا گاهی عرب کلمه ی «هفت» را استعمال می کند، ولی مرادش معنای کنایی آن است (تعداد زیاد و کثیر).

(1)

## مقصود قرآن از «هفت آسمان»

مفسرین درباره ی واژه ی «هفت آسمان» چند احتمال داده اند:

الف). اگر هفت به معنای عدد حقیقی باشد در این صورت چند احتمال متصور است:

1. هفت آسمان پر از ستاره و سیاره، مثل هفت کره ی خاکی زمین. (2)

2. هفت مقام قرب و حضور و موجود عالی معنوی (هفت آسمان). (3)

ب). اگر هفت، به معنای کثرت باشد، در این صورت نیز احتمالات زیر متصور است:

1. آسمان ها (مجموعه ی کرات و سیارات و ...) و زمین های زیادی (کره های خاکی مشابه زمین) را خلق کرد، که همه ی آن ها در فضا

شناور و معلق اند. (4)

ص: 36

---

1- ر.ک: سوره ی، لقمان آیه ی 27

2- ر.ک: مصطفوی، التحقیق، ج 1، ص 165

3- ر.ک: تفسیر المیزان. ج 16، ص 247 و ج 19، ص 327

4- ر.ک: تفسیر نمونه، ج 24، ص 262

2. طبقات متعدد جو آسمان، و طبقات داخلی زمین یا قطعات زمین و اقلیم ها را خلق کرد. (1)

3. مراتب معنوی و مقامات قرب و حضور و موجودات عالی بسیار و نیز مراتب پست بسیاری را در طبیعت، خلق کرد. (2)

درباره ی زمین های هفت گانه نیز همان احتمالاتی را که برای آسمان هفت گانه گفته شد، آورده اند.

با توجه به ابهامی که در معنای هفت آسمان از دیدگاه قرآن و در مورد آسمان و کهکشان ها از نظر علمی وجود دارد، نمی توان در این باره نظر قطعی داد و همه ی نظریات به صورت احتمال و گمان مطرح می شوند. (3) اما نباید غافل شویم که هدف قرآن، هدایت معنوی و تربیتی بشر است و اشاره ی آن به مواردی چون: هفت آسمان و زمین، حرکت خورشید و زمین و...، نشان از قدرت لایزال خداوند و نیز هموار نمودن راه خدا شناسی و آماده کردن زمینه ی تفکر و تدبیر در آفرینش است. هم چنین برخی از مطالب علمی قرآن نیازمند زمان و اثبات به وسیله ی علوم تجربی است. نظریه ندادن علوم تجربی در مسائل علمی قرآنی دلیل بر باطل بودن نظریه ی قرآن نیست.

ص: 37

---

1- ر.ک همان

2- ر.ک: تفسیر المیزان، ج 16، ص 247

3- ر.ک: طنطاوی جوهری، تفسیر الجواهر، ج 1، ص 46 و محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهش در اعجاز قرآن، ج 1، ص 126-142



## آیا قرآن به جاذبه ی عمومی زمین اشاره ای کرده است؟

• نیروی جاذبه یا قانون جاذبه ی عمومی بدین معناست که کلیه ی اجسام بزرگ و کوچک در یک دیگر تأثیر متقابل دارند و هم دیگر را جذب می کنند.

برخی معتقدند که (بعد از اشارات علمی قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام) ابوریحان بیرونی (440 ق) اولین کسی بود که به نیروی جاذبه پی برد. (1) اما مشهور آن است که نیروی جاذبه ی عمومی اولین بار در قرن هفدهم میلادی توسط نیوتن کشف شد. (2) چنان که داستان افتادن سیب از درخت و انتقال ذهنی نیوتن به نیروی جاذبه، معروف است. نیوتن بر اساس قوانین کلی حرکت سیارات را این گونه تبیین کرده است:

الف) بر طبق قانون جاذبه ی عمومی، کلیه ی اجسام هم دیگر را جذب می کنند و این کشش به دو چیز بستگی دارد: جرم و فاصله؛ یعنی با جرم نسبت مستقیم دارد و هر چه جرم یک جسم بیش تر باشد نیروی کشش آن نیز زیادتر خواهد بود.

ب) بنا بر قانون گریز از مرکز، هر جسمی که بر گرد مرکزی حرکت کند؛ طبعاً کششی در آن به وجود می آید تا از آن مرکز دور شود، مانند قطعه سنگی که به ریسمانی بسته ایم و می گردانیم. زمین، سیارات، قمرها و اجرام آسمانی در مدارهای خود و گرد هم دیگر در حال چرخش اند. در

ص: 38

---

1- گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص 41

2- ناصر مکارم شیرازی، قرآن و آخرین پیامبر، ص 167

نتیجه، ترکیب دو نیروی جاذبه و گریز از مرکز است که اجرام فضایی را در مدار خود نگاه می‌دارد و از سقوط و تصادم آن‌ها جلوگیری می‌کند. (1)

آن چه مسلم است، علم، از قرن هفدهم میلادی به بعد، قانون جاذبه‌ی موجودات را کشف نمود و تاکنون نیز بر ردّ نظریه‌ی جاذبه‌ی زمین، سخنی گفته نشده است. برای این که بهتر به عظمت قرآن و اعجاز آن پی ببریم، لازم است به آیه‌های قرآن و دیدگاه مفسران در این باره اشاره کنیم:

## دیدگاه قرآن

### اشاره

مفسران قرآن معتقدند که چند آیه از قرآن به مسائل جاذبه‌ی عمومی زمین اشاره دارد:

### آیه‌ی اول:

(اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا... (2)؛ خدا (همان) کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را ببینید، برافراشت... .

(خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا... (3) آسمان‌ها را بدون ستونی که آن‌ها را ببینید، خلق کرد... .

کلمه‌ی «عَمَد» (بر وزن قمر)، جمع عمود به معنای «ستون» است. (4)

ص: 39

---

1- حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 44-48

2- سوره‌ی رعد، آیه‌ی 2

3- سوره‌ی لقمان، آیه‌ی 10

4- جوهری، صحاح اللغه، ذیل ماده‌ی «عمد»

درباره ی ترون ها دو تفسیر گفته شده است:

1. صفت برای «عمد» باشد؛ یعنی «آسمان ها را بدون ستونی که دیدنی باشد، برافراشتیم» که لازمه ی آن وجود ستون های نامرئی برای آسمان است.

2. «بغیر عمد» متعلق به جمله «ترون ها» باشد (ترون ها بغیر عمد)؛ یعنی «همان گونه که می بینید آسمان بدون ستون است» (1) تفسیر دوم، خلاف ظاهر آیه است؛ زیرا لازمه ی آن تقدیم و تأخر است. (2)

در تفسیر نمونه آمده است:

مقید ساختن آن (عمد) به «ترون ها» دلیل بر این است که آسمان ستون های مرئی ندارد. مفهوم این سخن آن است که ستون هایی دارد، اما قابل رؤیت نیست... این تعبیر لطیفی است نسبت به قانون دافعه و جاذبه که هم چون ستونی بسیار نیرومند اما نامرئی، کرات آسمانی را در جای خود نگه داشته است. (3)

حدیثی از امام رضا علیه السَّلَام در این باره نقل شده است:

حسین بن خالد می گوید: از امام رضا علیه السَّلَام پرسیدم: این که خداوند فرموده: (وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْجُبُكِ) ؛ «سوگند به آسمان که دارای راه هاست» یعنی چه؟ فرمود: این آسمان راه هایی به سوی زمین دارد عرض کردم: چگونه می تواند راه ارتباطی با

ص: 40

---

1- ر.ک: محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 249

2- تفسیر نمونه، ج 10، ص 110 و ج 17، ص 29

3- همان، ج 17، ص 29 و نیز ر.ک: تفسیر المیزان، ذیل آیه ی 2 سوره ی رعد

زمین داشته باشد در حالی که خداوند می فرماید: آسمان ها بی ستون اند؟ امام فرمود: «سبحان الله الیس الله یقول بغير عمدٍ ترونها». آیا خداوند نمی فرماید: بدون ستونی که قابل مشاهده باشد؟ عرض کردم: آری. فرمود: پس ستون هایی هست، لکن شما نمی بینید. (1)

شایان ذکر است که آیه و روایت فوق بر خلاف تفکر هیئت بطلمیوس که در آن زمان بر افکار جهانیان سایه افکنده و قایل به ساکن بودن زمین بودند، مطرح شده است.

برخی از نویسندگان معاصر درباره ی آیه ی فوق می نویسند:

لازم است میان ستون که تکیه گاه و نگاه دارنده است، و جسمی که بر آن تکیه کرده، تناسب و محاسبه ی کامل رعایت شود؛ یعنی هر اندازه جسم سنگین تر است، به همان نسبت باید ستون دارای قدرت و مقاومت بیش تری باشد؛ بنابراین نیروی جاذبه و سایر قوانین حرکت مربوط به این اجرام، با نظام دقیق و فرمول مخصوص خود محاسبه شده اند که توانسته هر یک از آن ها را در ارتفاع و مدار معین در طی میلیارد ها سال نگه بدارد. با توجه به این نکته روشن می شود که تعبیرات قرآن - که راهنمای سعادت بشر است - چه اندازه اعجاب آمیز و

ص: 41

## آیه ی دوم:

(أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا)؛ (2) آیا زمین را جایگاه گرفتن و جذب قرار ندادیم؟

«کِفَات»، موضعی است که اشیا در آن جمع آوری می شوند و در اصل معنای آن، گرفتن و ضمیمه کردن (قبض و ضم) وجود دارد؛ لذا می توان گفت: زمین اشیا را به خود جذب می کند و می گیرد و بعید نیست که اشاره به نیروی جاذبه ی زمین باشد که با توجه به سرعت شگرف حرکت زمین، اگر این نیروی جاذبه نمی بود، همه ی اشیای روی زمین در فضا پراکنده می شدند. (3)

## آیه ی سوم:

(إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا)؛ (4) همانا خدا آسمان ها و زمین را نگه می دارد تا از نظام خود منحرف نشوند و هر گاه منحرف گردند، کسی جز او نمی تواند آن ها را نگه دارد؛ او بردبار و آمرزنده است.

ص: 42

---

1- حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 55 و 56

2- سوره ی مرسلات، آیه ی 25

3- محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 254، ویدالله نیازمند شیرازی، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، ص 88

4- سوره فاطر، آیه ی 41

برخی نویسندگان معاصر، نگاه داشتن نظام در آیه را، به نیروی جاذبه تفسیر می کنند که خداوند در بین کرات قرار داده تا از مدارشان منحرف نشوند. (1)

برخی مفسران قایل اند که این آیات اشاره به جاذبه ی عمومی زمین دارند؛ و ذکر این حقیقت، با توجه به حاکمیت هیئت بطلمیوس بر افکار شبه جزیره ی عربستان و اطلاع نداشتن مردم و کشف جاذبه ی زمین در قرن 17 میلادی، نشان از عظمت قرآن و اعجاز علمی آن دارد.

آیا از دیدگاه قرآن جهان در حال گسترش است؟

● صاحب نظران و دانشمندان علوم کیهان شناسی معتقدند که جهان همواره در حال گسترش و کهکشان ها در حال دور شدن از هم دیگرند؛ و با استفاده از نور ستارگان دریافتند که مجموعه کیهانی شامل چند صد هزار میلیون کهکشان است که هر کدام محتوی چند صد هزار میلیون ستاره اند (2) و تقریباً همه ی آن ها در حال دور شدن از ما هستند؛ یعنی طیف های سرخ گرا از طیف آبی گرا بیشتر است. (3)

نخستین کسی که به این واقعیت پی برد دانشمندی به نام «سلیفر» (4)

ص: 43

---

1- گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص 43، تفسیر نمونه، ج 18، ص 287، و محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج 1، ص 148 - 155

2- استفن ویلیام هاو کینگ، تاریخچه ی زمان، ترجمه ی داد فرما، ص 55

3- همان، ص 58

Slipher -4

(متولد 1875م) مدیر رصد خانه ی «لاول» بود که در سال 1912 کشف کرد که ستارگان از ما می گریزند. (1) بعد از او نیز «هابل» در سال 1929 اعلام کرد که دور شدن ستارگان به صورت منظم است. (2)

نظریه ی گسترش جهان، امروزه مورد قبول دانشمندان کیهان شناسی است.

## دید گاه قرآن

مفسران، با توجه به آیه ای از قرآن استنباط نموده اند که جهان همواره در حال گسترش است:

(وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ)؛ (3) و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم و همواره آن را گسترش می بخشیم.

آیه در مقام بیان نشانه های عظمت خداوند در عالم آفرینش است و «أَيْدٍ» (بر وزن صید) به معنای قدرت و قوت است و در این جا اشاره به قدرت کامل خداوند بزرگ در آفرینش آسمان ها دارد.

آیه الله مکارم شیرازی برای «انا لموسعون» چهار تفسیر را ذکر می کند: الف) توسعه در رزق از سوی خدا بر بندگان از طریق نزول باران؛ ب) توسعه در رزق از هر نظر؛ ج بی نیازی خداوند؛ چون خزینه ی رزق خداوند آن قدر گسترده

ص: 44

---

1- همان. ص 55. به نقل از تاریخ علوم، ص 739

2- همان. ص 58

3- سوره ی ذاریات، آیه ی 47

است که پایان نمی پذیرد؛

د) خداوند آسمان را آفریده و همواره آن را گسترش می دهد. (1)

ایشان معنای چهارم را تقویت می کند و می نویسد:

با توجه به مسأله ی آفرینش آسمان ها در جمله ی قبل و با توجه به کشفیات اخیر دانشمندان در مسأله ی «گسترش جهان» که از طریق مشاهدات حسی نیز تأیید شده است، معنای لطیف تری برای این آیه می توان یافت و آن این که خداوند آسمان ها را آفریده و دائماً گسترش می دهد...؛ یعنی ستارگانی که در یک کهکشان قرار دارند و به سرعت از مرکز کهکشان دور می شوند. (2)

هم چنین در ادامه می فرماید:

جالب توجه این که، تعبیر به «انا لموسعون» (ما گسترش دهنده گانیم) با استفاده از جمله اسمیه و فاعل، دلیل بر تداوم این موضوع است و نشان می دهد که این گسترش همواره وجود داشته و دارد؛ و این درست همان چیزی است که امروز به آن رسیده اند. (3)

دکتر موریس بوکایی نیز درباره ی آیه ی مذکور می گوید:

و (این آیه) انبساط جهان را بدون کم ترین ابهام ذکر می کند. (4)

ص: 45

---

1- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 22

2- همان، ص 373

3- همان، ص 375

4- بوکائی، مقایسه ی میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص 225-226 و ر.ک: محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج 6، ص



## دیدگاه قرآن درباره ی حرکت و سکون خورشید چیست؟

● قبل از بررسی دیدگاه مفسران قرآن، لازم است تاریخچه ای کوتاه از اعتقادات و دیدگاه های دانشمندان نسبت به حرکت و سکون خورشید و زمین را ذکر نماییم.

### تاریخچه ی آرای دانشمندان درباره ی حرکت خورشید

انسان ها تا قرن ها گمان می کردند که خورشید به دور زمین می چرخد. حرکت روزانه خورشید از مشرق به مغرب کاذب است، نه حقیقی؛ چون با حرکت زمین از مغرب به مشرق، انسان به خطا رفته، گمان می کند که خورشید در حرکت است. این تفکر نادرست ریشه در هیئت بطلمیوس (1) دارد. بطلمیوس، کره ی زمین را ساکن و مرکز کرات دیگر پنداشته بود. او می گفت:

سه چهارم سطح زمین را آب فراگرفته، کره ی هوا به مجموع خاک و آب احاطه دارد، کره ی هوا را کره ی آتش و آتش را کره ی قمر در آغوش دارد و پس از فلک قمر، افلاک عطارد، زهره، شمس، مریخ، مشتری و زحل، به ترتیب، هر فلک بر فلک قبلی محیط است و هر یک را فقط یک ستاره است که به

ص: 46

---

1- در تاریخ حکما آمده است، چند دانشمند یونانی به نام بطلمیوس خوانده می شدند که عبارت اند از: بطلمیوس غریب، بطلمیوس دلس و بطلمیوس قلوذی که هیئت بطلمیوس به نام قلوذی است که 140 سال قبل از میلاد می زیسته است (ر.ک: سید هبة الله شهرستانی، اسلام و هیئت، گفتار سوم، ص 5)

آن نامیده می شود. پس از فلک زحل، کره ی هشتم یا فلک ثوابت است که همه ی کواکب ثابته، مانند میخ بر پیکر آن کوبیده است و پس از فلک هشتم، کره ی نهم یا فلک اطلس است، که تمام افلاک هشت گانه، در آن جا دارد (مثل لایه های پیاز که بر روی هم قرار دارند)، این فلک، خالی از ستاره و دارای قطر نامحدود است ... و در یک شبانه روز با کلیه ی افلاکی که در جوف آن است، به گرد زمین می چرخد. (1)

بعد از هفده قرن حکومت هیئت بطلمیوس بر فکر بشر، کوپرنیک (1544 م) هیئت جدیدی (هیئت کوپرنیکی) را ارائه نمود بر این اساس که زمین به دور خورشید می چرخد. پس از او کپلر (1650 م) شکل بیضوی گردش زمین به دور خورشید را کشف کرد؛ سپس گالیله ی ایتالیایی عقیده ی آنان را مستقر و مدلل گرداند و نظام منظومه ی شمسی را به صورت نوینی تبیین کرد، بر این مبنا که سیارات به دور خورشید می چرخند. (2)

با وجود این، کوپرنیک، کپلر و گالیله معتقد بودند که خورشید ثابت است (3) و حتی در ادعا نامه ای که علیه گالیله در دادگاه قرائت شد او را به اعتقاد به سکون خورشید (بر خلاف کتاب مقدس که خورشید را متحرک

ص: 47

---

1- اسلام و هیئت، ص 5-7

2- همان، ص 9-10

3- گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص 24

می دانست) متهم کردند و او حاضر نشد حرکت خورشید را بپذیرد. (1)

اما امروزه با استفاده از تکنولوژی و تلسکوپ های پیشرفته، مشخص گردید که خورشید دارای حرکت وضعی هر (25/5 روز یک بار به دور خود)، انتقالی (از جنوب آسمان به سوی شمال آن و در هر ثانیه 19/5 کیلومتر همراه با منظومه ی شمسی) و حرکت دورانی (با سرعت 225 کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان) است. (2)

## دیدگاه قرآن

### اشاره

آیات زیر اشاراتی به حرکت خورشید دارند:

(وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ • وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ) (3)؛ و شب نیز برای آن ها نشانه ای است از عظمت خداوند؛ ما روز را از آن ها بر می گیریم، ناگهان تاریکی آن ها را فرا می گیرد و خورشید (نیز برای آن ها آیتی است) که پیوسته به سوی قرار گاهش حرکت است. این تقدیر خداوند قادر و داناست.

(لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ)؛ (4) نه خورشید را سزا است که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی می گیرد، و هر کدام در مسیر خود

ص: 48

---

1- ر.ک: آرتور کوستلر خواب گرد ها، ترجمه ی منوچهر روحانی، ص 590

2- حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 26

3- سوره ی یس، آیات 37-38

4- سوره ی یس، آیه ی 40

(وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ)؛ (1) و او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید؛ هر یک در مداری (معین) در حرکت اند.

(... وَ سَخَّرَ اللَّهُ لَكُمْ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ...)؛ (2) خورشید و ماه را مسخر ساخت تا هر کدام تا زمان معینی در حرکت باشند...

(وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ)؛ (3) و خداوند خورشید و ماه را - که با برنامه منظمی در کارند - به تسخیر شما در آورد.

مفسران در گذشته، به علت ضعف علوم اخترشناسی، تفسیر و توجیه های نادرستی داشته اند، اما اکنون، با پیشرفت علوم و اکتشافات جدید، برداشت های جدیدی از آیات قرآن دارند که هماهنگ با نظریات علمی امروز و دانشمندان کیهان شناسی است؛ مانند:

### **(الف). حرکت انتقالی خورشید در درون کهکشان راه شیری (حرکت طولی)**

مفسران از آیه ی (وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا...)؛ (4) «خورشید به

ص: 49

- 
- 1- سوره ی انبیاء، آیه ی 33
  - 2- سوره ی رعد، آیه ی 2، سوره ی فاطر، آیه ی 13، سوره ی زمر، آیه ی 5؛ در سوره ی لقمان، آیه ی 29 به این صورت آمده است: «كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى»؛
  - 3- سوره ی ابراهیم، آیه ی 33
  - 4- سوره ی یس آیه ی 38

قرارگاه ویژه ی خود روان است...»؛ حرکت طولی خورشید را استنباط و استخراج نموده اند.

چند معنا برای «لام» در «لمستقر» ذکر شده است:

1. لام به معنای «الی» (خورشید به سوی قرارگاه خود روان است)؛ (1) 2. لام به معنای «فی» (خورشید در قرارگاه خود روان است)؛ (2)
3. لام برای غایت به معنای «تا» (خورشید تا قرارگاه خود روان است)؛ (3)
4. لام برای تاکید (خورشید روان است مقررگاه خود را). اگر «لام» لمستقر به معنای «الی» باشد، حرکت طولی خورشید از آیه استنباط می شود.

آیه الله مکارم شیرازی می فرماید:

آخرین و جدید ترین تفسیر این آیه همان است که اخیراً دانشمندان کشف کرده اند و آن حرکت خورشید با مجموعه ی منظومه ی شمسی در وسط کهکشان ما به یک سمت معین و ستاره ی دور دستی است که آن را ستاره ی «وگا» نامیده اند. (4) در جای دیگر «جریان» را اشاره به حرکت طولی می داند. (5)

ص: 50

- 
- 1- تفسیر المیزان، ج 17، ص 79
  - 2- تفسیر نمونه، ج 18، ص 382
  - 3- تفسیر المیزان، ج 17، ص 89
  - 4- تفسیر نمونه، ج 18، ص 382
  - 5- همان، ص 388

علامه طباطبائی قُدس سِرّه نیز می فرماید:

اما از نظر علمی تا آن جا که بحث علمی حکم می کند، قضیه درست بر عکس (حس) است؛ یعنی خورشید دور زمین نمی گردد، بلکه زمین به دور خورشید می گردد و نیز اثبات می کند که خورشید با سیاراتی که پیرامون آن هستند به سوی ستاره (نسر ثابت) حرکت انتقالی دارند... (1)

مفسران زیادی حرکت انتقالی (حرکت طولی) را از این آیه برداشت نموده اند. (2)

### **(ب). حرکت انتقالی، خورشید همراه با کهکشان (حرکت دورانی)**

مفسران معاصر از آیه ی (وَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسَّرُ حُورًا)؛ «و هر کدام از آن ها در مسیر خود شناورند»، حرکت دورانی خورشید را که امروزه مطرح است، برداشت کرده اند.

خورشید، هر 200 میلیون سال، یک بار با سرعت 225 کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان حرکت دورانی دارد. (3)

آیه الله مکارم شیرازی در این آیه دو احتمال داده اند: یکی حرکت خورشید بنا بر حسّ ما یا حرکت ظاهری و دیگری حرکت آن همراه با

ص: 51

---

1- تفسیر المیزان، ج 17، ص 89

2- سید هبة الله شهرستانی، اسلام و هیئت، ص 181؛ طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج 9، ص 172؛ محمد علی سادات، زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص 28-30، و منصور محمد حسب النبی، القرآن الکریم و العلم الحدیث، ص 264

3- حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 26، به نقل از جهان های دور، ص 293 و تاریخ علوم، ص 347

منظومه ی شمسی و کهکشان‌ی که در آن قرار داریم؛ چنان که امروزه ثابت شده که منظومه ی شمسی جزئی از کهکشان عظیمی است که به دور خود در حال گردش است. (1)

آیه الله مصباح یزدی نیز درباره ی این آیه می فرماید:

قرآن فلک را چون دریایی می داند که اجرام در آن حرکت دارند و شناورند. پیداست که منظور فضایی است که این اجرام در آن حرکت می کنند و مدار حرکت شان را در آن فضا تعیین می کنند، نه آن چنان که قدما می گفتند: فلک حرکت می کند و آن ها در فلک ثابت اند. قرآن از ابتدا «فرضیه ی فلکیات» قدیم را مردود می دانسته است ... پس، از این آیه می توان استفاده برد که اجرام علوی همه در حرکت اند و این چیزی است که نجوم جدید اثبات می کنند. (2)

### ج) حرکت وضعی خورشید به دور خود

برخی صاحب نظران لام «لمستقر» در آیه ی (وَ السَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا) را به معنای «فی» گرفته اند و از آیه، حرکت وضعی خورشید به دور خود را استفاده نموده اند؛ یعنی «خورشید در قرارگاه خود جریان دارد» (3) و به دور خود می چرخد.

بعضی دیگر، معتقدند آیه ی مزبور اشاره به حرکت وضعی کره ی

ص: 52

---

1- تفسیر نمونه، ج 18، ص 386

2- محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 252

3- تفسیر نمونه، ج 18، ص 382

آفتاب دارد؛ زیرا مطالعات دانشمندان به طور قطع ثابت کرده است که خورشید به دور خود گردش می کند. (1)

در حرکت وضعی، خورشید هر 25/5 روز یک مرتبه به دور خود می چرخد. (2)

### (د). ادامه حیات خورشید تا زمان معین

آیات قرآن و دیدگاه دانشمندان معاصر بر این فرضیه استوار است که خورشید مسیری را طی می نماید که دارای انتها و پایان است و روزی برای همیشه غروب خواهد کرد.

(... كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى...)؛ (3)... خورشید و ماه تا زمان معینی به گردش خود ادامه می دهند...

یعنی روزی این چراغ های آسمان خاموش می گردند و آن روز قیامت است؛ (4) (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ).

فیزیک دانان جدید معتقدند خورشید در هر ثانیه 564 میلیون تن هیدروژن به عنوان سوخت مصرف می کند که از این مقدار 560 میلیون تن هلیوم به وجود می آید و مابقی آن (4 میلیون تن) به انرژی تبدیل

ص: 53

---

1- همان

2- سید هبة الله شهرستانی، اسلام و هیئت، ص 186؛ دانش عصر فضا، ص 26؛ محمد علی سادات، زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص 28

30- و محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج 1، ص 165

3- سوره رعد، آیه ی 2

4- حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 35



می شود و در نهایت به صورت نور و گرما انتشار می یابد. خورشید توانایی دارد 10 میلیارد سال بدرخشد که نیمی از آن یعنی پنج میلیارد سال آن گذشته است؛ بنابراین در نیمه ی راه زندگی خود قرار دارد. (1)

## ه-). حرکات درونی خورشید

برخی صاحب نظران از واژه ی «تجری» در آیه ی (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسَدِّ تَقَرِّ لَهَا) (2) حرکت درونی خورشید را استفاده کرده اند. که با نظرات فیزیک دانان جدید نیز مطابقت دارد. «تحرک» فقط به معنای حرکت کردن است، ولی «تجری» زیر و رو شدن را نیز می رساند.

امروزه دانشمندان کشف کرده اند که خورشید علاوه بر حرکت وضعی، انتقالی، طولی و دورانی، دارای حرکت دیگری نیز هست؛ زیرا دائماً انفجارات هسته ای در خورشید صورت می گیرد تا انرژی نورانی و گرما تولید کند؛ این انفجارات باعث زیر و رو شدن مواد مذاب داخل خورشید و گاه پرتاب آن ها -چند کیلومتر- به بیرون می شوند. (3)

سطح خورشید هر دو ساعت و 40 دقیقه با سرعت 6 کیلومتر به داخل و خارج می رود و قطر آن 10 کیلومتر تغییر می کند؛ این طپش خورشید است. در اثر میدان های مغناطیسی اطراف، لکه هایی به وجود

ص: 54

---

1- ر.ک: اریک اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه ی بهروز بیضاوی، ص 20-21، به نقل از پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج 1، ص 167

2- سوره ی یس، آیه ی 38

3- پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج 1، ص 167. و فیزیک نوین، ص 20

می آید و با سرعت 16000000 کیلومتر در ساعت از خورشید فوران می کنند و دور می شوند و به سرعت خاموش می گردند.

## دیدگاه قرآن درباره ی حرکت و سکون زمین چیست؟

● قرآن درباره ی حرکت زمین به مطالبی اشاره نموده که با آخرین پدیده های علمی مطابقت دارد. قبل از بررسی آیات، به تاریخچه ی این بحث می پردازیم.

به کره ی خاکی ای که انسان ها در آن زندگی می کنند، زمین گویند. وزن این سیاره (زمین) معادل 5955 میلیارد میلیارد تن و حجم آن معادل 1083 میلیارد کیلومتر مکعب است.

تصور ساکن بودن زمین از زمان های دور در ذهن بشر ریشه دوانیده بود؛ اولین کسی که گفت زمین حرکت دارد، «فیثاغورث»، نابغه ی قرن پنجم قبل از میلاد بود.

بعد از او «فلوته خوس» و «ارشمیدس» این نظریه را دنبال کردند، سپس «استر خوس ساموسی» با تقویت آن نظریه، گردش سالیانه ی زمین به دور خورشید را کشف نمود که به سبب آن او را تکفیر کردند. بعد از او «کلیانتوس آسوسی» دو حرکت برای زمین قایل شد و او را نیز تکفیر

کردند. [\(1\)](#) سپس «بطلمیوس» (حدود 140 قبل از میلاد) قایل شد که زمین ساکن است و خورشید به دور آن می چرخد. این تفکر، نزدیک به شانزده

ص: 55

قرن بر افکار بشر حاکم بود و با مخالفان آن برخورد فیزیکی می شد.

کشفیات جدید اختر شناسان نشان می دهد که زمین، حرکات متعددی دارد و برخی منجمان تا چهارده حرکت پیش رفته اند؛ (1) مشهورترین آن ها عبارت اند از:

1. حرکت وضعی به دور خود از مغرب به مشرق که باعث پیدایش شبانه روز می شود. زمان این حرکت 23 ساعت و 58 دقیقه و 49 ثانیه، و سرعت زمین در هر دقیقه 30 کیلومتر است.

2. حرکت انتقالی زمین به دور خورشید، در یک مدار بیضی شکل به مدت 365 روز و شش ساعت و هشت دقیقه و 38 ثانیه و با سرعت 30 کیلومتر در ثانیه، که از این حرکت، ماه های دوازده گانه پدید می آید.

3. حرکت اقبالیه که دایره ی استوایی زمین، به سوی دایرة البروج اقبال دارد و هر 670 سال یک درجه جلو می آید.

4. حرکت رقصی یا ارتعاشی قمری که بر روی محور زمین عارض است و در هر 29 سال یک بار زمین به سوی دایرة البروج متمایل می شود.

5. حرکت ارتعاشی شمسی که به واسطه ی جاذبه ی خورشید محور زمین در دو جهت قطبین مرتعش و در هر سال شمسی یک حرکت را تمام می کند. (2)

ص: 56

---

1- همان، ص 76، به نقل از کامیل فلامریدل، منجم مشهور فرانسوی

2- ر.ک: تفسیر نمونه، ج 15، ص 568

برخی صاحب نظران معاصر، بعضی از حرکات های زمین را از آیات قرآن استفاده کرده اند که به بررسی این آیات می پردازیم.

### آیه ای که کوه ها را به ابر تشبیه کرده است:

( وَ تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُ بِهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ... )؛ [\(1\)](#) و کوه ها را می بینی و گمان می کنی که ایستاده اند، در حالی که آن ها مانند ابر ها در حرکت اند.

تشبیه کوه ها به ابر ها و حرکت آن ها، نشان از سرعت زیاد زمین و حرکت انتقالی آن دارد.

مسلماً حرکت کوه ها بدون حرکت زمین هایی که کوه ها به آن ها متصل اند معنا ندارد؛ به این ترتیب، معنای آیه چنین است: «زمین هم چون ابر ها با سرعت حرکت می کند». طبق محاسبات امروز، سرعت سیر حرکت زمین به دور خود، نزدیک به 30 کیلومتر در هر دقیقه است و سرعت آن در حرکت انتقالی به دور خورشید بیش از این است. این آیه از معجزات علمی قرآن است؛ زیرا گالیله ی ایتالیایی و کوپرنیک لهستانی در قرن هفدهم میلادی، حرکت زمین را کشف کردند، در حالی که قرآن حدود هزار سال قبل از آن به آن اشاره کرده است. [\(2\)](#)

ص: 57

---

1- سوره نمل، آیه ی 88

2- ر.ک: تفسیر نمونه، ج 15، ص 568؛ سید هبة الله شهرستانی، اسلام و هیئت، ص 157، و سید محمد حسین طباطبایی، اعجاز قرآن، ص 13

## آیاتی که زمین را به مهد گهواره تشبیه کرده اند:

(أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا)؛ (1) و او زمین را برای شما گهواره قرار داد.

(الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا...) (2) او زمین را برای شما بستر (آرامش) قرار داده است... .

واژه ی «مهد و مهاده» در لغت به معنای محلی است که آماده ی سکونت و استراحت شده است؛ از مصادیق آن گهواره ی کودک و زمین آماده و محل خواب است. (3)

با این که دانشمندان علم فیزیک نوین، سرعت زیادی را برای زمین ثبت نموده اند این حرکت نه محسوس است و نه قابل ادراک.

قرآن با فصاحت بسیار زیبا، حرکت زمین را به گهواره تشبیه می کند. حضرت آیه الله خوبی در این باره می فرماید:

قرآن، زمین را مانند گهواره توصیف می کند. همان طور که می دانید، از ویژگی های گهواره این است که در عین این که حرکت می کند، موجب ناراحتی و رنجش کودک نمی شود، بلکه سبب استراحت و آسایش او می شود. (4)

و علامه طباطبایی نیز از این آیه حرکت انتقالی زمین را استفاده کرده

ص: 58

---

1- سوره ی نبأ، آیه ی 6 و نیز ر.ک: سوره زخرف، آیه ی 10 و سوره ی طه، آیه ی 53

2- سوره ی بقره، آیه ی 22

3- مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج 11، ص 189

4- مرزهای اعجاز، ص 119

است. (1)

**آیاتی که درباره‌ی توسعه و حرکت دادن زمین صحبت می‌کنند:**

### اشاره

(وَ الْأَرْضِ وَمَا طَحَّاها)؛ (2) سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترده.

(وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَّاها)؛ (3) و پس آن زمین را با غلطانیدن گسترده.

«طحو» در لغت مثل «دحو» به معنای توسعه و حرکت دادن چیزی است. (4)

### یکی از نویسندگان عرب می‌نویسد:

لغت «الطحو» و «الدحو» به یک معناست. در معنای «دحو» مسأله‌ی توسعه دادن (بسط) و حرکت نهفته است و «مداحی» همان گلوله‌ای از جنس سنگ، گردو و... بوده است که کودکان مدینه با آن بازی می‌کردند؛ و «مدحاة» چوبی است که اطفال به روی زمین می‌چرخانند. «دحو» بر اساس استعمال لغوی دو حرکت انتقالی و دورانی را برای کره‌ی زمین نشان می‌دهد. (5)

### علامه طباطبایی نیز درباره‌ی این آیه می‌نویسد:

هزار سال پیش از آن که گالیله از حرکت زمین به دور خود

ص: 59

---

1- حسن عرفان، اعجاز قرآن، ص 13

2- سوره‌ی شمس، آیه‌ی 6

3- سوره‌ی نازعات، آیه‌ی 30

4- راغب اصفهانی، مفردات، ماده‌ی «دحو»

5- شیخ خالد عبد الرحمن العک، الفرقان و القرآن، ص 468

سخن گوید... قرآن به صراحت از چرخش زمین بحث کرده است و در احادیث اهل بیت به قدری از آن بحث گردیده که «دحو الارض» زبان زد همگان شده است. (1)

برخی مفسران معاصر نیز از آن، حرکت وضعی و انتقالی کره ی زمین را استفاده کرده اند. (2)

**آیه ای که زمین را به پرنده ای که با سرعت زیاد حرکت می کند تشبیه کرده است:**

( أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا )؛ (3) مگر زمین را کفات نگردانیدیم؟

«کفات» مصدر و به معنای پرواز سریع است. پرنده در هنگام پرواز سریع برای حفظ اعتدال خود، بال و پرش را جمع می کند که به آن «کفات» گویند. (4)

هر گاه مصدر به معنای اسم فاعل به کار رود، مبالغه را می رساند. در این جا نیز کفات شدت فوق العاده ی پرواز را نشان می دهد؛ پس مفهوم آیه چنین می شود: «آیا زمین را به صورت پرواز (یا پرنده ای سریع السیر) نیافریدیم؟ که در عین حال که با سرعت پرواز می کند از مرده و زنده ی

ص: 60

- 
- 1- حسن عرفان، اعجاز قرآن، ص 13
  - 2- تفسیر نمونه، ج 27، ص 44، سید هبة الله شهرستانی، اسلام و هیئت، ص 51، و محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج 1، ص 178
  - 3- سوره مرسلات، آیه ی 25
  - 4- ابن فارس، مقایسس اللغه، و ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده ی «گفت»

خود نگهداری (1) و حفاظت و حراست می نماید؟»، این حفاظت اشاره به نیروی جاذبه ی زمین است. (2)

### آیه ای که زمین را نرم و رام شده توصیف کرده است:

(هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا) ؛ (3) او خدایی است که زمین را برای شما مرکبی راهوار و رام شده قرار داد تا بتوانید در روی آن راه پیمایی کنید.

«ذلول» به معنای «نرم و رام»، تعبیر جامعی در مورد زمین است؛ (4) زیرا زمین با توجه به حرکت های متعدد و سریع چنان رام به نظر می رسد که گویی ساکن است. «مناكب» جمع «منكب» (بر وزن مغرب) به معنای شانه است، گویی انسان پا بر شانه ی زمین می گذارد و زمین چنان رام است که می تواند تعادل خود را حفظ کند. (5) مفسران معاصر از این آیه، حرکت انتقالی زمین را استفاده کردند. (6)

### آیا قرآن به کرویت زمین اشاره کرده است؟

• اعتقاد به مسطح بودن زمین از زمان های دور در میان مردم حاکم بوده و

ص: 61

1- در مفردات راغب، کفات به معنای قبض و جمع، یعنی زمین زنده و مرده را جمع کردن، آمده است.

2- ر.ک: سادات، زنده ی جاوید و اعجاز جاویدان، ص 25

3- سوره ی ملک، آیه ی 15

4- لسان العرب، ذیل ماده ی «ذلل»

5- تفسیر نمونه، ج 24، ص 337

6- محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 253؛ حسن عرفان، اعجاز قرآن، ص 13



به نظر اکثر حکمای فارس و یونان، محیط استوایی و قطبی زمین با هم مساوی است. این عقیده در مغرب زمین هم زمان با تاریخ کشف آمریکا (1492م) پیدا شد؛ حتی نیوتن (1767م) زمین را شبیه کره خواند؛ یعنی کرویّت آن را حقیقی و تمام ندانست. (1)

«مشرق» از «شروق» (بر وزن قمر) و «شروق» به معنای طلوع آفتاب و اصل آن به معنای روشن شدن است؛ شرق اسم مکان و به معنای محل طلوع است.

«مغرب» از «غرب»، به معنای دور شدن و محل غروب است. غروب آفتاب، یعنی دور و پنهان شدن آفتاب از نظرها. (2)

در قرآن مجید گاهی تعبیر (مشرق و مغرب) به صورت مفرد و گاهی تثنیه و گاهی جمع آمده است:

(وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ...)؛ (3) مشرق و مغرب از آن خداست....

(رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ)؛ (4) پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب.

(فَلَا أُفْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ...)؛ (5) سوگند به پروردگار

ص: 62

---

1- ر.ک: سید هبة الله شهرستانی، اسلام و هیئت، ص 32 - 34

2- ابن منظور، لسان العرب، ذیل مادهی «شرق» و «غرب»

3- سوره ی بقره، آیه ی 115

4- سوره ی الرحمن، آیه ی 17

5- سوره ی معارج، آیه ی 40

هر یک از این آیات به نکته ای اشاره دارد و آن این که خورشید، هر روز از نقطه ی تازه ای طلوع و در نقطه ی تازه ای غروب می کند، بنابراین به تعداد روزهای سال مشرق و مغرب داریم. از سوی دیگر، در میان مشرق ها و مغرب ها، دو مشرق و مغرب ممتاز است که یکی در آغاز تابستان، یعنی حداکثر اوج خورشید در مدار شمالی (مدار رأس السرطان)، دیگری در آغاز زمستان یعنی حداقل پایین آمدن خورشید در مدار جنوبی (مدار رأس الجدی) است. (1)

این آیات علاوه بر متعدد بودن محل طلوع و تابش آفتاب و محل غروب آن، بر کروی بودن زمین نیز اشاره دارند؛ زیرا اگر زمین کروی باشد طلوع کردن و تابیدن آفتاب بر هر جزئی از اجزای آن مستلزم این خواهد بود که از جزء دیگر آن غروب کند که در این صورت تعدد مشرق ها بدون هیچ گونه تکلف و زحمت، روشن و واضح می گردد؛ ولی در غیر کروی بودن زمین، تعدد مشرق ها و مغرب ها که از آیه استفاده می گردد، قابل درک و فهم نیست؛ (2) زیرا جسم مسطح یک مشرق و غرب دارد. فقط جسم کروی است که هر نقطه ی آن مشرق یک طرف و مغرب طرف دیگر است، و هر قسمتی که در مقابل آفتاب قرار گیرد، مشرق آفتاب از آن جاست، در صورتی که در جای دیگر غروب کرده است. هم چنین

ص: 63

---

1- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 25، ص 45-46

2- ابوالقاسم خویی، البیان، ص 75-76

اختلاف افق‌ها دلالت بر کرویت زمین دارد که دارای مشارق و مغارب متعددی است. (1) چنان‌که حضرت امیر المؤمنین علیه السَّلَام می‌فرماید:

خورشید سی صد و شصت مشرق و سی صد و شصت مغرب دارد، از آن نقطه‌ای که امروز طلوع کرد دیگر طلوع نمی‌کند تا سال بعد در همان روز. (2)

از احادیث خطبه‌ها و دعا‌های پیشوایان دینی، این مطالب به روشنی استفاده می‌گردد؛ چنان‌که از امام صادق علیه السَّلَام نقل شده است که فرمود:

در یکی از سفرها مردی با من هم سفر گردید، او همیشه نماز مغرب را پس از تاریکی شب و نماز صبح را قبل از طلوع صبح و در تاریکی آخر شب می‌خواند؛ ولی من برخلاف او رفتار می‌کردم و نماز مغرب را در موقع غروب و نماز صبح را در موقع فجر به جا می‌آوردم. او به من گفت: تو نیز به مانند من رفتار کن، زیرا آفتاب پیش از آن که از افق سر بزند بر دیگران طلوع کرده است و آن گاه که از ما غروب می‌کند، هنوز در پاره‌ای از افق ناپدید نگردیده است. به او گفتم: در طلوع و غروب آفتاب، هر قوم و ملتی باید از افق خود پیروی کنند و طبق آن وظایف و مراسم مذهبی خویش را انجام دهد نه طبق افق دیگران.

ص: 64

---

1- علی رضا میرزا خسروی شاهزاده، تفسیر خسروی، ج 5، ص 382

2- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 10، ص 121 و الحویزی العروسی، تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 190

سپس آن مرد به اختلاف و تعدد مشرق ها و مغرب ها، که از کرویت زمین به وجود می آید، اشاره می کند و امام صادق علیه السّلام نیز گفتار وی را تصدیق، آن گاه حکم مسأله را بیان و او را متوجه اشتباهش می کند. (1)

ممکن است تعبیر (فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ) به مشرق ها و مغرب های مختلف مکانی و زمانی اشاره داشته باشد؛ زیرا کرویت زمین سبب چند مشرق و مغرب به تعداد مناطق روی زمین، و حرکت زمین به دور آفتاب سبب طلوع و غروب نکردن خورشید در دو روز پشت سر هم از یک نقطه می شود.

این تفاوت مشرق ها و مغرب ها که با نظم بسیار دقیق و حساب شده ای انجام می گیرد، از یک سو سبب پیدایش فصول چهارگانه ی سال با آن همه برکات و از سوی دیگر، باعث تعدیل حرارت و برودت و رطوبت در سطح زمین می گردد؛ هم چنین موجب تنظیم زندگی انسان ها، حیوانات و گیاهان می شود، که هر یک از آن ها آیاتی از آیات خدا و نشانه ای از نشانه های اوست. (2)

## آیا قرآن به پدیده های جوّی مانند باد و طوفان پرداخته است؟

### اشاره

کلمه ی ریح (باد) حدود بیست بار، به صورت مفرد (ریح) و جمع (ریاح) در آیات قرآن آمده است. این آیات (علاوه بر هدایت که وظیفه ی

ص: 65

1- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 4، ص 179، ح 4848

2- ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 21، ص 194

اصلی قرآن است، و این که باد و... از آیات و نشانه های الهی و رحمت اوست) (1) به نکات علمی بسیاری درباره ی باد اشاره دارند، که در چند بخش بیان می شود.

## الف). فواید باد

در زمانی که هنوز بسیاری از مردم به فواید و آثار باد توجه نداشتند، قرآن به آن اشاره نموده است:

1. باد، درختان را تلقیح می کند و گرده های نر را بر قسمت های ماده ی گیاه می پاشد و بذر گیاهان را در همه جا می گستراند و مانند یک باغبان و کشاورز، سراسر کره ی زمین را بذرافشانی می کند.

(وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ... )؛ (2) و ما بادهای باردار کننده را فرستادیم... . ( تَذْرُوهُ الرِّيحِ ... )؛ (3) ... و باد آن ها را به هر سو پراکنده می کند...

2. ابر ها را از صفحه ی اقیانوس ها حرکت می دهد و به سرزمین های خشک می کشاند.

(اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيُبْسِطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ... )؛ (4) خداوند همان کسی است که باد ها را می فرستد تا ابر هایی را به حرکت در آورند، سپس آن ها را آن گونه که

ص: 66

---

1- سوره ی روم، آیه ی 30، سوره ی بقره، آیه ی 164

2- سوره ی حجر، آیه ی 22

3- سوره ی کهف، آیه ی 45

4- سوره ی روم، آیه ی 48

بخواهد در پهنه ی آسمان می گسترانند... .

( وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ) ؛ (1) او کسی است که بادهای را بشارت گرانی پیش از رحمتش فرستاد و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم.

3. هوای مناطق قطبی را به منطقه ی استوا و هوای استوایی را به مناطق سرد منتقل می سازد و نقش تعیین کننده ای در تعدیل حرارت کره ی زمین دارد. (2)

( وَ اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُشِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ ) ؛ (3) خداوند کسی است که بادهای را فرستاد تا ابرها را به حرکت در آورند؛ سپس ما این ابرها را به سوی زمین مرده ای راندیم و به وسیله ی آن زمین را پس از مردنش زنده می کنیم.

4. باد، آب دریاها را متلاطم و موج می سازد و زیر و رو می کند ( ... بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ ) ؛ (4) و از این طریق به آن ها هوا می دهد؛ زیرا اگر راکد شوند می گندند.

ص: 67

1- سوره ی فرقان، آیه ی 48

2- سوره ی فاطر، آیه ی 9، و نیز ر.ک: سوره ی روم، آیه ی 45 و نیز سوره ی جائیه، آیه ی 5 و سوره ی بقره، آیه ی 164، و ناصر مکارم

شیرازی، تفسیر نمونه، ج 1، ص 561

3- سوره ی فاطر، آیه ی 9

4- سوره ی یونس، آیه ی 22

در ده آیه از قرآن کریم، (1) کلمه ی باد به صورت جمع (ریاح)، به کار رفته، که نشان دهنده ی اقسام بادهاست.

1. باد های شمالی، جنوبی، شرقی و غربی؛ برخی از مفسران معتقدند که تعبیر «ریاح» در آیه ی ( وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ ) ؛ (2) شاید اشاره به انواع مختلف باد ها دارد که بعضی شمالی و بعضی جنوبی اند و بعضی از شرق به غرب، و بعضی از غرب به شرق می وزند و طبعاً سبب گسترش باد ها در کل مناطق زمین می شوند. (3) امروزه این باد ها به «آلیزه» و «کنش آلیزه» معروف اند. (4)

2. باد های بشارت دهنده؛ مثلاً: باد ها عفونت ها را در فضا مستهلک و هوا را تصفیه می کنند، از فشار حرارت خورشید، روی برگ ها و گیاهان می کاهند و مانع آفتاب سوختگی می شوند، اکسیژن تولید شده به وسیله ی برگ های درختان را برای انسان ها، و گاز کربن تولید شده به وسیله ی بازدم انسان را برای گیاهان هدیه می برند. باد هایی که گیاهان را تلقیح، بذرها را حرکت، کشتی ها و آسیاب ها را حرکت می دهند.

قرآن می فرماید:

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ

ص: 68

---

1- سوره ی فرقان، آیه ی 48، سوره ی نمل، آیه ی 63 و...

2- سوره ی فرقان، آیه ی 48

3- ر.ک: تفسیر نمونه، ج 15، ص 116

4- همان، ج 1، ص 560

لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ) ؛ (1) از آیات (عظمت و قدرت) خدا این است که باد ها را به عنوان بشارت گرانی می فرستد تا شما را از رحمتش بچشانند، و کشتی ها به فرمانش حرکت می کنند و از فضل او بهره گیرید شاید شکرگزاری کنید.

3. باد های عذاب دهنده؛ برای لشکریان باطل و قوم طغیانگر.

( فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا... ) ؛ (2) ما نیز بادی سخت و هول انگیز بر آنان فرستادیم... .

4. باد های یاری دهنده ی لشکریان حق؛

(...إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا... ) (3) ؛ ما باد ها و طوفان سختی بر آنان (دشمنان) فرستادیم و لشکریانی که آن ها را نمی دیدید.

**برخی معتقدند:**

**اشاره**

آیاتی که نامی از باد و باران و کیفیات مربوط به آن ها به میان آورده اند، انطباق عجیب و دقیقی با اکتشافات هواشناسی و معلومات و نظریات علمی دارند. این نشان می دهد که فرستنده و نازل کننده ی قرآن، همان فرستنده باد و باران است. البته قرآن نخواسته است، اصول و قوانین فیزیک تدوین نماید، یا

ص: 69

1- سوره ی روم، آیه ی 46

2- سوره ی فصلت، آیه ی 16، و نیز سوره ی قمر. آیه ی 19

3- سوره ی احزاب، آیه ی 9



هواشناسی به ما تعلیم دهد، خیر؛ می‌خواهیم بگوئیم طوری حرف زده است که در هیچ نوشته و گفته‌ی بشری تا قبل از قرن اخیر، که سخن از باد و باران رفته، نظیر آن ادا نشده است. (1)

اما طوفان (ظاهراً به قرینه‌ی لفظ باد، مراد از طوفان، باد است، نه طوفان دریا)؛ در چهار آیه از قرآن، طوفان با لفظ (عاصف، یا عصف و ...) به کار رفته است که گاهی نقش متلاطم کردن دریاها و هوا دادن به آنها را بر عهده دارد، گاهی راندن کشتی و گاهی برای انجام کارهای مهم در اختیار بعضی پیامبران بوده است.

## آیه‌ی اول:

(فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا)؛ (2) و آنها که همچون تند باد حرکت می‌کنند.

طبق بعضی تفسیرها، این آیه و آیات بعدی آن به بادها و طوفانها اشاره دارند که نقش مؤثری در بسیاری از مسائل جهان طبیعت دارند؛ بنابراین، مفهوم آیات چنین می‌شود: سوگند به طوفانهایی که شدیداً حرکت می‌کنند، و قسم به آنهایی که ابرها را می‌گسترانند و قطرات حیات بخش زندگی را از لای آنها روانه‌ی سرزمین خشک می‌کنند و

قسم به این بادها که با این برنامه انسانها را به یاد خدا می‌اندازند. (3)

ص: 70

---

1- مهدی بازرگان، باد و باران، به نقل از محمدی ری شهری، راه شناخت خدا، ص 292-293

2- سوره‌ی مرسلات، آیه‌ی 2

3- تفسیر نمونه، ج 25، ص 397

( هُوَ الَّذِي يُسَوِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَكُمْ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَأَن لَّنُحْيِيَنَّا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ )؛ (1) او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد تا این که در کشتی قرار می گیرید و باد های موافق آن ها را (به سوی مقصد) حرکت می دهد و خوشحال می شوند، ناگهان طوفان شدیدی می وزد و امواج از هر سو به سراغ آن ها می آیند و گمان می برند هلاک خواهند شد، در این موقع خدا را از روی اخلاص عقیده می خوانند که اگر ما را نجات دهی حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود.

در این آیه علاوه بر فواید طوفان از نظر مادی و علمی، به جنبه ی هدایتی آن هم اشاره شده است که انسان را به یاد خدا می اندازد.

## در قرآن عرش و کرسی به چه معناست؟

### اشاره

● «کرسی» در لغت، از کرس (بر وزن ارث) به معنای اصل و اساس است و گاهی نیز به هر چیز به هم پیوسته و ترکیب شده، کرسی گویند (مثل تخت های کوتاه) ولی در عرف، اسم است برای چیزی که بر آن می نشینند

ص: 71

(صندلی) (1) و نقطه ی مقابل آن (عرش) است که به معنای «چیز مسقف» و یا خود «سقف» و یا تخت پایه بلند می آید و به صندلی سلطان اعتباراً عرش می گویند. (2)

کلمه ی کرسی یک بار در قرآن به کار رفته است:

(...وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ... )؛ (3) ... کرسی (حکومت) او، آسمان ها و زمین را در بر گرفته است...

آیه الکرسی نیز از همین کلمه گرفته شده است.

کلمه ی عرش نیز 23 بار، در آیات متعددی آمده است؛ از جمله:

(الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى)؛ (4) خدای رحمان که بر عرش، استیلا یافته است.

می توان عرش و کرسی را چنین معنا کرد:

**الف). به معنای منطقه و قلمرو حکومت: خداوند بر همه ی آسمان ها و زمین حکومت می کند و منطقه ی نفوذ او همه جا را در بر گرفته، یعنی کرسی خداوند مجموعه ی عالم ماده اعم از زمین و ستارگان و کهکشان است. در این صورت عرش به معنای عالم ارواح و فرشتگان و جهان ماورای طبیعت خواهد بود.**

**ب). احاطه ی علم خداوند به جمیع آسمان ها و زمین: امام صادق علیه السَّلَام**

ص: 72

---

1- ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده ی «کرسی»

2- همان، ص 329

3- سوره ی بقره، آیه ی 255

4- سوره ی طه، آیه ی 5

می فرماید: «منظور از ( وَبِشَاقِ كُرْسِيِّ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ ) علم خداوند، و مراد از عرش، علمی است که احدی از انبیا و امامان از آن اطلاع ندارند. (1)

**ج. موجودی وسیع تر از تمام آسمان ها و زمین: این موجود، از هر سو آن ها را احاطه کرده است، یعنی کرسی خداوند همه ی آسمان ها و زمین را در برگرفته است. امام صادق علیه السَّلَام می فرماید:**

الكرسى محيط بالسموات و الارض و ما بينهما و ما تحت الثرى؛ كرسى، بر زمین و آسمان و آن چه مابین آن ها و آن چه در زیر اعماق زمین قرار گرفته است احاطه دارد. (2)

هم چنین می فرماید:

ما السموات و الارض عند الكرسى الأكلقة خاتم في فلاة؛ و ما الكرسى عند العرش الأكلقة في فلاة؛ آسمان ها و زمین در برابر کرسی، مانند حلقه ی انگشتری در وسط بیابان و کرسی در برابر عرش، مانند حلقه ای در وسط بیابان است (3)

در روایت دیگر می فرماید:

همه چیز در کرسی است... همه ی آسمان ها و زمین و مخلوقات در داخل کرسی قرار دارند که چهار ملک با اجازه ی خداوند آن را حمل می کند. (4)

ص: 73

---

1- فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج 1، ص 282

2- الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ذیل آیه ی 255 سوره ی بقره

3- همان

4- تفسیر الصافی، ص 282

معنای اول و دوم روشن است، ولی بشر هنوز به معنای سوم دست رسی پیدا نکرده است و دلیلی بر نفی آن وجود ندارد؛ تفسیر های سه گانه نیز با هم تنافی ندارد، چون اشکالی ندارد که کرسی هم به نفوذ مطلقه و قدرت پروردگار در آسمان ها و زمین و هم به نفوذ علمی او و هم جهانی وسیع تر از این جهان که آسمان و زمین را در بر گرفته است اشاره داشته باشد. (1)

در توحید صدوق آمده است: عرش، دو باب از باب های غیب الهی است، که کرسی، باب ظاهر آن و عرش، باب داخلی آن است که در آن علم کیف و کون وجود دارد. لذا علم عرش، پنهانی تر از کرسی است. (2)

پس فرق عرش و کرسی عبارت است از:

1. کرسی اگر مرکز قدرت باشد، در درون عرش قرار دارد، پس عرش وسیع تر است.
2. کرسی خداوند مجموعه ی عالم ماده، اعم از زمین و ستارگان و کهکشان است، ولی عرش، عالم ارواح و فرشتگان و جهان ماورای طبیعت است.
3. کرسی، علمی است که انبیا و رسولان و حج الهی از آن اطلاع دارند، ولی عرش، علمی است که آن ها از آن بی خبرند.
4. کرسی باب و درب ظاهری عالم غیب و عرش باب و درب داخلی

ص: 74

---

1- تفسیر نمونه، ج 2، ص 202

2- شیخ صدوق، التوحید، ص 321، روایت 1، و سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 2، ص 358

آن است.

### شرق و غرب در قرآن به چه معناست؟ آیا در قرآن از جهات چهارگانه نام برده شده است؟

● در قرآن کریم، در مناسبت های مختلف به واژه ی «مشرق» و «مغرب» در معانی گوناگون، به صورت مفرد، تثنیه و جمع اشاره شده است، از جمله:

1. به معنای جهت جغرافیایی:

(وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيُّمَا تُلُؤُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)؛ (1) مشرق و مغرب از آن خداست و به هر طرف رو کنید، خدا آن جاست خداوند بی نیاز و داناست.

از آیه ی مذکور به دست می آید که خداوند موجودی مادی نیست که متعلق به یک جهت ویژه باشد، بلکه او در تمام جهات حاضر و ناظر است و آن ها در تسلط قدرت اوست. (2)

در این آیه و آیاتی دیگر، مشرق و مغرب به معنای دو جهت از جهات شش گانه آمده است. (3)

در این آیات گاهی مشرق و مغرب به صورت مفرد و گاهی به صورت

ص: 75

---

1- سوره ی بقره، آیه ی 115

2- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 1، ص 295

3- ر.ک: همان، ذیل آیات 142، 177 و 258 بقره؛ 28 شعرا؛ 40 معراج؛ 5 صافات؛ 9 زمر؛ 17 الرحمن و... .

«مشرقیین» و «مغربیین» آمده است.

2. اشاره به طرف یا اطراف خاص طلوع یا غروب خورشید؛ چنان که در آیه ی 258 سوره ی بقره، در داستان احتجاج حضرت ابراهیم بر ضد نمرودیان، به طلوع (مشرق) و غروب (مغرب) اشاره شده است. (1)

جهات چهارگانه ی شرق و غرب و جنوب و شمال:

(قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ)؛ (2) (موسی) گفت: او پروردگار مشرق و مغرب و آن چه میان آن دو است می باشد، اگر شما عقل و اندیشه ی خود را به کار می گرفتید.

3. اشاره به کروی بودن زمین: از آن جا که در هر دو نیم کره، یک مشرق و یک مغرب وجود دارد، پس در کره ی زمین دو مشرق و دو مغرب وجود دارد، چنان که قرآن کریم می فرماید:

(وَرَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ)؛ (3) او پروردگار دو مشرق و مغرب است.

4. اشاره به بخش های متعدد طلوع و غروب:

(وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَعَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا...)؛ (4) و مشرق ها و مغرب های پربرکت زمین

ص: 76

---

1- ر.ک: همان، ص 211 و 215

2- سوره ی شعرا، آیه ی 28

3- سوره ی الرحمن، آیه ی 17

4- سوره ی اعراف، آیه ی 117، و نیز ر.ک: سوره صفات آیه 5، و سوره ی معارج، آیه ی 40

را به آن قوم تضعیف شده (زیر زنجیر ظلم و ستم) واگذار کردیم ...

توضیح آن که، سرزمین های پهناور به خاطر کروی بودن زمین، در افق ها، مشرق ها و مغرب ها اختلاف دارند. (1)

هم چنین در قرآن کریم به جهات دیگر مثل فوق و تحت و جلو و عقب و... نیز اشاره شده است:

(... مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ...)؛ (2) ... از آسمان و زمین روزی خواهند خورد ...

(وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا...)؛ (3) و ما فراروی آن ها سدّی و پشت سرشان سدّی نهادیم...

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که در قرآن کریم از جهات شش گانه به طور مستقیم یا کنایه، سخن به میان آمده است. (4)

## از دیدگاه قرآن، جهان چگونه پایان می پذیرد؟

### اشاره

• با بررسی آیات قرآن، در می یابیم که قرآن قیامت را پایان جهان معرفی می کند و از حوادثی سخن می گوید که در آستانه ی قیامت ایجاد می شوند. مفسران و صاحب نظران، آیات الهی مرتبط با این موضوع را به چند دسته

ص: 77

---

1- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 6، ص 329

2- سوره ی مائده، آیه ی 66، سوره ی واقعه، آیه ی 41 و...

3- سوره ی یس، آیه ی 9

4- سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج 9، ص 391



### الف). آیاتی که به مرگ خورشید و ستارگان اشاره دارند:

(... وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِ لِأَجَلٍ مُّسَمًّى...)؛ (1) ... و خورشید و ماه را رام گردانیدیم هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می دهند... (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ • وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ)؛ (2) آن گاه که خورشید به تاریکی گراید و ستارگان خاموش شوند.

### ب). آیاتی که به شکافتن ماه اشاره دارند:

(إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ)؛ (3) قیامت نزدیک می شود و ماه شکافته می شود.

### ج). آیاتی که به در هم ریختن نظام فعلی آسمان و ستارگان اشاره دارند:

(إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ • وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ)؛ (4) آن گاه که آسمان شکافته و ستارگان فرو ریخته و از هم پاشیده شوند. (وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ)؛ (5) و آفتاب و ماه به گرد هم آیند.

### د). آیاتی که به زلزله های عظیم در زمین اشاره دارند:

ص: 78

1- سوره ی رعد، آیه ی 2

2- سوره ی تکویر، آیه ی 21

3- سوره ی قمر، آیه ی 1

4- سوره ی انفطار، آیه ی 21

5- سوره ی قیامت، آیه ی

(... إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ...)؛ (1) به درستی که زلزله ی رستاخیز، مطلب مهمی است.

### ه. آیاتی که به فروپاشی کوه ها اشاره دارند:

(وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ)؛ (2) و (روزی که) کوه ها، مانند پشم زده شده، رنگین شوند.

### و. آیاتی که به انفجار و برافروختگی دریا ها اشاره دارند:

(وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ)؛ (3) و در آن هنگام که دریا ها برافروخته شوند.

(فَازْتَقَبُ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ)؛ (4) منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید می آورد.

مفسران در تحلیل و تجزیه ی آیات فوق و انطباق با یافته های کیهان شناسی، به مسئله ی پایان جهان هستی اشاره کرده اند؛ مثلاً آیه ی: ( إِذَا السَّمَاءُ كُوِّرَتْ • وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ) (5) را دلیل بر انتها و پایان یافتن و از هم پاشیده شدن جهان می دانند.

ص: 79

1- سوره حج، آیه ی 1، و نیزر، ک: سوره مزمل، آیه 14؛ سوره ی زلزال، آیه ی 1 - 2 و سوره ی نازعات، آیه ی 6 - 7

2- سوره ی قارعه، آیه ی 5، سوره ی نباء، آیه ی 20؛ سوره واقعه، آیه ی 5 - 6؛ سوره ی مزمل، آیه ی 14، سوره حاقه، آیه 14 و سوره ی طور، آیه ی 10

3- سوره ی تکویر، آیه ی 6، سوره انفطار، آیه ی 3

4- سوره ی دخان، آیه ی 10

5- سوره ی تکویر، آیه ی 2-1

«کَوْرَت» از ماده ی «تکوير» به معنای پيچيدن و جمع و جور کردن چیزی است، و به معنای تاریک شدن و افکندن نیز آمده است (1) و ظاهراً این دو معنا درباره ی خورشید، لازم و ملزوم یک دیگرند، به این ترتیب که خورشید تدریجاً لاغر و جمع و جور می شود و روبه تاریکی و بی فروغی می گذارد.

«انکدرت» از ماده ی «انکدار» به معنای تیرگی و تاریکی یا سقوط و پراکندگی است. (2) امروزه دانشمندان معتقدند که انرژی خورشید از احتراق هسته ای به دست می آید و هر شبانه روز، سیصد و پنجاه هزار میلیون تن از وزن این کره کاسته می شود (3) و همین امر سبب می گردد که تدریجاً لاغر و کم نور شود و این همان دو مفهومی (جمع شدن و کم نور شدن) است که طبق گفته ی ارباب لغت در ماده ی تکوير وجود دارد. (4)

درباره ی مفهوم آیات (وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ) (5) و (وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ) ؛ (6) سه احتمال وجود دارد:

1. آب از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن تشکیل شده که هر دو شدیداً قابل احتراق اند. اگر عواملی سبب تجزیه ی آب ها شود دریا ها به

ص: 80

---

1- ابن فارس، مقایس اللغه، ذیل ماده ی «کَوْر»

2- همان، ماده ی «کدر»

3- ر.ک: اریک اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه ی بهروز بیضاوی، ص 20-21

4- ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 6، ص 33-34

5- سوره ی انفطار، آیه ی 3

6- سوره ی تکوير، آیه ی 6

کوره های عظیمی از آتش سوزان مبدل خواهند شد؛ جرقه ای کوچک کافی است تا عالمی از آتش ایجاد شود.

2. زلزله های شدید آستانه ی رستاخیز، سبب شکافتن زمین ها و راه یافتن دریا ها به یک دیگر می شوند.

3. متلاشی شدن کوه ها و ریختن غبار آن ها و یاریزش سنگ های آسمانی به دریا ها، موجب پر شدن دریاها و جاری شدن آب در سراسر خشکی می شود. (1)

برخی ستاره شناس ها درباره ی شکافته شدن ماه (انشق القمر) گفته اند: روزی ماه به دو قسمت یا بیشتر تقسیم می گردد و این قسمت ها نیز به نوبه ی خود به طور هول انگیزی منفجر و هزاران تکه خواهند شد.

«سر جیمس»، ستاره شناس اروپایی می گوید:

در آینده ماه رفته رفته به بی نهایت درجه ی نزدیکی به زمین می رسد. در این موقع که زمین در معرض خط استوا قرار گرفته است، تقدیر الهی که در بر هم ریختن و متلاشی شدن ماه تعلق گرفته به مرحله ی اجرا گذاشته می شود. (2)

«ری ویلارد» نیز می نویسد:

از آن جا که همه ی ستارگان، در واقع مولود های جوش هسته ای هستند، سرانجام روزی سوخت شان به پایان می رسد و انبساط می یابند و انبوهی از گازهای درخشان پوسته ی ستاره به

ص: 81

---

1- پیام قرآن، ج 6، ص 31-32

2- عبدالکریم بی آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص 183

صورت خیال انگیزی در فضا رها می شوند که «سحابی های ستاره نما» نامیده می شوند. ستاره های بسیار پر حجم با یک انفجار به حیات خود پایان می دهند. (1)

پس بنا بر دیدگاه قرآن و علوم بشری، روزی جهان به پایان خواهد رسید و تمام کهکشان ها و آسمان و زمین از هم پاشیده خواهند شد.

ص: 82

---

1- ری ویلارد، کیهان و راه کهکشان، ترجمه ی سید محمد امین محمدی، ص 25 (با تلخیص)





## از دیدگاه قرآن، خلقت موجودات زنده در زمین چگونه است و آیا با نظریه ی داروین سازگار است؟

### اشاره

با وجود این که بشر در عرصه ی صنعت، فرهنگ، علوم و... رشد نموده، هنوز نتوانسته است گذشته ی تاریک و مبهم خود را روشن سازد و تنها به فرضیه ها و نظریه های ظنی و حدسی درباره ی حیات گذشته ی خود و دیگر جانداران در زمین، اکتفا می کند.

یکی از دغدغه های دانشمندان، منشأ پیدایش حیات در زمین، به ویژه حیات انسان بوده است و نظریات گوناگونی را در این باره ارائه کرده اند. لازم است قبل از بیان این نظریه ها آیات قرآن و روایات را مورد بررسی قرار دهیم:

### آیات قرآن

قرآن آب را منشأ پیدایش حیات در روی کره ی زمین می داند:

ص: 85



(... وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ...)؛ (1) و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم... .

( وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ ... )؛ (2) و اوست کسی که آسمان ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود... .

( وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ )؛ (3) و خدا هر جنبنده ای را (ابتدا) از آبی آفرید، پس برخی از آن ها بر روی شکم و برخی بر روی دو پا و بعضی بر روی چهار (پا) راه می روند. خدا هر چه بخواهد می آفریند. در حقیقت خدا بر هر چیزی تواناست.

پیامبر اکرم صلی علی علیه و آله نیز می فرماید:

كل شيء خلق من الماء؛ (4) هر چیزی از آب آفریده شده است.

در اصطلاح، آب به مایعی گفته می شود که از دو عنصر هیدروژن

ص: 86

1- سوره ی انبیاء، آیه ی 30

2- سوره هود، آیه ی 7

3- سوره ی نور، آیه ی 45 و نیز سوره انعام، آیه 99؛ سوره ی ابراهیم، آیه ی 32؛ سوره ی طه، آیه ی 53، به منشأ و پیدایش حیات اشاره دارند.

4- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 54، ص 208، ح 170؛ سیوطی، درالمنثور، ج 4، ص 317؛ شیخ کلینی، اصول کافی، ج 8،

ص 94

(11/1%) و اکسیژن (88/9%) ساخته شده است؛ (1) در معنایی دیگر، به هر مایع غیر جامد آب گفته می شود. (2)

واژه ی «دَابَّة» از ریشه ی «دَبَّ» به معنای حرکت خفیف و نرم است که در فارسی از آن به جنبیدن تعبیر می شود. دَابَّة شامل انسان و انواع حیوانات مثل حشرات، پرندگان و... می شود. (3)

## دیدگاه مفسران

### اشاره

استاد مکارم شیرازی درباره ی آفرینش جنبندگان از آب، سه احتمال را مطرح می کند:

**الف.** هم چنان که در روایات نیز آمده است، منظور از آب، نطفه است (این احتمال اشکال دارد؛ زیرا برخی حیوانات تک سلولی از طریق تقسیم سلول ها به وجود می آیند نه از طریق نطفه)

**ب.** منظور، پیدایش نخستین موجود است؛ زیرا طبق بعضی روایات اسلامی اولین موجودی که خدا آفرید، آب بود، سپس انسان ها؛ طبق فرضیه های علمی جدید، نیز نخستین جوانه ی حیات در دریا ها ظاهر شده است.

**ج.** مقصود این است که در حال حاضر، ماده ی اصلی موجودات زنده

و قسمت عمده ی ساختمان آن ها را آب تشکیل می دهد. هیچ موجود

ص: 87

---

1- پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 1، ص 140

2- ر.ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج 11، ص 220

3- همان، ذیل ماده ی «د ب»

زنده ای نمی تواند بدون آب به حیات خود ادامه دهد. (1)

هم چنین علامه طباطبایی قُدس سرّه قایل است که اشیای زنده از آب خلق شده اند، پس آب ماده ی حیات است. (2)

دکتر موریس بوکایی نیز می نویسد: عبارت «همه چیز از آب خلق شده است» می تواند بدین معنا باشد که ماده ی اصلی سازنده ی هر چیز زنده آب است و یا اصل هر چیز زنده آب است. هر دو معنای ممکن، کاملاً با داده های علمی موافق اند. دقیقاً نیز زندگی، منشأ آبی داشته و آب، اولین تشکیل دهنده ی هر سلول زنده است؛ سپس به دو معنای «ماء» یعنی آب و مایع اشاره می کند و سپس به قول سوم در آیات مورد نظر (نطفه ی حیوان) تأکید و اضافه می نماید که هر سه تفسیر با داده های علمی جدید منطبق است و هیچ یک از اساطیری که در زمان (نزول قرآن) درباره ی منشأ حیات شیوع فراوان داشت در متن قرآن جای ندارد. (3)

نتیجه این که، اولاً: اگر تفاسیر احتمالی از این آیات، مانند آب به معنای منی، مواد اصلی موجودات زنده، مبدأ پیدایش موجودات زنده، و... با یافته های بشر و نظریه ی قطعی علوم تجربی مطابقت داشته باشد، نشان از اعجاز گویی اشارات علمی قرآن است.

ص: 88

---

1- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 13، ص 396 و ج 14، ص 508 (با تلخیص)

2- ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 10، ص 244

3- ر.ک: موریس بوکایی، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص 250-251 (با تلخیص)

ثانیاً: تفسیر احتمالی از آیه ی ( وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ )؛ «آب مبدأ پیدایش موجودات زنده است»؛ با ظاهر آیات 30 انبیاء و 45 نور سازگار است و با یافته های علمی و نظریه ی تحول انواع (که در آینده بحث آن خواهد آمد) مطابقت دارد، اما نمی توان این احتمالات را به صورت قطعی به آیات قرآن تحمیل و تفسیر کرد.

## تئوری تحوّل و تکامل

### اشاره

آیا موجودات و حیوانات و حتی انسان به طور ناگهانی و دفعی به وجود آمده اند یا به صورت تدریجی و تکاملی؟ در این باره در میان دانشمندان دو فرضیه وجود دارد:

### الف. فرضیه ی ثبوت انواع یا «فیکسیسم»:

\*فرضیه ی ثبوت انواع یا «فیکسیسم»: (1)

طرف داران (2) این فرضیه معتقدند: انواع جانداران هر کدام جدا گانه از آغاز به همین شکل کنونی ظاهر گشتند و هیچ نوعی به نوع دیگر تبدیل نیافته است و طبعاً انسان نیز دارای خلقت مستقلی بوده و از آغاز به همین صورت آفریده شده است.

### ب. فرضیه ی تکامل انواع یا «ترانسفورمیسم»:

\*فرضیه ی تکامل انواع یا «ترانسفورمیسم»: (3)

نظریه ی تحوّل سابقه ای دیرینه دارد و در گذشته مورد بی مهری اندیشمندان قرار داشته است؛ اما در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن

ص: 89

Fixisme -1

2- ادیان و پیروان آن ها، فلاسفه حکما و برخی دانشمندان علوم تجربی

Transformisme -3

نوزدهم، «کویه»، (1) دانشمند مشهور فرانسوی، فرضیه ی آفرینش را مطرح کرد و بعد ها نظریه های لامارک آمریکایی (1744-1829 م) و چارلز داروین، زیست شناس انگلیسی (1809-1829 م) تئور بحث تئوری تکامل را داغ تر نمود.

ما در این جا به اختصار به دیدگاه های طرفداران تکامل انواع و اندیشمندان اسلامی اشاره می نمایم.

بنا بر فرضیه ی تکامل لامارک (2) و چارلز داروین، (3) انواع موجودات زنده در آغاز به این شکل نبودند، بلکه در آغاز، موجودات تک سلولی در آب اقیانوس ها و از لابه لای لجن های اعماق دریا ها با یک جهش پیدا شدند. این

موجودات ذره بینی زنده، تدریجاً تکامل یافتند و از نوعی به نوع دیگر تغییر شکل دادند. از دریا ها به صحرا ها و از آن جا به هوا منتقل

ص: 90

#### Cu Vier -1

2- لامارک (LaMarq) می گوید: مادامی که شرایط زندگی تغییر می یابد، حوایج و نیازمندی ها و خوی عادات آن جانور نیز تغییر یافته، به صورت ارثی به نسلی های بعدی انتقال می یابد، در نتیجه رشد بعضی ها بیشتر خواهد شد و دیگری از بین می رود. داروین این نظریه را نپسندید و قایل شد که حرف های لامارک با آزمایش های من نمی سازد (ر.ک: تفسیر نمونه، ج 11، ذیل آیه ی حجر)

3- چارلز داروین (Charles Darwin) در سال 1809 م متولد شد. ابتدا علم پزشکی و سپس علم دین آموخت. در حالی که به هر دو علم اشتیاق نداشت. او چند سال (1831 - 1836) با کشتی به سیاحت در جهان و مطالعات علمی درباره ی گیاهان و جانوران پرداخت، سپس تا 73 سالگی تحقیق نمود و نظریه ی تکامل انواع را مطرح کرد. سرانجام در سال 1882 م. درگذشت (ر.ک: محمود بهزاد، داروینیسیم و تکامل، ص 42، عبدالحسین خسرو پناه، کلام جدید، ص 381 - 382، به نقل از محمد علی فروغی، سیر حکمت در اروپا، ج 3، ص 146)

شدند و انواع گیاهان آبی و زمینی و پرندگان و موجودات به وجود آمدند، که کامل ترین حلقه ی این تکامل، انسان ها هستند که از موجوداتی شبیه میمون های انسان نما ظاهر گشتند.

## اصول فرضیه ی داروین

داروین با در هم آمیختن تجربه ی حسی و نظریه پردازی عقلی، اصول ذیل را ارائه نمود:

1. سازش با محیط متغیر؛ با مطالعه بر روی موجودات، مشخص گردید که جانوران با محیط زندگی شان سازش پیدا می کنند، تغییراتی در اعضای جدید پیدا می شود که به صورت وراثت به نسل های بعدی منتقل می گردد (داروین این نظریه را از لامارک به عاریه گرفت).
2. تنازع بقا: به طور کلی، تعداد موجودات زنده، از موجوداتی که می توانند به حد تولید برسند، بیشتر است و اگر آن ها آزادانه رها شوند و تولید مثل نمایند، کره ی زمین گنجایش یک نوع از آن جانداران را نخواهد داشت؛ لذا بر اساس تنازع بقا، جانداران نیرومند به حیات خود ادامه می دهند و دیگران از بین می روند. این قانون در گیاهان و بذرافشانی آن ها نیز قابل انطباق است.
3. وراثت: هنگامی که دگرگونی های شرایط محیطی و زیستی، در جانداران تغییراتی پدید می آورد، اگر آن عامل، به عملکرد خود مداومت ورزد، آثار کوچک روی هم جمع شده، نسل به نسل تقویت و تحکیم یافته، موجب پیدایش انواع جدید می گردند.

اصول دیگر فرضیه ی تکامل انواع عبارتند از: انتخاب اصلح یا بقای انطب، تغییرات تصادفی، اصل استعمال و عدم استعمال، و... (1).

## ادله ی عقلی و نقلی طرف داران نظریه ی تکامل

طرفداران نظریه ی تحوّل انواع یا تکامل، اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان از طریق عقلی و تجربی و نقلی به اثبات این نظریه پرداخته اند، که به طور مختصر به ادله ی آن ها اشاره می کنیم:

1. دیرین شناسی: مطالعه ی دیرین شناسان بر روی فسیل ها نشان می دهد که موجودات زنده از صورت های ساده تر به صورت های کامل تر تغییر شکل داده اند.

2. تشریح مقایسه ای: قراین نشان می دهد با مقایسه و تشریح استخوان بندی حیوانات مختلف، به دست می آید که آن ها دارای مشابهت های زیادی هستند، و این نشان دهنده ی این است که تمام حیوانات از یک اصل و ریشه به وجود آمده اند.

3. جنین شناسی: براساس آزمایش ها، جنین ها قبل از تکامل، در رحم مادر یا در درون تخم، بسیار با هم مشابهت دارند، و این نشان دهنده ی این است که همه از یک اصل و ریشه نشأت می گیرند.

## نقد و بررسی

### اولاً: هر سه ادله ی فوق ظنی است، نه یقینی؛ زیرا اثبات فرضیه ی

ص: 92

---

1- ر.ک: محمود بهزاد، داروینیسیم و تکامل، ص 42 به بعد، عبدالحسین خسرو پناه، کلام جدید، ص 377 - 425

تکامل، یا از طریق عقل است و یا از طریق آزمایش، حس و تجربه.

اما دلایل عقلی و فلسفی را به این مسائل راهی نیست و از سوی دیگر، دست تجربه و آزمایش نیز از مسائلی که ریشه‌ی آن‌ها در میلیون‌ها سال قبل نهفته است، کوتاه است؛ در نتیجه، نمی‌توان با این دلایل، یک فرضیه را به یک قانون تبدیل کرد. (1)

ثانیاً: اگر مسئله‌ی تبدل انواع یک قانون کلی است، چرا برخی از جان‌داران به نوع دیگری بدل شدند (مثلاً برخی میمون‌ها به انسان تبدیل شدند) و برخی دیگر در همان سرزمین به جای خود باقی ماندند؟

ثالثاً: از نظر وراثت، دانشمندان جنین‌شناسی به دست آورده‌اند که تنها تغییرات موجود در سلول‌های جنسی قابل انتقال به نسل‌های بعدی است، نه صفات اکتسابی.

رابعاً: اصول و ارکان نظریه داروین: از تفسیر حقایقی چون غرایز، الهام، عقل و... عاجز است؛ البته خود او به توانایی نظریه‌اش در این زمینه اصرار می‌ورزد.

خامساً: طرفداران نظریه تکامل، تاکنون نتوانسته‌اند آخرین حلقه‌ی حد فاصل میان حیوان و انسان را بشناسند، تا این زنجیره‌ی تکامل به کمال برسد. (2)

ص: 93

---

1- محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج 2، ص 252

2- ر.ک: عبدالحسین خسرو پناه، کلام جدید، ص 390-393



برخی از دانشمندان مسلمان نیز، برای اثبات آن نظریه، به برخی آیات استدلال کرده اند که آن ها به چند دسته تقسیم می شوند:

### الف). آیاتی که خلقت همه چیز را از آب می دانند:

#### آیه ی اول:

(... وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ...؛ (1) و هر چیز زنده را از آب به وجود آوردیم... .

با توجه به این آیه که می گوید آفرینش همه ی موجودات (حتی انسان) از آب است، برخی قائل شده اند که در این جا قسمتی از عقاید قایلین به تکامل اثبات می شود (2) و بعضی نیز آیه ی فوق را اثبات نظریه ی تحول انواع می دانند. (3)

#### آیه ی دوم:

(وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ)؛ (4) و خداوند تمام جنبندگان را از آب آفرید، پس برخی از آن ها بر روی شکم خود (خزندگان) و برخی بر دو پا و برخی نیز بر چهار پای خود راه می روند. خداوند هر آن چه

ص: 94

1- سوره ی انبیاء، آیه ی 30

2- علی مشکینی، تکامل در قرآن، ص 23-24

3- ر.ک: سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 6، ص 111

4- سوره نور آیه ی 45

بخواهد می آفریند... .

برخی از صاحب نظران معاصر از این آیه مراحل پیدایش موجودات در کره ی زمین را استفاده نموده اند و تفسیر «آب» به نطفه ی جنس نر را خلاف ظاهر می دانند و معتقدند منشأ پیدایش موجود زنده «آب مخلوط با خاک» است و شاید علتّ مقدم داشتن حیوانات (خزندگان) این است که معروف ترین آن ها که خزندگان آبی هستند، نخستین موجودات زنده اند، سپس حیوانات خزندگی و خشکی و بعد انسان و پرندگان و برخی انواع میمون ها آفریده شده اند. (1)

### آیه ی سوم و چهارم:

(... وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ..) ؛ (2) و او خداوندی است که از آب، بشری آفرید و او را اصل نژاد و مایه ی تولید نسل انسان گردانید... . (... وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ....) ؛ (3).... و او آفرینش انسان را از گل (آب و خاک) آغاز کرد، سپس نسل او را از عصاره ای از آب ناچیز و بی قدر آفرید....

آیات فوق بیانگر آن است که انسان قبل از پیدا کردن شکل انسانی، آب و خاک بوده است؛ برخی نیز آب را ماده ی اصلی بدن می دانند و

ص: 95

---

1- ر.ک: تکامل در قرآن، ص 24-25 و بی آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص 39-42

2- سوره ی فرقان، آیه ی 54

3- سوره ی سجده، آیه ی 7-8

برخی آن را به نطفه ی منی تفسیر می کنند. (1)

**(ب). آیاتی که به مراحل خلقت اشاره دارند:**

### اشاره

(وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ...)؛ (2) همانا ما شما را آفریدیم، سپس صورت بندی کردیم، بعد به فرشتگان گفتیم به آدم سجده کنید... .

**آیه الله مشکینی درباره ی این آیه می نویسد:**

این آیه از جمله بهترین آیات قابل استفاده برای اثبات این نظریه (تکامل) است؛ زیرا خداوند در این آیه بیان می کند که قبل از شکل دادن به انسان او را آفرید و بعد از مدت نامعلوم (به قرینه ی کلمه ی ثم) او را به شکل انسان فعلی درآورد، سپس فرشتگان را امر به سجود در برابر یکی از افراد نوع انسان کرد. (3)

آیه الله مکارم نیز، آیه ی فوق را بهترین دلیل برای طرفداران تکامل می داند. (4)

**(ج). آیاتی که به مرحله ی اول آفرینش انسان اشاره دارند (ماده ی اولیه):**

(هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى

ص: 96

- 
- 1- محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 320-329 و تفسیر نمونه، ج 13، ص 369
  - 2- سوره ی اعراف، آیه ی 11، نیز سوره حجر، آیه ی 28 و 29؛ سوره ی ص، آیه ی 71؛ سوره ی سجده؛ آیه 8-9 همین مضمون را دارند
  - 3- تکامل در قرآن، ص 25
  - 4- ر.ک: تفسیر نمونه، ج 11، ص 88

عِنْدَهُ...؛ (1) اوست که شما را از گل (آب و خاک) آفرید و سپس مهلتی مقرر داشت تا (انسان کامل گردد) و اجل حتمی نزد اوست...  
(إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ)؛ (2) ما شما را از گل چسبنده آفریدیم.

(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَءٍ مَسْنُونٍ)؛ (3) من بشری از گل خشک که از لجن تیره رنگ ریخته شده است، می آفرینم.

ظاهر آیات فوق پیدایش انسان اولیه را از آب و خاک می داند و با نظریه ی تحوّل انواع داروین هم خوانی دارد. (4)

**(د). آیاتی که به مرحله ی دوم آفرینش، یعنی بعد از شکل گیری انسان و قبل از انتخاب آدم علیه السلام اشاره دارند:**

(كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...؛ (5) مردم،  
امتی یگانه بودند؛ پس خداوند، پیامبران را به

ص: 97

- 
- 1- سوره ی انعام، آیه ی 2 نیز سوره ی ص، آیه ی 71؛ سوره ی سجده، آیه ی 8؛ سوره ی مؤمنون آیه ی 12 همین مضمون را دارند.
  - 2- سوره ی صافات، آیه ی 11
  - 3- سوره ی حجر، آیه ی 26
  - 4- تکامل در قرآن، ص 26؛ محمد محمود اسماعیل، الاشارات العلمیه فی الآیات الکوینیه فی القرآن الکریم، ص 11
  - 5- سوره ی بقره، آیه ی 213، سوره ی یونس، آیه ی 19 همین مضمون را دارد.

عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاد و همراه آن ها کتاب را به راستی و حق فرود آورد، تا درباره ی آن چه انسان ها با هم اختلاف کرده اند، حکم کند... .

برخی از این آیه چنین استفاده نموده اند که قبل از انتخاب حضرت آدم علیه السَّلام همه ی انسان ها، امت واحد بودند و زندگی خود را بر اساس عقل و بدون مذهب می گذراندند، که بعد ها خداوند از میان آن ها حضرت آدم علیه السَّلام را برگزید و زندگی بشر را با دین و پیامبر همراه ساخت؛ در نتیجه، می توان گفت آدم اولین انسان روی زمین نبوده است. (1)

در مقابل، گروهی دیگر حضرت آدم علیه السَّلام را نخستین انسان و پیامبر الهی (بدون کتاب و شریعت) می دانند. (2)

### ه. آیاتی که به انتخاب آدم از بین انسان ها اشاره دارند:

#### اشاره

(إِنَّ اللَّهَ اصَّطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ)؛ (3) به درستی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر عالمیان برگزید.

برخی می کوشند با استناد به این آیه، نظریه ی تحوّل انواع یا تکامل را به اثبات برسانند؛ آن ها معتقدند که آدم از میان جمعی که مثل او بودند و از پیش با او می زیستند برگزیده شد و لذا این دیدگاه که از نظر قرآن نوع

ص: 98

---

1- علی مشکینی، تکامل در قرآن، ص 27-28

2- تفسیر نمونه، ج 2، ص 58

3- سوره ی آل عمران، آیه ی 33

انسان از آدم پدید آمده است، مبنا و اساسی ندارد. (1)

در مقابل، برخی صاحب نظران، این تفسیر را برای آیه مناسب ندانسته اند؛ چنان که آیه الله مکارم شیرازی می فرماید:

هیچ گونه دلیلی در دست نیست که منظور از عالمیان در این جا انسان های معاصر آدم بوده باشند، بلکه ممکن است مجموع انسانیت در تمام طول تاریخ بوده باشد؛ بنابراین لزومی ندارد که معتقد باشیم در عصر آدم، انسان های زیادی وجود داشتند که آدم از میان آن ها برگزیده شده. (2)

### آیه الله مصباح یزدی نیز می فرماید:

می توان گفت: انسانی را بر همه ی انسان هایی که پس از او می آیند ترجیح دادم؛ و اگر تنزل کنیم و بپذیریم که لازم است که در عصر حضرت آدم انسان های دیگری نیز باشند، می تواند فرزندان خود او بوده باشند. (3)

### استدلال طرفداران ثبات انواع از آیات

#### اشاره

بعد از بررسی ادله ی طرفداران فرضیه ی تکامل، پیروان نظریه ی ثبات انواع نیز به آیات زیادی استدلال نموده اند که از جمله ی آن ها به موارد ذیل می توان اشاره نمود:

ص: 99

---

1- ر.ک: یدالله سبحانی، خلقت انسان، ص 108

2- تفسیر نمونه، ج 2، ص 391

3- محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 325، ر.ک: مسیح مهاجری، نظریه ی تکامل از دیدگاه قرآن، ص 54-56

## الف. آیاتی که خلقت همه ی انسان ها را از یک نفس واحد می داند:

( وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسِدًا تَمَرُّهُ وَمُسَدًّا تُوَدِّعُ ... )؛ (1) او کسی است که شما را از یک نفس آفرید. (و شما دو گروه هستید) بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل) و بعضی ناپایدار ... .

منظور از «نفس واحد» یک واحد شخصی است و اشاره به نخستین انسانی است که قرآن او را به نام «آدم» (پدر انسان های امروز) معرفی کرده و تعبیر «بنی آدم» (فرزندان آدم) نیز که در آیات فراوانی آمده، اشاره به همین است. (2) لذا حضرت آدم نخستین انسان برگزیده ی روی زمین است و انسان های بعد از او، همه از نسل او هستند.

در مقابل، برخی از این آیه فرضیه ی تکامل را اثبات کرده و قایل اند که مراد از نفس واحد، همان موجود زنده ی تک سلولی است که تمام موجودات از آن به وجود آمده اند و با ترکیبات، فعل و انفعالات و تولید مثل، به صورت انواع مختلف جان داران و سرانجام به صورت انسان درآمده است. (3)

## ب. آیاتی که خلقت حضرت آدم را از خاک می دانند:

ص: 100

---

1- سوره ی انعام، آیه ی 98 و نیز سوره ی نساء، آیه ی 1؛ سوره ی اعراف، آیه ی 189 و سوره ی زمر، آیه ی 6 همین مضمون را دارند، هم چنین آیاتی که خطاب «بنی آدم» به انسان ها می کند، مثل، سوره ی اعراف، آیه ی 27 و 35، سوره ی یس، آیه ی 60، سوره ی اسراء، آیه ی 70

2- تفسیر نمونه، ج 3، ص 245

3- ر، ک: علی مشکینی، تکامل در قرآن، ص 44-47

(إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)؛ (1) همانا مثل عیسی در پیش خداوند، همانند مثل آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او گفت: موجود شو! پس او هم فوراً موجود شد. ( خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ )؛ (2) خداوند، انسان را از گل خشکیده ای همچون سفال آفرید.

با توجه به این آیه، طرفداران ثبات انواع قایل شده اند که حضرت آدم علیه السَّلَامُ بدون واسطه از خاک آفریده شده است، نه از موجود قبلی و نه برگزیده از انسان های موجود آن زمان (3)؛ اما در مقابل، طرفداران تحول انواع از تشبیه در آیه ی 59 سوره ی آل عمران استفاده کرده اند که همان گونه که حضرت عیسی علیه السَّلَامُ با واسطه از خاک آفریده شد (یعنی خاک تبدیل به مواد غذایی و جسم انسان و نطفه و... شد)؛ به عبارت دیگر، بعد از طی مراحل، متولد شد، مشبه به آن، یعنی حضرت آدم علیه السَّلَامُ نیز مراحل را از آب و خاک گذراند، تا این که جان داران و حیوانات و بعد، انسان ها و کامل ترین آن حضرت آدم به وجود آمد. (4) هر چند در این جا پنج تشبیه وجود دارد و منحصر در آن تشبیه نیست.

### ج. آیاتی که قابل انطباق با هر دو نظریه ی تکامل و ثبات انواع

ص: 101

- 1- سوره ی آل عمران، آیه ی 59
- 2- سوره الرحمن، آیه ی 14
- 3- تفسیر نمونه، ج 2، ص 435؛ تکامل در قرآن، ص 55
- 4- تکامل در قرآن، ص 55



( خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ )؛ (1) خداوند انسان ها را از نطفه ی بی ارزش آفرید، آن گاه او به خصومت و دشمنی آشکار برخاست. (... أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا )؛ (2) ... آیا به آن خدایی که تو را از خاک آفرید و سپس تو را به صورت مردی در آورد، کافر شدی؟ ( الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ • فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ )؛ (3) ؛ آن خدایی که تو را آفرید و سامان داد و منظم ساخت، و به هر صورت که خواست تو را ترکیب نمود. ( خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ )؛ (4) همان کسی که انسان را از خون بسته آفرید.

از مجموع مطالب گذشته می توان به چند نکته ی مهم دست یافت:

1. نباید از این نکته غافل شد که هدف از نزول قرآن، هدایت معنوی و تربیت اخلاقی جامعه ی بشری است. قرآن در جایگاه حلّ مسائل علمی و تجربی نیست، تا مستقلاً و مستقیماً درباره ی آن ها آیه مطرح کند، بلکه از باب این است که راه خداشناسی و تفکر در آیات الهی و جهان و

ص: 102

1- سوره ی نحل، آیه ی 4، و نیز سوره ی یس، آیه ی 77، سوره ی نجم، آیه ی 66 به همین مضمون وارد شده است

2- سوره ی کهف، آیه ی 37 و ر.ک: سوره ی فاطر، آیه ی 11

3- سوره ی انفطار آیه ی 87

4- سوره علق آیه ی 21

کهکشانشان ها و... را تشویق و ترغیب نماید؛ لذا قرآن به صورت گذرا و مبهم به مبدأ پیدایش حیات اشاره کرده و موجب تفاسیر گوناگون و احتمالات مختلف شده است و نمی توان با آن در زمینه ی علوم تجربی به یک نتیجه ی قطعی رسید، مگر این که علوم تجربی در این باره به مسائل یقینی و قطعی برسند، که در این صورت می توان آیات قرآن را با علوم تجربی تطبیق داد.

2. یکی از شرایط مفسّر، آگاهی از همه ی آیات قرآن است؛ زیرا برخی از آیات قرآن مفسّر برخی دیگرند و نیز گاهی آیات مقید، عام، خاص، ناسخ، منسوخ متشابه یا محکم اند، لذا از یک آیه که با نظریه ی تکامل سازگار است، یا از آیه ای دیگر که به نظر می آید فرضیه ی اثبات انواع را می رساند؛ نمی توان نتیجه ی قطعی گرفت؛ بلکه باید به تمام جوانب قرآن، لغت، تاریخ، علوم تجربی و طبیعی توجه کرد.

3. ما همانند کلیسا (در قرن 18 و 19 میلادی) در صدد نیستیم، که با چماق انکار و تکفیر با این نظریه مقابله کنیم. نظریه ای که بیش از دو قرن در میان دانشمندان تجربی تحقیق شده و برخی آن را پذیرفته و برخی دیگر به شدت آن را مخالف تحقیقات زیست شناسی و وراثت و تنازع بقا می دانند و آن را به نقد می کشند. دانشمندان اسلامی نیز که منبع و مأخذ آن ها قرآن و سنت است درباره ی این نظریه با احتیاط سخن گفته اند؛ چنان که علامه طباطبایی می فرماید: ظاهر آیات قرآن، نسل کنونی بشر را از حضرت آدم و حوا، و آدم را از خاک می داند، ولی قرآن درباره ی چگونگی خلقت حضرت آدم و دفعی یا تدریجی بودن و... ساکت

هم چنین آیه الله مصباح یزدی در بحث نظریه ی تکامل، اشتقاق انسان فعلی از انسان نئاندرتال و مانند آن را در حد یک احتمال می پذیرد، ولی آن را منافات با بعضی از ظواهر آیات می داند. (2) حضرت آیه الله مشکینی نیز صراحت آیات قرآن را در هر دو نظریه رد می کند و قایل است که فهم مفسران را باید از کتاب های آسمانی جدا کرد. (3) در نتیجه مفسران معاصر - نه کسانی که با نام روشن فکری جدید به تفسیر قرآن می پردازند - این نظریه را به صورت یک احتمال قبول دارند؛ هر چند نقد ها و اشکال های فراوانی به آن وارد کرده اند.

4. برخی از نویسندگان معتقدند که نظریه ی تحول انواع، نوعی تضاد با خداشناسی دارد و خدا را از عرصه ی خلقت کنار گذاشته، بلکه منکر خداوند شده است. در پاسخ آن ها باید گفت: اولاً - مبدع این نظریه در نامه ای به کلیسا و متفکران عالم ادعا کرده است: من در تحولات فکری خویش به انکار وجود خدا نرسیدم و آن چه در نظریاتم به آن تکیه کردم، تأثیر علل طبیعی برای ظهور انواع مختلف حیوانات است. (4)

آیه الله جوادی آملی درباره ی تضاد نظریه تکامل با خدا شناسی می فرماید:

ص: 104

---

1- ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 16، ص 263 و 269

2- ر.ک: محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 341 - 348

3- ر.ک: علی مشکینی، تکامل در قرآن، ص 8 - 9

4- محمود بهزاد، داروینیسیم و تکامل، ص 75 با توضیح

امروزه بطلان این فرضیه با پیشرفت تحقیقات زیست‌شناسی و به خصوص ژنتیکی کاملاً مبرهن است؛ اما بر فرض عدم ابطال نیز نمی‌توان آن را نظریه‌ای مقابل و خلاف قرآن تلقی کرد، نه از جنبه‌ی توحیدی و نه از حیث مباحث انسان‌شناسی. از لحاظ بحث توحیدی مخالف قرآن کریم نیست؛ زیرا بر اساس این نظریه، ماده‌ی نخست با تحرک خود، مرحله‌ای را گذرانده و تا انسان شدن، حرکت را ادامه داده است، لذا هر متحرکی عقلاً محتاج به محرک و هر فعلی نیازمند به فاعل است؛ نه ممکن است که حرکت بدون حرکت آفرین، موجود شود و نه موجود جامد و جاهلی، فاعل و محرک خود باشد. به لحاظ مباحث انسان‌شناسی نیز، نظریه تکامل مخالفی با قرآن ندارد؛ زیرا بر اساس آن، راه پیدایش آن از تطورات طبیعی میمون می‌گذرد، اما ثابت نمی‌کند که این تنها راه تحقق انسان است و راه‌های دیگر را هم نفی نمی‌کند. (1)

علاوه بر آن، حوادث گوناگونی، اعم از بارش باران، زلزله، جزر و مد و هزاران علل و معلول طبیعی در جهان وجود دارد که هیچ‌کدام از آن‌ها را مخالف خداشناسی نمی‌دانیم، بلکه به وسیله‌ی آن‌ها بهتر به قدرت خدا پی می‌بریم.

پس این فرضیه به صورت یک نظریه قابل قبول است و به صورت یک احتمال می‌توان آن را در تفاسیر آیات قرآن گنجانید، ولی فعلاً

ص: 105

نمی توان آن را به عنوان یک قانون کلی و قطعی پذیرفت.

## آیا از دیدگاه قرآن، در کرات دیگر نیز موجود زنده وجود دارد؟

● با ورود اولین انسان «آرمسترانگ» در سال 1969 میلادی به کره ی ماه، کنج کاوی و تفکّر درباره ی وجود موجودات زنده در کرات دیگر شروع شد.

دانشمندان قدیم، با تصورات نادرستی که از کرات دیگر و آسمان ها داشتند، ستارگان را میخ های کوبیده بر سقف آسمان تلقی می کردند و منکر وجود موجودات زنده در کرات دیگر بودند؛ اما امروزه دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که تنها در کهکشان ما (راه شیری) 600 کره ی مسکونی وجود دارد و در این ستارگان، تمدنی شبیه تمدن زمین دیده می شود و بنا بر آماری، 600 میلیون کره ی مسکونی در عالم هستی وجود دارد و در تحقیقی که با همکاری یکی از دانشمندان فضایی شوروی و آمریکا، تحت عنوان «ما تنها نیستیم» منتشر شد، در کهکشان ما، دست کم، 1000 میلیون کره ی قابل زندگی موجود است. (1)

جمعی از اختر شناسان معتقدند که مجموع ستارگان ثابت و سیار، مسکونی اند و تجلیات اسرارآمیز حیات هرگز منحصر به زمین نیست؛ لکن شرایط حیات بر حسب انواع جان دارانی که در هر یک از کرات

ص: 106

---

1- حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 186؛ به نقل از دانستی های جهان علم، ص 227

## دیدگاه قرآن

با بررسی آیات قرآن در می یابیم که در کرات دیگر نیز موجودات زنده وجود دارند، ولی قرآن اسامی، اوصاف و طریقه ی زیست آن ها را بیان نکرده است.

(... وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ)؛ (2) و از آیات اوست آفرینش آسمان ها و زمین و آن چه جنبندگان در آن ها منتشر نموده است...

کلمه ی «دابة» شامل همه ی موجودات) از ذره بینی تا غول پیکر، می شود و این آیه نیز به صراحت بر وجود انواع موجودات زنده در آسمان ها دلالت دارد؛ گر چه هنوز دانشمندان به صورت قطعی در این زمینه قضاوت نمی کنند و به طور اجمال می گویند در میان کرات آسمان به احتمال قوی ستارگان زیادی هستند که دارای موجودات زنده اند. (3)

علامه طباطبایی قُدس سرِّه درباره ی آیه ی فوق می فرماید:

ظاهر آیه این است که در آسمان ها خلقی از جنبندگان (دواب) مثل روی زمین وجود دارد و اگر کسی بگوید منظور از جنبندگان آسمان، ملائکه هستند، مردود است؛ چرا که کلمه ی

ص: 107

1- همان، ص 185

2- سوره ی شوری، آیه ی 29

3- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 20، ص 436 - 439

(دواب) بر ملائکه اطلاق نشده است. (1)

حضرت علی علیه السّلام نیز می فرماید:

هذا النجوم التي في السماء مدائن مثل المدائن التي في الارض مربوطة كل مدينة الى عمود من نور؛ (2) این ستارگان در آسمان، شهرهایی مثل شهر های زمین هستند، هر شهری با شهر دیگر (هر ستاره ای با ستاره ی دیگر) با ستونی از نور مربوط است.

قرآن کریم نه تنها از وجود حیات و جنبندگان در آسمان ها خبر می دهد، بلکه می فرماید: خداوند می تواند اهل آسمان ها و زمین را در یک جا جمع کند:

(وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ)؛ (3) و از نشانه های (قدرت) اوست آفرینش آسمان ها و زمین و آن چه از (انواع) جنبنده در آن ها منتشر نموده و او هر گاه بخواهد بر جمع آن ها تواناست. (4)

علامه طباطبایی قدس سرّه نیز از این آیه، وجود حیوانات در کرات دیگر را استنباط کرده است. (5)

مفسران نیز آیات ذیل را دال بر وجود حیات و جنبندگان در کرات دیگر دانسته اند:

ص: 108

---

1- تفسیر المیزان، ج 18، ص 58

2- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج 2، ص 574

3- سوره ی شوری، آیه ی 29

4- ر.ک. عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص 214

5- سید محمد حسین طباطبایی، اعجاز قرآن، ص 15

(يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ...)؛ (1) همه ی کسانی که در آسمان و زمین هستند از او درخواست می کنند... (وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ...)؛ (2) تمام آن چه در آسمان ها و زمین از جنبندهگان و فرشتگان وجود دارد، برای خدا سجده می کنند... (تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ...)؛ (3) آسمان های هفت گانه و زمین و هر کس که در آن هاست او را تسبیح می گویند... (قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...)؛ (4) (پیامبر) گفت: پروردگرم همه ی سخنان را، چه در آسمان باشد و چه در زمین، می داند... (إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ • وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ • لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَ يُقَدِّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ)؛ (5) ما آسمان

دنیا را با ستارگان آراستیم، تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم؛ آنان نمی توانند به (سخنان) فرشتگان بالا گوش فرا دهند (و اگر چنین کنند) از هر طرف

ص: 109

- 
- 1- سوره ی الرحمن، آیه ی 29 و نیز سوره رعد، آیه ی 15؛ سوره اسراء، آیه ی 55؛ سوره ی مریم؛ آیه 93، سوره ی انبیاء، آیه ی 19 به همین مضمون است
  - 2- سوره ی نحل، آیه ی 49
  - 3- سوره اسراء، آیه ی 44
  - 4- سوره ی انبیاء، آیه ی 4
  - 5- سوره ی صافات، آیه ی 6-8



هدف قرار می گیرند. (1)

پس، از دیدگاه قرآن، در کرات و کهکشان های دیگر، موجودات زنده وجود دارند؛ هر چند هر یک از این موجودات زنده، برای حیات خود مسیری را طی می کنند؛ یعنی معلوم نیست که موجودات کرات دیگر نیز همانند انسان ها و حیوانات روی زمین از اکسیژن استفاده نمایند. این احتمال وجود دارد که موجودات ریز و با زندگی متفاوت با موجودات کره ی زمین، موجود باشند.

## از نظر قرآن پیدایش نباتات چگونه است؟

### اشاره

● چنان که قبلاً گذشت، قرآن کریم، کتاب فیزیک، گیاه شناسی، زمین شناسی و... نیست، بلکه بحث درباره ی جهان و طبیعت و انسان، به طور استطرادی در آن مطرح شده است و شاید هیچ آیه ای را نیابیم که به طور مستقل و مستقیم به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان ها و زمین پرداخته باشد. پس می توان گفت همواره این بحث ها برای آگاهی و هدایت انسان نسبت به عظمت الهی و سترگی حکمت هایی که در آفرینش به کار برده، عنوان شده است. (2)

قرآن کریم و روایات اهل بیت علیه السّلام پیدایش و رویش گیاهان و نباتات را از بزرگترین ادله ی خدا شناسی و توحید دانسته اند. قرآن کریم، برای

ص: 110

---

1- قرآن و آخرین پدیده های علمی، ترجمه ی مهندس رضایی فر، ص 133، اما در ترجمه حضرت آیه الله مکارم شیرازی به جای مردم بالاتر، فرشتگان آمده است

2- ر.ک: محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ج 1 - 3، ص ص 225-226

پیدایش نباتات، مراحل مختلفی را بیان فرموده که عبارت اند از:

### الف). نزول باران:

( ... وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا... )؛ (1) ... و برای شما از آسمان آبی فرستاد که با آن باغ های زیبا و سرور انگیز رویانیدیم؛ شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید... ( ... وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ )؛ (2) ... و از آسمان آبی نازل کردیم و به وسیله ی آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفت های گیاهان پر ارزش رویانیدیم.

### ب). احیای زمین های مرده:

( وَ آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا... )؛ (3) 3 زمین مرده برای آن ها آیتی است که ما آن را زنده کردیم و دانه هایی (غذایی) از آن خارج ساختیم... ( وَ اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَمَسَّ مَنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ )؛ (4) خداوند کسی است که باد ها را فرستاد تا ابر هایی را به حرکت درآورد، سپس ما این ابر ها را به سوی زمین مرده ای راندیم و به وسیله ی آن، زمین را پس از مردنش زنده می کنیم؛ رستاخیز نیز همین گونه

ص: 111

1- سوره ی نمل، آیه ی 60

2- سوره ی لقمان، آیه ی 10

3- سوره ی یس، آیه ی 33

4- سوره ی فاطر، آیه ی 9

است.

### ج. شکافتن زمین:

(ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا)؛ (1) زمین را شکافته و دانه را در آن رویاندیم.

### د. بیرون آوردن نباتات از دل زمین:

(... وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا...)؛ (2) ... ما دانه هایی (غذایی) از آن (زمین مرده ای که زنده اش کردیم) خارج ساختیم...

### هـ. تزویج نباتات و گیاهان با هم:

(أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ)؛ (3) آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چقدر از انواع (وجفت های) گیاهان پرارزش در آن رویاندیم؟

ممکن است واژه ی «زوج» به انواع نباتات و یا به مسئله ی زوجیت در عالم گیاهان اشاره داشته باشد؛ در هر صورت، میان این دو احتمال تضادی نیست. (4)

### آیا قرآن به مسئله ی زوجیت گیاهان نیز پرداخته است؟

● انسان ها تا قرن ها گمان می کردند که مسئله ی زوجیت و وجود جنس نر

ص: 112

1- سوره ی عبس، آیه ی 23

2- سوره ی یس، آیه ی 33

3- سوره ی شعرا، آیه ی 7

4- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 2 ص 297 به بعد.

و ماده، فقط در مورد بشر و حیوانات و برخی گیاهان مثل خرما صادق است، اما کارل لینه (1707 - 1787 م) گیاه شناس معروف سوئدی، در سال 1731م، نظریه ی وجود نر و ماده در بین همه ی گیاهان را ارائه نمود. (1)

بعد از او، کشف شد که ماده، از تراکم انرژی، به صورت ذرات بی نهایت ریزی، که اتم نامیده می شود، تشکیل یافته است و پس از مدتی، مسأله ی زوجیت به همه ی اشیا سرایت داده شد؛ چون واحد ساختمانی موجودات، یعنی اتم، از الکترون ها (با بار منفی) و پروتون ها (با بار مثبت) تشکیل شده است. هر الکترون با سرعت سرسام آوری (50000 دور در ثانیه) به دور مرکز اتم، یعنی پروتون ها می چرخد. البته در اتم ذرات سومی نیز یافت می شود، به نام نوترون که از لحاظ بار الکتریکی، خنثی است. (2)

## آیات قرآن

قرآن در 14 قرن پیش به مسئله ی زوجیت اشیا و موجودات اشاره کرده است. بعضی از آیات، به زوجیت میوه ها، برخی به گیاهان و برخی نیز به کل اشیا اشاره دارند.

(... وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)؛ (3) ... و در آن (زمین)

ص: 113

---

1- تفسیر نمونه، ج 18، ص 377 و گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص 57

2- محمد علی سادات، زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص 42-40

3- سوره ی رعد، آیه ی 3 و نیز ر.ک: سوره الرحمن، آیه 52 و سوره ی طه، آیه ی 53

از هر میوه ای یک جفت آفرید روز را به شب می پوشاند. در این ها (امور) آیات و نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند. (أُولَئِكَ يَرَوْنَ إِلَى الْأَرْضِ كَمَا أَنْبَأْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً...); (1) آیا آن ها در زمین نگاه نکردند که چقدر از هر گونه جفت های زیبا رویانیدیم؛ قطعاً در این عمل عبرتی است... (سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ); (2) پاک (خدایی) که تمام زوج ها را آفرید از آن چه زمین می رویاند و از خودشان و از آن چه نمی دانند.

(وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ); (3) و از هر چیزی زوجی آفریدیم، به امید آن که شما عبرت بگیرید.

واژه ی «زوج» در لغت به چند معنا آمده است: (4) الف) به حیوانات نر و ماده ای که قرینه ی یک دیگرند، زوج گویند. ب) در غیر حیوانات، به هر کدام از دو چیز قرینه ی یک دیگر (مثل دو

ص: 114

---

1- سوره ی شعراء، آیه 7-8 و نیز سوره حج، آیه ی 5، سوره ی لقمان، آیه ی 10، سوره ی ق، آیه ی 7، سوره ی طه، آیه ی 53 به همین مضمون است.

2- سوره ی یس، آیه ی 36

3- سوره ی ذاریات، آیه ی 49

4- ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات، ماده زوج

لنگه کفش) زوج گویند.

ج) به هر چیزی که مقارن و مشابه دیگری باشد، زوج گویند. د) به هر چیزی که مقارن و متضاد دیگری باشد، زوج گویند. مفسران مسلمان، مسئله ی زوجیت گیاهان را از بدیهیات می دانند و حتی قدمای آن ها، مانند مرحوم طبرسی، زوجیت را در تمام اشیا می پذیرند. (1) مفسران معاصر نیز بر اساس پیشرفت علوم زیست شناسی و کشفیات تازه درباره ی زوجیت و مطابقت آن با قرآن، بهتر به این مسئله پرداخته اند.

چنان که در تفسیر نمونه آمده است:

معمولاً واژه ی «زوج» به دو جنس نر و ماده گفته می شود، خواه در عالم حیوانات باشد، یا گیاهان.

هرگاه کمی آن را توسعه دهیم، تمام نیروهای مثبت و منفی را شامل می شود و با توجه به عبارت ( مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ) نه فقط موجودات زنده می توانند مشمول این حقیقت باشند، که تمام اشیا ی جهان از ذرات مثبت و منفی ساخته شده اند و امروز از لحاظ علمی مسلم است که اتم ها از اجزای مختلفی تشکیل یافته اند؛ از جمله، اجزایی که دارای بار الکتروسیسته ی منفی هستند و الکترون نام دارند؛ بنابراین الزامی نیست که حتماً معنای حیوان یا گیاه را برای شیء و یا زوج را به بعضی اصناف

ص: 115

منحصر بدانیم. (1) برخی اشکال کرده اند که قرآن تمام اشیا را زوج و از جنس نر و ماده می داند، در حالی که با پیشرفت علم به این نتیجه رسیده ایم که بعضی از اشیا تک سلول اند، یا بکرزایی دارند و با زوجیت عمومی در تعارض اند. (2)

تک یافتگان (تک سلولی ها) (3)، حیواناتی هستند که بدن آن ها تنها از یک سلول ساخته شده و دارای هسته مشخص و کاملی هستند که به وسیله ی غشای هسته ای محصور است و تا کنون بیش از سی هزار گونه ی آن ها تشخیص داده شده اند که اکثر آن ها به طور آزاد در آب و خاک زندگی می کنند و برخی نیز انگل اند. (4)

در پاسخ به تعارض بین زوجیت عمومی و تک سلولی باید گفت: همان طور که گذشت، کلمه ی زوج به هر یک از دو چیزی گفته می شود که قرینه ی هم دیگر و یا مقارن، مشابه و یا متضاد باشند؛ (5) پس نمی توان معنای زوج را منحصر در «نر و ماده» دانست؛ زیرا در تک یافتگان که از طریق تقسیم سلولی دو تا می شوند، زوج خلق شده است و مشمول کلمه ی زوج هستند؛ چون از هر کدام از آن ها دو چیز مقارن و مشابه پیدا

ص: 116

---

1- تفسیر نمونه، ج 22، ص 376، و ج 18، ص 377؛ ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، اعجاز قرآن، ص 15 و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج 2، ص 278-281

2- ر.ک: مصطفی ملکیان، فصل نامه ی مصباح، ش 10، ص 66، با تلخیص و اضافه

Protozoa -3

4- هرمز داور مزدی، انگل شناسی پزشکی، ص 37-46

5- ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات، ماده ی زوج

می شود؛ علاوه بر آن، در مسأله ی زوجیت عمومی همه ی اشیا، هم زمان یا هم مکان بودن هر دو زوج ملاک نیست و لذا ممکن است دو زوج در دو مکان (مثل الکترون و پروتون که در هسته ی اتم و مدار اطراف آن هستند) و یا در دو زمان باشند، لذا بین زوجیت عمومی اشیا و بکرزایی تعارض وجود ندارد. (1)

ص: 117

---

1- ر.ک: محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز قرآن، ج 2، ص 285





## فصل چهارم: موجودات نامرئی در قرآن:

اشاره

ص: 119



### اشاره

یکی از شگفتی های آفرینش، خلقت موجوداتی است که به دور از چشم انسان ها و در پس پرده ی غیب به سر می برند. قبل از بیان هدف خلقت این موجودات، به بررسی خصوصیات آن ها از نظر قرآن می پردازیم.

### الف). جن

«جن» در لغت، به معنای چیزی است که از حسّ انسان پوشیده باشد، و لذا به طفلی که در رحم مادر پوشانده شده «جنین»، به باغی که زمینش توسط درختان پوشانده شده «جَنّه»، [\(1\)](#) و به کسی که دیوانه شده و عقلش پوشیده باشد، مجنون می گویند. در فارسی نیز به آن «پری» گویند.

فلاسفه قائل اند که جن، جسم و جسمانی نیست، بلکه موجودی است مجرد، که ماهیتش مخالف نفوس بشری و متعلق به اجساد آتشی و

ص: 121

---

1- ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده ی «جن»

هوایی، و قادر به تصرف در این عالم است. (1) بعضی از دانشمندان از آن‌ها تعبیر به نوعی از ارواح عاقله که مجرد از ماده اند می‌کنند؛ البته پیداست که تجرد کامل ندارند؛ زیرا چیزی که از ماده‌ی آتش آفریده شده، مادی است؛ ولی نیمه تجردی دارند، زیرا با حواس ما درک نمی‌شوند؛ به عبارت دیگر، یک نوع جسم لطیف اند. (2)

در قرآن مجید نیز به وجود «جن» تصریح شده و واژه‌ی «جن، جان و جنّه» 32 بار تکرار شده است و سوره‌ی (3) به نام جن وجود دارد که بیشتر آیات آن درباره‌ی خلقت جن و ایمان آن‌ها به پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و خضوع در برابر قرآن و ایمان و اعتقاد به معاد است. با توجه به این، برخی افراد نسبت به موجودیت جن شک و تردید دارند و به نحوی وجود جن را توجیه می‌کنند و آن را نوعی از اعتقادات خرافی اعراب بدوی و بی‌فرهنگ می‌دانند (4) برخی نیز جن را نوعی میکروب می‌دانند. (5) علامه شعرانی در مورد آن‌ها می‌فرماید:

جن طایفه‌ای از مخلوقات خدا هستند که وجودشان به شرع ثابت شده، ولی ماهیت آن‌ها مشخص نیست؟ جن، از عالم غیب است و هر کس به غیب ایمان دارد، ایمان به جن نیز بر

ص: 122

---

1- بهاءالدین خرم‌شاهی، قرآن پژوهی، ص 590

2- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 11، ص 79

3- سوره‌ی جن، آیه‌ی 72

4- بهاءالدین خرم‌شاهی، مجله‌ی بینات، ش 5

5- قرآن پژوهی، ص 590 - 597

وی دشوار نیست. علم نداشتن ما به جنس و ماهیت آن‌ها، منافی ایمان به وجود آن‌ها نیست؛ با توجه به صفاتی که خداوند برای آن‌ها بیان کرده است می‌توان به معرفت آن‌ها نزدیک شد. (1)

## برخی از صفاتی که قرآن مجید برای آن‌ها بیان کرده است عبارت‌اند از:

### 1. «جن» مانند انسان مکلف به اعمال است.

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)؛ (2) من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند.

### 2. فرستادگان و پیامبران الهی برای جنیان هم بوده‌اند. در میان مفسران بحث است که آیا فرستادگان جن از جنس خود آن‌ها بوده یا از نوع بشر.

(يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي...)؛ (3) ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات ما را برای تان بازگو کردند....

بنا بر ظاهر آیه، پیامبر جنیان از جنس خود آن‌ها بوده است، اما از آیات سوره ی جن استفاده می‌شود که قرآن و اسلام برای همه، حتی برای جنیان، نازل، و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای همه مبعوث شده است، لکن اشکالی ندارد از میان آن‌ها رسولان و نمایندگانی از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور

ص: 123

---

1- میرزا ابوالحسن شعرانی، نسر طوبی، ص 140

2- سوره ذاریات، آیه ی 56

3- سوره انعام، آیه ی 130

دعوت آن‌ها بوده باشند. (1) پس با «رُسُلُ منکم» منافاتی ندارد.

با توجه به این که تمام پیامبران الهی از میان انسان‌ها برگزیده شدند و جنیان نیز به پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ، که از نوع بشر بوده، ایمان آوردند و از او تبعیت کردند و نیز واجب شدن سجده در برابر حضرت آدم علیه السَّلَام بر ملائکه حتی بر شیطان که از طایفه ی جن بوده، دلیلی بر فضیلت نوع انسان بر جن است. پس این که در بین مردم عوام مشهور است که به جن «از ما بهتران می‌گویند» بی‌مورد است. (2)

### 3. جنیان انسان‌ها را می‌بینند، ولی انسان‌ها آن‌ها را نمی‌بینند. قرآن درباره ی برحذر داشتن بنی آدم از شیطان و اتباع او می‌فرماید:

(... إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ...)؛ (3) ... او (شیطان) و همکارانش شما را از جایی می‌بینند که شما آن‌ها را نمی‌بینید...

هم چنین قرآن ابلیس را از جنیان می‌داند. (4)

### 4. با این که قرآن انسان‌ها را برتر از جنیان دانسته ولی نام آن‌ها را بر انسان مقدم داشته است:

(وَ الْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ)؛ (5) ما جن را پیش از

ص: 124

---

1- تفسیر نمونه، ج 5، ص 443

2- همان، ج 25، 155

3- سوره ی اعراف، آیه ی 27

4- سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج 2، ص 64

5- سوره ی حجر، آیه ی 27

آن (پیش از آفرینش انسان) از آتش سوزان آفریدیم.

و

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)؛ (1) و من جن و انس را نیافریدم جز آن که مرا عبادت کنند.

ظاهراً این تقدم بدان جهت است که آفرینش آن ها قبل از آفرینش آدم بوده است. (2)

**5. برخی از کارهایی که جنیان برای حضرت سلیمان علیه السلام انجام می دادند نشان دهنده ی این است که آن ها نیز مانند آدمیان کار می کنند و قدرت کار دارند؛ هم چنین برخی کارهای آن ها حکایت از وجود تمدن در میان آن ها دارد.**

(يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَاثِيلٍ وَ جَفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ...)؛ (3) سلیمان هر چه می خواست، از معبد ها و تمثال ها و ظرف های بزرگ غذا، هم چون حوض های بزرگ و دیگ های عظیم ثابت، برای او تهیه می کردند....

هم چنین از آیات سوره ی «ص» و «سبأ» استفاده می شود که آن ها، افرادی باهوش، فعّال، هنرمند و صنعت گر با مهارت های مختلف هستند. (4)

**6. قرآن به تسخیر گروهی از جنیان توسط حضرت سلیمان علیه السلام اشاره**

ص: 125

1- سوره ی ذاریات، آیه ی 56

2- تفسیر نمونه، ج 22 ص 389

3- سبأ، 13

4- تفسیر نمونه، ج 13، ص 47



کرده است:

( وَآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ )؛ (1) گروهی دیگر از شیاطین (جنّ) را در غل و زنجیر، تحت سلطه او (سلیمان) قرار دادیم.

فلسفه ی این کار این بوده است که برخی از جنیان، مفید و سازنده و قابل استفاده نبودند؛ لذا برای این که جامعه از شرّ مزاحمت آن ها در امان بماند، چاره ای جز در بند قرار دادن آن ها نبود؛ و از آن جا که جن جسم لطیفی دارد و غل و زنجیر با آن ها تناسبی ندارد، تعبیر غل و زنجیر کنایه از جلوگیری آن ها از فعالیت های تخریبی است. (2)

7. آن ها دارای عقل، علم درک و تشخیص حق از باطل و قدرت منطق و استدلال هستند. (3)

8. آن ها هم مؤنث دارند هم مذکر و صاحب اولاد هستند. (4)

9. گروهی از آن ها مؤمن و صالح و گروهی کافرند. (5)

10. آن ها دارای حشر و نشر و معادند. (6)

11. آن ها در آسمان ها بودند و خبر گیری و استراق سمع می کردند که

ص: 126

1- سوره ص، آیه ی 38

2- تفسیر نمونه، ج 2، ص 62

3- ر.ک: سوره ی جن، آیات مختلف آن

4- ر.ک: سوره ی جن، آیه ی 6

5- ر.ک: سوره ی جن، آیه ی 11

6- ر.ک: سوره ی جن، آیه ی 15

در زمان نزول قرآن ممنوع شدند. (1)

12. آن‌ها هر زبانی را می‌فهمند و با آن تکلم می‌کنند. (2)

13. آن‌ها عمری طولانی دارند. (3)

14. آن‌ها دین خاصی ندارند، بلکه دین آن‌ها مانند دین آدمیان است. (4)

## زمان خلقت جنیان

قرآن کریم، زمان آفرینش جنیان را قبل از آفرینش آدمیان معرفی نموده است:

(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَدَاقٍ مِنْ مَّاءٍ مَسْنُونٍ • وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ)؛ (5) و در حقیقت انسان را از گلی خشک، سیاه و بدبو آفریدیم و پیش از آن، جن را از آتشی سوزان و بی‌دود خلق کردیم.

هر چند نمی‌توان از این آیه‌ی شریفه تاریخچه‌ی دقیق آفرینش جنیان را به دست آورد، لکن با صراحت، در می‌یابیم که زمان خلقت آن‌ها قبل از خلقت انسان‌ها بوده است. مفسران قرآن کریم نیز، با توجه به این آیات، همگی زمان خلقت جنیان را قبل از آفرینش آدمیان دانسته‌اند. (6)

با استفاده از روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام می‌توان زمان

ص: 127

1- ر.ک: سوره‌ی جن، آیه‌ی 9

2- زین العابدین دست داده، جن و شیطان، ص 113

3- همان

4- همان، به نقل از تفسیر الطیب البیان، ج 13، ص 231

5- سوره‌ی حجر، آیه‌ی 26 - 27

6- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 3، ص 190

دقیق تری را برای خلقت جنیان به دست آورد؛ از جمله روایتی است که امام باقر علیه السَّلَام از امام الموحّدین امیرالمؤمنین علیه السَّلَام نقل می نماید:

انّ الله تبارک و تعالی "لما" اراد ان یخلق خلقاً بیده و ذلك بعد ما مضی من الجن و النسناس فی الارض سبعة الاف سنة؛ (1) همانا (هنگامی که) خدای تبارک و تعالی اراده نمود تا موجودی را بیافریند (یعنی انسان را خلق نماید) و این در زمانی بود که از خلقت و آفرینش جن و نسناس (2) هفت هزار سال گذشته بود.

### علت نامرئی بودن جنیان

جنیان با این که موجوداتی مادی هستند، در شرایط عادی از دید انسان ها پنهان اند. دانشمندان علوم طبیعی می گویند: موجوداتی که انسان با حواس خود می تواند درک کند در برابر موجوداتی که با حواس قابل درک نیستند ناچیزند. تا وقتی که موجودات زنده ی ذره بینی کشف نشده بودند، هیچ کس باور نمی کرد که در یک قطره ی آب یا خون هزاران موجود زنده وجود داشته باشند که انسان قدرت دیدن آن ها را نداشته باشد. (3)

هم چنین دانشمندان می گویند: چشم ما رنگ های محدودی را می بیند و گوش ما امواج محدودی را می شنود، رنگ ها و صدا هایی که به وسیله ی

ص: 128

- 
- 1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 60، ص 82
  - 2- نسناس موجوداتی بودند که بر اثر فتنه و فساد نابود شدند.
  - 3- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 25، ص 156

چشم و گوش قابل درک نیست بیش از چیزهایی است که قابل درک اند. اگر وضع جهان چنین است چه جای تعجب است که ما نتوانیم با حواس خود جنیان را درک کنیم؛ وقتی مخبر صادقی مانند خداوند و نبی گرامی از آن خبر می دهد چرا نپذیریم؟ (1)

خداوند جنیان را از آتش آفریده، همان گونه که انسان را از خاک آفریده است.

(وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ)؛ (2) و جن را از شعله های مختلط و متحرک آتش خلق کرد.

ولی وضع فعلی آن ها آثار آتش را ندارد. (3) همانند انسان که از خاک است، ولی فعلاً آثار خاک را ندارد. حقیقت آتشی که جن از آن خلق شده برای ما روشن نیست؛ زیرا این آتش چیزی جز انرژی نیست و چنان که معلوم شده، اتم نیز انرژی متراکم است که به اشکال مختلف درآمده است و این اختلاف در نتیجه ی اختلاف پروتون ها و الکترون هاست؛ بنابراین سراسر عالم را نیروی الکتریسته و مغناطیسی و جاذبه و انرژی های دیگر فرا گرفته است که ما به آن ها علم نداریم. (4)

قرآن کریم می فرماید:

ص: 129

1- همان

2- سوره الرحمن، آیه ی 15، سوره ی حجر، آیه ی 26 - 27

3- تفسیر المیزان، ج 2، ص 235 می فرماید: آیه درباره ی آن ساکت است.

4- خداکر می، دانستنی هایی درباره ی جن، ص 17

(... إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ...)؛ (1) او (جن و شیاطین و هم جنسانش) شما را می بینند ولی شما آن ها را نمی بینید....

برخی ها این احتمال را مطرح کرده اند که خلقت جن از سه عنصر آب، باد و آتش و خلقت انسان و حیوانات دیگر از چهار عنصر آب، باد، آتش و خاک است؛ چون جنیان خاک ندارند، قوه ی سنگینی و جاذبه ی زمین روی آن ها اثر ندارد. (2)

## هدف از خلقت جنیان

### اشاره

هر چند جن، از لحاظ رتبه و مقام، از انسان پایین تر است، ولی قرآن هدف از خلقت جن را همانند هدف از خلقت انسان می داند؛ چون آن ها نیز دارای شعور، عقل، درک، تکلیف، نشر، حشر و معاد هستند.

### (ب). شیطان (ابلیس)

\* (ب). شیطان (ابلیس) (3)

واژه ی «شیطان» از ماده ی «شطن» یا «یشطن» به معنای خبیث و پست و دور شدن است که به هر موجود سرکش و متمرد، اعم از انسان، جن و یا جنبنندگان دیگر اطلاق می شود، پس شیطان، اسم عام (اسم جنس) و

ص: 130

1- اعراف، 27

2- دانستی هایی درباره ی جن، ص 17

3- ابلیس به لحاظ جنسیت با جنیان یکی است. آن چه ما را وادار به تقسیم این دو نموده تا تحت یک عنوان مستقل بحث نماییم، اهداف و اعمال آن هاست. قرآن نیز در بیشتر موارد برای هر کدام بحث مستقل دارد

«ابلیس» (1) اسم خاص (علم) است برای شیطانی که حضرت آدم را فریب داد و اکنون نیز با لشکر و منسوبین خود انسان ها را وسوسه و گمراه می کند. (2) در قرآن کلمه ی شیطان به انسان و جن اطلاق شده است:

(وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَّيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ...)؛ (3) بدین گونه ما برای هر پیامبری دشمنی از شیطان های انسانی و یا جنی قرار دادیم... .

واژه ی «شیطان» هفتاد بار به صورت مفرد و هجده بار به صورت جمع (شیاطین) در قرآن آمده است. ماهیت شیطان همانند جنیان از آتش است؛ به عبارت دیگر، شیطان از نسل جنیان است. او اعتراف دارد از فرمان خداوند مبنی بر سجده ی حضرت آدم علیه السَّلام (4) سرپیچی نمود و گفت:

(قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ)؛ (5) من برتر از او هستم؛ مرا از آتش و او را از خاک آفریدی.

گاهی مفهوم شیطان، شامل نفس اماره، (6) قوای واهمه، تخیل نفسانی و لذات دنیوی ریاسات و همیه حشرات موزی و انسان های فاسد ... و

ص: 131

- 
- 1- ابلیس غیر عربی است. شاید هم از «آبلس» باشد که مبدأ شر و وسوسه در جهت خلاف از کمال و مصلحت باشد (محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ج 6، ص 150)
  - 2- تفسیر نمونه، ج 1، ص 191 و علی رضا رجالی تهرانی، جن و شیطان، ص 14
  - 3- سوره ی انعام، آیه ی 112
  - 4- سوره ی کهف، آیه ی 50
  - 5- سوره ی ص، آیه ی 76
  - 6- سوره ی یوسف، آیه ی 53 (إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ)

است که لشکریان شیطان اند (1) به طور مثال، حضرت علی علیه السّلام می فرماید:

از قسمت شکسته و دستگیره ی ظرف، آب نخورید؛ زیرا شیطان در آن قسمت می نشیند. (2)

یا در جای دیگر می فرماید:

زیاد بن ابیه! از معاویه بترس! که او شیطان است. (3)

## هدف خداوند از خلقت ابلیس

### اشاره

خلقت ابلیس از آغاز، خلقتی پاک و بی عیب بود. او سالیانی طولانی در صف مقربان درگاه خداوند و فرشتگان بزرگش جای گرفته بود؛ هر چند از نظر آفرینش همانند آن ها نبود. وی با سوء استفاده از آزادی اش طغیان نمود و تکبر ورزید و نسبت به خداوند متعال عصیان کرد، و از درگاه او رانده شد.

خداوند نام هیچ کس را ابلیس ننهاده است. امام رضا علیه السّلام در مورد نام اصلی ابلیس می فرماید:

نام ابلیس حرث یا حارث بوده؛ چون از رحمت خدا مأیوس شد، ابلیس نام گرفت. (4)

شیطان در خلقت اولیه، همانند جنیان و انسان، برای عبادت و رسیدن به رحمت الهی خلق شد، اما بعد از دور شدن از رحمت الهی، مظهر

ص: 132

---

1- زین العابدین دست داده، جن و شیطان، ص 46

2- کلینی، اصول کافی، ج 6، ص 385

3- نهج البلاغه، خ 44

4- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج 2، ص 99

گمراهی و ضلالت برای انسان ها شده است.

انسان بین خیر و شر و سعادت و شقاوت واقع شده است؛ اگر این اجزای متضاد در جهان عمل و در عالم فکر و احساس و درک متصور نباشد، شقاوت و سعادت، مفهوم و معنا و مصداق واقعی و حقیقی اش را پیدا نمی کند و در نتیجه، مشخص نمی شود که چه کسانی سعادت مند شده و به کمال رسیده و چه کسانی نرسیده اند. اگر انسان بخواهد به معنای واقعی و کامل وجود داشته باشد، باید در میان عوامل شقاوت و سعادت، با اختیار و انتخاب، راه سعادت را پیدا و در نظام احسن، وجود کامل خود را بروز و ظهور دهد، و یا با اختیار خود راه شقاوت و بدی را بیماید. پس در عالم تشریح (قانون گذاری) برای رسیدگی به مقامات عالیه و داشتن ارواح طیبه، وجود ملائکه و خلقت این طایفه از مخلوقات الهیه، و نیز خلقت شیطان و ابلیس که عامل مؤثری در ظهور پلیدی و صفات خبیثه در انسان هاست، مناسب و بی ضرر است؛ زیرا بنا بر قاعده ی «تعرف الاشیاء بأضدادها؛ اشیا با اضدادشان شناخته می شوند»، تا علم به بدی و پلیدی در جهان نباشد و زشتی ها در اوصاف انسان ظهوری نداشته باشند، اوصاف حسنه جایگاه خود را نخواهند یافت و انسان، ارزش زیبایی های روحی و معنوی را ندانسته، به آن دسترسی پیدا نخواهد کرد.

بنابراین، در خلقت شیطان و ابلیس، شرایط و مقدمات سیر الی الله و صعود و کمال و مقام و منزلت بهشتی، موجود است. البته شیطان، انسان را در باطن، وسوسه، و از راه قوه ی خیال در او تصرف می نماید و با جلوه ی منظره های زیبا و دل فریب و یاد آوردن تخیلات، انسان را از محبت لقای

ص: 133



خدا، منصرف می‌کند و از درجات و مقامات عالیه و رضوان خدا غافل می‌سازد. شیطان‌هایی را که خدا آفریده، محک‌هایی برای جدا نمودن آلودگان از پاکان از هم دیگر است؛ بنابراین، آن‌ها عبث خلق نشده‌اند، بلکه مصلحتی در آفرینش آن‌ها وجود دارد.

با این‌که کار شیطان، جز گمراهی و ضلالت انسان‌ها نیست، لکن این خود از الطاف و نعمت‌های الهی است؛ چون اگر این میزان و معیار وجود نداشته باشد انسان‌های خوب و با ایمان و صالح که با سختی و مشکلات راه سعادت و خیر را می‌پیمایند از انسان‌های بی‌ایمان و گمراهان باز شناخته نمی‌شوند. خداوند انسان را با وسوسه‌ها و حيله‌های شیطان می‌آزماید؛ (1) در غیر این صورت، همه‌ی مردم یکسان و برابر بوده، ارسال پیامبران و نزول کتب آسمانی و وحی الهی برای هدایت انسان‌ها، و اساساً آفرینش انسان‌ها لغو و عبث خواهد بود و دیگر انسان کامل و سعادت‌مند و با ایمان معنا نخواهد داشت تا بهشت و نعمت‌های بهشتی نصیبش شود. به هر حال، با وجود این ابلیس و شیطان‌ها و وسوسه‌هاست که انسان در امتحان‌های سخت آب دیده می‌شود و قابلیت سعادت و تکامل پیدا می‌کند.

(2)

### ج. ملائکه «ملک» (فرشته)

«ملائکه» جمع «ملائک» و الحاق تا در آخر آن برای تأنیث جمع

ص: 134

---

1- سوره ی حج، آیه ی 53

2- ر.ک: مرتضی مطهری، انسان کامل، و جعفر سبحانی، منشور جاوید، ج 7

است. (1)

واژه ی «ملک» 88 مرتبه، «ملائکه» 73 مرتبه و «جبرئیل» دو مرتبه در قرآن آمده اند.

آن ها، موجوداتی پیراسته از پیوند های مادی و مجرد از صفات جسمانی اند. (2) خلقت آن ها از نور است و دارای وجود بسیط و مجرد و بعد عقلانی اند، نه مرکب از عقل و شهوت، و تراحم و تضادی در کارها و صفات ذات شان نیست. (3) بسیاری از فقها قایل به تجرد آن ها و تجرد نفس ناطقه هستند؛ (4) لذا ایمان به فرشتگان، یکی از ضروریات مذهب و در ردیف ایمان به خدا و رسول قرار گرفته است. (5)

## وظایف ملائکه

### اشاره

هر چند تعداد فرشتگان قابل شمارش نیست، ولی با بررسی آیات و روایات در می یابیم که هر کدام از آن ها برای کاری نهاده شده اند و وظیفه ی خاصی دارند:

#### 1. گروهی حامل عرش اند:

(... وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ)؛ (6) ... و آن روز،

ص: 135

---

1- زمخشری، تفسیر کشاف، ج 1، ص 124

2- رجالی تهرانی، جن و شیطان، ص 20

3- صدر المتألهین، اسفار، ج 7، ص 93

4- امام خمینی، آداب الصلوة، ص 364

5- سوره ی بقره آیه ی 285

6- سوره حاقه، آیه ی 17

عرش پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه ی آن ها حمل می کنند.

## 2. گروهی امور جهان را تدبیر می کنند:

(فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا)؛ (1) و فرشتگانی که امور را تدبیر می کنند.

## 3. گروهی مأمور قبض ارواح اند:

(... حتی إذا جاءَهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...); (2) ... تا زمانی که رسولان ما (فرشتگان قبض ارواح) به سراغ شان روند که جانشان را بگیرند از آن ها می پرسند: کجایند معبود هایی غیر از خدا که می خواندند؟ ...

## 4. گروهی مأمور عذاب اند:

(وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ)؛ (3) هنگامی که رسولان ما (فرشتگان عذاب) ب-ه سراغ قوم لوط آمدند، از آمدن شان ناراحت شد و قلبش پریشان گشت و گفت: امروز روز سختی است.

## 5. گروهی امدادگران الهی و قوت قلب مؤمنان در جنگ ها هستند:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا)؛ (4) ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود

ص: 136

1- سوره ی نازعات، آیه ی 5

2- سوره ی اعراف، آیه ی 37

3- سوره ی هود، آیه ی 77

4- سوره ی احزاب، آیه ی 9

به یاد آورید؛ در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آن‌ها را نمی‌دیدند، و خداوند همیشه به آن چه انجام می‌دهید بیناست.

### 6. گروهی آوردگان کتاب‌های آسمانی برای انبیا هستند:

(يُنزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...؛ (1) فرشتگان را با روح (الهی) به فرمانش بر هر کس از بندگان بخواند نازل می‌کند....)

### 7. گروهی انسان را از خطرها و حادثه‌ها حفظ می‌کنند:

(لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ...؛ (2) برای انسان مأمورانی است که پی در پی، از پشت سرش، او را از فرمان خدا (حوادث غیر حتمی) حفظ می‌کنند....)

حضرت علی علیه السَّلَام نیز می‌فرماید:

ان مع کل انسان ملکین یحفظانه فاذا جاء القدر خلیا بینه و بینه؛ هر انسانی دارای دو ملک است که او را حفظ می‌کنند؛ ولی در هنگام مقدرات او را رها می‌سازند. (3)

ص: 137

---

1- سوره ی نحل، آیه ی 2

2- سوره ی رعد، آیه ی 11

3- نهج البلاغه، کلمات قصار، جمله ی 201

1. آن ها گروهی عاقل باشعور و مخلوقات گرامی خداوندند:

( وَ قَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سَبْحَانَہُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ )؛ (1) آن ها گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود انتخاب کرده است!» او منزّه است؛ آن ها بندگان شایسته ی اویند.

2. آن ها سر به فرمان خدایند و هرگز او را معصیت نمی کنند:

( لَا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِہِ یَعْمَلُونَ )؛ (2) هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیرند؛ و به فرمان او عمل می کنند.

3. پیوسته مشغول تسبیح و تقدیس حقّ اند.

(... وَ الْمَلَائِکَةُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّہُمْ... )؛ (3) ...فرشتگان پیوسته تسبیح و حمد پروردگارشان را به جا می آورند... .

حضرت علی علیه السّلام می فرماید:

اشتغال به عبادت حق، آن ها را از هر کار دیگری باز داشته است. (4)

و پیامبر اکرم صلی اللّٰہ علیہ و آلہ نیز می فرماید:

خداوند فرشتگانی دارد که از آغاز آفرینش شان تا روز قیامت خدا را سجده می کنند؛ در آن روز سر از سجده بر می دارند و

ص: 138

---

1- سوره ی انبیاء، آیه ی 26

2- سوره ی انبیاء، آیه ی 27

3- سوره ی شوری، آیه ی 5

4- نهج البلاغہ، خ 90

می گویند: ما حق عبادت تو را انجام ندادیم. (1)

سرشت فرشتگان به گونه ای است که شوق و علاقه به عبادت معشوق، ایشان را به پرستش وا داشته و طاعت و بندگی حق، علاقه ای است که در دل های آنان است. (2)

4. فرشتگان دارای نفس اماره نیستند، ولی عقل و نور محض اند.

حضرت علی علیه السّلام می فرماید:

ان الله ركب في الملائكة عقلاً بلا شهوة؛ (3) خداوند به ملائکه، عقل عنایت نموده و شهوت را از آنان سلب کرده است.

5. آن ها دارای مقامات مختلف و مراتب متفاوت اند. برخی همیشه در رکوع اند و برخی در سجود.

(وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَدِّ بِحُونَ) (4) و هیچ یک از ما نیست مگر آن که مقام معلومی دارد؛ و ما همگی (برای اطاعت از فرمان خدا) به ص-ف ایستاده ایم؛ و ما همه تسبیح گوی او هستیم.

6. علم آن ها موهبتی و الهی است، نه اکتسابی.

(قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...؛ (5) فرشتگان گفتند: پاک و منزّه است خداوند، هیچ علمی در نزد ما نیست مگر

ص: 139

---

1- تفسیر نمونه، ج 11، ص 256

2- نهج البلاغه، خطبه 9

3- شیخ صدوق، علل شرایع، ج 1، ص 15

4- سوره ی صافات، آیه ی 164 - 166

5- سوره ی بقره، آیه ی 32

آن چه به ما آموختی... .

7. فرشتگان نه می خورند نه می خوابند و نه ازدواج می کنند: (إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا يَأْكُلُونَ وَلَا يَشْرَبُونَ وَلَا يَنْكِحُونَ). (1)

8. فرشتگان همانند انسان و جتیان، دارای تکلیف شرعی نیستند، بلکه دارای تکلیف تکوینی و ملزم به تکلیف اند. (2) آن ها اراده نمی کنند، مگر به اراده ی خدا:

(... لَا يَسَّ بِقُوَّةٍ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ) ؛ (3) هرگز در سخن بر او (خداوند) پیشی نمی گیرند و پیوسته به فرمان او عمل می کنند. ( لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) ؛ (4) هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آن چه را فرمان داده شده اند، اجرا می نمایند.

### هدف از خلقت ملائکه

یکی از قوانین و سنت های الهی؛ اداره هستی از راه علل و اسباب است. در روایتی از امام صادق علیه السَّلَام چنین نقل شده است:

ابی الله ان یجری الاشیاء الا بالاسباب؛ (5) خداوند نمی خواهد امور هستی را اجرا کند، مگر از راه اسباب و علل.

ص: 140

1- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 9، ص 19؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 8، ص 2

2- ر.ک، المیزان، ج 19، ص 334

3- سوره ی انبیاء، آیه ی 27

4- سوره ی تحریم، آیه ی 6

5- بحار الانوار، ج 2، ص 90 روایت 15

خداوند، به تنهایی توان اداره تمام امور هستی را دارد؛ اما نظام طولی هستی اقتضا دارد که بین خدا و مخلوق، از جمله انسان، واسطه های قدسی وجود داشته باشد، که علل و اسباب نامیده می شوند؛ ملائکه نیز واسطه ی بین خدا و مخلوق اند. (1)

علامه طباطبایی قُدس سرِّه در این باره می فرماید:

به طوری که از آیات قرآن کریم استفاده می شود، فرشتگان در ابداع و ایجاد موجودات، از ناحیه خدای متعال، و برگشتن آن ها به سوی او، بین خدا و خلق واسطه هستند. وساطت ملائکه در وقت ظهور نشانه های مرگ و قبض روح و سؤال و ثواب و عذاب قبر، و سپس میراندن تمام انسان ها در نفخه ی صور، و زنده کردن آنان در نفخه ی دوم، و محشور کردن آنان، دادن نامه اعمال، رسیدگی به حساب و سوق دادن به سوی بهشت و دوزخ بسیار واضح است و آیات دال بر این وساطت، بسیار زیاد است و احتیاجی به ایراد آن ها نیست. روایاتی که در این مسائل از ناحیه ی رسول خدا صلی علی اللّٰه علیه و آله و اهل بیت علیهم السّلام وارد شده بیش از آن است که به شمار آید؛ همچنین وساطت ملائکه در مرحله ی تشریح دین، یعنی نازل شدن وحی، و دفع شیطان ها از مداخله در آن و پشت گرمی و یاری دادن رسول خدا صلی علی اللّٰه علیه و آله و نیز تأیید مؤمنین و طلب مغفرت کردن از خدا برای آنان، جای تردید و بحث نیست.

ص: 141



خداوند متعال گاهی اوامر خود را به دست آن‌ها اجرا می‌سازد و گاهی همان امر را بدون وساطت ملائکه، خودش انجام می‌دهد و این بر اساس تضاد و اتفاق نیست. این که خدای متعال، ملائکه را واسطه‌ی بین خدا و حوادث دانسته، و به عبارتی، ملائکه را اسبابی معرفی کرده که حوادث از آنان صادر می‌شود؛ برای این است که این دو (خداوند و ملائکه) از لحاظ سبب در طول هم قرار دارند، نه در عرض هم. به این معنا که سبب بعید (خداوند) علت پیدایش سبب قریب است؛ بنابراین منافاتی ندارد در عین این که حوادث را به ملائکه نسبت می‌دهیم، به خداوند متعال نسبت دهیم و بگوییم تنها سبب در عالم، خدای تعالی است؛ چون تنها رب عالم اوست. (1)

وجود ملائکه دارای آثار و برکات بسیار زیادی است، از جمله:

الف) شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: با این که خداوند به سرّ و خفیات آگاه است، چرا ملائکه را موکل بندگانش قرار داده، تا اعمال آن‌ها را، چه آن‌ها اعمالی که به نفعش است و چه به ضررش، بنویسند؟

امام علیه السلام در جواب فرمود:

خداوند آن‌ها را به کار گرفته و شاهد بر خلقش قرار داده تا بندگان وقتی که می‌بینند چنین مراقبانی همیشه با او هستند، بیش‌تر در طاعت خداوند و دوری از معصیت مواظبت کنند.

ص: 142

چه، بسیار می شود بنده ای که تصمیم جدی به معصیتی گرفته، با یاد ملائکه از آن دوری می جوید و خود را نگه می دارد و می گوید: خداوند مرا می بیند و نگهبانانم علیه من ش-هادت می دهند (1)

ب) در جنگ بدر، پیامبر اسلام صلی علی اللّه علیه و آله و مسلمانان به خداوند استغاثه و از او طلب کمک کردند خداوند هم چند هزار ملائکه برای آن ها فرستاد؛ این فقط به خاطر بشارت و اطمینان قلب آن ها بود. (2) 2

فیض و رحمت بی انتهای الهی تمام هستی را در بر گرفته و همه ی موجودات به اندازه ی وجودشان از آن بهره مندند؛ چنان که در دعای کمیل می خوانیم:

«و برحمتك التي وسعت كلّ شيء».

هر چیزی که در جهان هستی، استحقاق وجود و خلق شدن را داشته و وجود او نسبت به عدم، رجحان داشته باشد، فیض و رحمت خداوند نصیبش می گردد و استحقاق وجود پیدا می کند.

### **آیا موجودات غیبی می توانند به شکل انسان و حیوان متمثل شوند؟**

موجودات نامرئی (فرشتگان، جن، شیطان) دارای دو نوع وجودند، یکی وجود نفسی که حقیقت ذاتی دارد و آن مجرد بودن از ماده ی جسمانی است و دیگری، وجود اضافی که در ظرف ذهن و قابلیت و

ص: 143

---

1- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج 8، ص 100 به نقل از بحار الانوار، ج 59، ص 180

2- سوره انفال، آیه ی 9 - 10

ادراک آدمیان متمثل می شود؛ (1) مثلاً جبرئیل که یکی از فرشتگان الهی است، به عنوان واسطه، وحی را به پیامبر اسلام صلی علی الله علیه و آله ابلاغ می کرد؛

(... أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بِلَاذِنِهِ مَا يَشَاءُ...)؛ (2)... یا رسولی می فرستد که به فرمان او آن چه را بخواهد وحی می کند.

### این ابلاغ به چند طریق صورت می گرفت:

1. گاهی پیامبر صلی علی الله علیه و آله فقط صدای فرشته را می شنید:

(... أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...)؛ (3)... یا از پشت حجاب (به او وحی می شود)....

2. گاهی جبرئیل وحی را بر قلب پیامبر القا می کرد:

(نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ • عَلَى قَلْبٍ...)؛ (4) روح الامین آن را نازل کرده است بر قلب (پاک) تو....

3. گاهی پیامبر صلی علی الله علیه و آله جبرئیل را به صورت حقیقی اش مشاهده می کرد، که این حالت دوبار اتفاق افتاد. یکی در آغاز وحی و در کوه حرا که پیامبر صلی علی الله علیه و آله جبرئیل را به صورتی دید که مشرق و مغرب را پر کرده بود که از مشاهده ی او بیهوش شد. پس جبرئیل به صورت یکی از مردم درآمد و او را در آغوش گرفت، سپس آن حضرت به هوش آمد. مرتبه ی دوم هم خود حضرت از جبرئیل درخواست نمود که او را به صورت واقعی اش

ص: 144

---

1- ر.ک: امام خمینی، آداب الصلوة، ص 368

2- سوره ی شوری، آیه ی 51

3- همان

4- سوره ی شعراء، آیه ی 193 - 194

بینند. جبرئیل عرض کرد: طاقت مشاهده نداری! فرمود: آن را دوست دارم. پس پیامبر صلی علی اللہ علیہ و آلہ در شبی مهتابی به سوی مصلی رفت و جبرئیل را به صورت واقعی اش دید. (1)

4. گاهی جبرئیل به صورت انسانی زیبا (همچون دحیه ی کلبی) بر رسول خدا نازل می شد:

انّ جبرئیل کان یأتی نبیا - صلی الله علیه و آلہ - فی صورة الدحیة الکلبیة. (2)

در تاریخ در احوالات دحیه کلبی آمده است که او برادر رضاعی پیامبر صلی علی اللہ علیہ و آلہ و از مشاهیر و صحابه ی آن حضرت و از زیباترین مردم آن زمان بود. سفیر پیامبر صلی علی اللہ علیہ و آلہ در قیصر روم «هرقل» بود و تا زمان خلافت معاویه زنده ماند؛ (3) هم چنین گفته شده که در برخی جنگ ها، از جمله جنگ احد شرکت داشت. (4) ابن عباس می گوید: وقتی دحیه به مدینه آمد، کسی نبود مگر این که می آمد و او را نگاه می کرد. (5)

حال این سؤال مطرح است که آیا از نظر فلسفی و علمی ممکن است جبرئیل به صورت انسان (دحیه کلبی) بر پیامبر صلی علی اللہ علیہ و آلہ نازل شود؟

ص: 145

---

1- ابراهیم امینی، وحی در ادیان، ص 617؛ سید جزیری، انوار النعمانیة، ج 1، ص 201، و شیخ صدوق، امالی، حدیث 20

2- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 14، ص 343

3- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 20، ص 488

4- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 2، ص 130

5- عسقلانی، الاصابه، ج 1، ص 464

در جواب باید گفت: فرشتگان از جمله جبرئیل، موجود مادی و جسمانی نیستند تا دیده شوند؛ پس نزول جبرئیل نزول جسمانی و به صورت تجافی (رفتن موجودی از مکانی به مکان دیگر) نبوده است، بلکه به صورت تمثّل (ظاهر شدن فرشته به صورت انسان) بوده است، و آن در ظرف ادراک و وعای ذهن پیامبر صلی علیّ اللّٰه علیه و آله قرار داشته است و لذا اشکالی ندارد؛ هم چنان که بر حضرت مریم علیها السّلام نازل شد. البته این بدان معنا نیست که جبرئیل حقیقت خویش را از دست بدهد و انسان شود و آن گاه بر پیامبر صلی علیّ اللّٰه علیه و آله نازل شود؛ لذا علامه طباطبایی می فرماید:

معنای تمثّل فرشته برای حضرت مریم علیها السّلام، ظهور و جلوه ی او به صورت بشر برای مریم بود، نه این که حقیقت جبرئیل عوض شود و فرشته انسان شود. جبرئیل در ظرف ادراک مریم به صورت بشر جلوه کرد، نه در ظرف واقعی؛ م-ری-م-ب-ود که جبرئیل را چنین مشاهده می کرد، نه این که جبرئیل انسان شده باشد. (1)

پس این که جبرئیل با سیمای دحیه کلیبی بر پیامبر صلی علیّ اللّٰه علیه و آله نازل شود، هیچ گونه اشکال علمی وجود ندارد؛ چون در موقع نزول، هیچ گونه قلب و انقلابی صورت نگرفته است.

امام جعفر صادق علیه السّلام می فرماید:

روزی ابوذر بر پیامبر صلی علیّ اللّٰه علیه و آله وارد شد، دید دحیه ی کلیبی آن جا نشسته است، بعد از این که او رفت، پیامبر صلی علیّ اللّٰه علیه و آله فرمود: او

ص: 146

## شواهد قرآنی و روایی تمثّل

1. در جریان حضرت مریم علیهما السّلام، جبرئیل علیه السّلام به صورت انسان بر او ظاهر شد:

(فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا)؛ (2) روح خود (جبرئیل) را به سوی او فرستادیم پس به صورت انسانی تمام، برایش تمثّل جست.

2. فرشتگان برای بشارت دادن به ابراهیم علیه السّلام برای به دنیا آمدن اسحق و یعقوب به صورت انسان بر ابراهیم ظاهر شدند. (3)

3. فرشته به صورت پرنده ای از پرندگان در می آمد. امام صادق علیه السّلام با دستش به بالش های خانه اش زد و به حسین بن علا (که در محضرش بود) فرمود: چه بسیار پیش آمد که ملائکه به این بالش ها تکیه دادند و ما پر های آن ها را جمع کردیم. (4)

4. در جنگ بدر، ابلیس به صورت «سراقه بن مالک» بر قریش ظاهر شد. (5)

5. تمثّل ابلیس در دارالندوة به صورت پیرمرد در روز عقبه به شکل

ص: 147

---

1- محمد باقر مجلسی، عین الحیاة، ص 5

2- سوره ی مریم، آیه ی 17

3- ر.ک: سوره ی هود، آیه ی 76

4- کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 393

5- ر.ک: تفاسیر قرآن کریم، ذیل آیه ی 48 سوره ی انفال

عنیة بن حجاج و در نزد حضرت یحیی علیه السَّلامُ به صورت عجیبی و نیز تمثیل دنیا برای حضرت علی علیه السَّلامُ به صورت زنی زیبا. (1)

6. تمثیل شیطان در داستان ایوب علیه السَّلامُ به صورت انسان. (2)

7. شیطان خود را به حضرت آدم علیه السَّلامُ نشان داد. (3)

بعضی معتقدند: برخی از فرشتگان، وجود برزخی دارند؛ یعنی دارای شکل، صورت و خواص ماده اند؛ هم چنان که نکیر و منکر، در عالم برزخ، به صورت های مختلف دیده می شوند؛ و برخی دیگر از فرشتگان نیز مجرد تام اند. (4)

جن نیز از اجسام عاقله ی لطیفه است که آتش و هوا در ذاتش نهفته است و شأنیت آن را دارد که به اشکال مختلف در آید. (5) علت ظهور آن ها در برخی اوقات، این است که آن ها بدن های لطیفی دارند (6) که در لطافت و نرمی متوسط است و قابلیت جدایی و گرد آمدن را دارد، و اگر گرد آید و قوامش سستتر شود، مشاهده می گردد؛ مانند هوا که وقتی به سردی می گراید به صورت ابر در می آید و قابل رؤیت و مشاهده است. (7) حتی

ص: 148

---

1- تفسیر المیزان، ج 14، ص 36 ر.ک: علیرضا رجالی، فرشتگان

2- ر.ک: سوره ی ص، آیه ی 41

3- ر.ک: سوره ی طه، آیه ی 117

4- محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 294

5- زین العابدین دست داده، جن و شیطان، ص 90؛ به نقل از محمد نسفی، تفسیر نسفی، ج 2، ص 27

6- بحار الانوار، ج 14، ص 635

7- ملا صدرا، مفاتیح الغیب، ترجمه خداجوی، ص 455

بعضی روایات اشاره دارند که امامان معصوم علیهم السّلام نیز آنان را مشاهده می کردند و دستورات و راهنمایی های لازم را مبذول می داشتند. (1)

پس موجودات غیبی دارای صورت حقیقی و صورت اضافی اند؛ آن چه انسان ها مشاهده می کنند صورت اضافی آن هاست که براساس قابلیت و ادراک انسان تمثّل می یابد.

### آیا موجودات غیبی و نامرئی در روح و جسم انسان تأثیر می گذارند؟

● تأثیر جنیان بر انسان مقوله ای است که از دیرباز در میان عوام مشهور بوده است؛ چنان که در هنگام بیماری و مشکلات به دعا نویسی و فال گیر پناه می برند، در حالی که با بررسی در آیات و روایات مشخص می شود که این ها و هم و خیالی بیش نیست.

شیطان و جنیان، به هیچ وجه، اراده و آگاهی انسان را سلب نمی کنند، بلکه آن ها فقط دعوت کننده اند و این انسان ها هستند که با اراده و اختیار خودشان دعوت آن ها را می پذیرند. شیطان به قلب انسان های مؤمن راه پیدا نمی کند:

(... إنا جعلنا الشّياطينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ)؛ ... (2) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.

ص: 149

---

1- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 394 و ر.ک: احمد جدیدی، از جن چه می دانید

2- سوره ی اعراف، آیه ی 27



اگر انسان‌ها دریچه‌ی قلب خود را به روی آن‌ها ببندند، آن‌ها نمی‌توانند تأثیر گذار باشند:

(إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ)؛ (1) تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند و آن‌ها که به او (خدا) شرک می‌ورزند.

منتها ممکن است انسان به واسطه‌ی زمینه‌های قبلی و مداومت به کار خلاف، در برابر وسوسه‌های آن‌ها، اختیار خود را از دست بدهد. (مانند معتادین که با کوچک‌ترین وسوسه به سمت مواد مخدر می‌روند.) (2)

(إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ)؛ (3) تو به به‌بندگان من تسلط نخواهی داشت، مگر به گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند.

خداوند از زبان شیطان می‌فرماید:

(وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَ لُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنْ كَفَرْتُمْ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)؛ (4) و شیطان، هنگامی که ک-ار تمام می‌شود،

ص: 150

1- سوره‌ی نحل، آیه‌ی 100

2- تفسیر نمونه، ج 10، ص 326، علامه حائری، شیطان در دادگاه محشر، ج 1

3- سوره‌ی حجر، آیه‌ی 42

4- سوره ابراهیم، آیه‌ی 22

می گوید: خداوند به شما وعده ی حق داد، و من به شما وعده ی (باطل) دادم و تخلف کردم. من بر شما تسلطی نداشتم، جز این که دعوت تان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید؛ بنابراین، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید. نه من فریادرس شما هستم و نه شما فریادرس من. من نسبت به شرک شما درباره ی خود، که از قبل داشتید، و اطاعت مرا هم ردیف اطاعت خدا قرار دادید، بیزار و کافر! مسلماً ستمکاران عذاب دردناکی دارند.

## در نتیجه شیطان:

### الف). با وسوسه انسان ها را می فریبد:

(فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلُقِ -...)؛ (1) شیطان در او وسوسه کرد و گفت: ای آدم می خواهی تو را به درخت جاودانگی رهنمون سازم. ...

شهید مطهری می فرماید: قلمرو شیطان، تشریح است نه تکوین. نفوذ او در اندیشه است نه در بدن انسان؛ و نفوذ در اندیشه هم در حد وسوسه کردن و خیال یک امر باطن را جلوه دادن است و هیچ گونه تسلطی بر انسان ندارد. (2)

### ب). شیطان کار های خلاف و زشت را برای انسان زینت می دهد:

ص: 151

---

1- سوره ی طه، آیه ی 120

2- مرتضی مطهری، عدل الهی، ص 71 - 74

(...وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ...)؛ (1) و شیطان اعمال شان را در نظرشان جلوه داد و آن ها را از راه بازداشت... .

**ج. وسوسه ی شیطان ضعیف است و انسان با تلاش و مجاهدت نفس می تواند بر وسوسه ها پیروز گردد.**

(فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا)؛ (2) پس با دوستان شیطان پیکار کنید، همانا نیرنگ و تزویر شیطان ضعیف است.

**د. دوری از ذکر خدا، موجب تسلط وسوسه های شیطانی می شود؛**

(إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ)؛ (3) تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده اند و آنان نسبت به او (خدا) شرک می ورزند.

امام جعفر صادق علیه السّلام می فرماید:

شیطان بر انسان مسلط نمی شود و او را وسوسه نمی کند، مگر این که از ذکر خدا غافل شود.... .

وسوسه چیزی است که از بیرون دل ناشی می شود، اما، با اشاره ی دل و با مدخلیت طبع که خیال و وهم باشد. (4)

ص: 152

---

1- سوره ی نمل، آیه ی 24 و نیز ر.ک: سوره ی عنکبوت، آیه ی 38، سوره ی انفال، آیه ی 48 و سوره ی انعام، آیه ی 43

2- سوره ی نساء، آیه ی 76

3- سوره ی نحل، آیه ی 100 و ر.ک: سوره ی اعراف، آیه ی 200

4- ر.ک: مصباح الشریعه، باب 39، ر.ک: زین العابدین دست داده، جن و شیطان، ج 1

در نتیجه، موجودات نامرئی بر انسان تأثیری نمی گذارند؛ آن ها نقش وسوسه گر و دعوت کننده به شر را بازی می کنند و هیچ کسی را در عمل، مجبور نمی کنند؛ (1) و اجبار با اختیار و اراده ی انسان، که یکی از علل وجود بهشت و جهنم است، سازگاری ندارد:

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)؛ (2) " ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس. هر چند، عوام تأثیر مستقیم جنیان به جسم و روح را انکار نمی کنند، اما دلیل قطعی درباره ی آن نداریم.

## آیا انسان ها می توانند موجودات نامرئی را به تسخیر خود درآورند؟

### اشاره

• به تسخیر درآوردن موجودات نامرئی، (فرشته، شیطان و جنیان) از ممکنات است و گاهی نیز اتفاق می افتد؛ هر چند از نظر فقهی، تسخیر آن ها حرام است، (3) است، اما در قرآن و روایات به این نکته اشاره ش-ده که انسان ها می توانند آن ها را به تسخیر خود درآورند؛ مانند:

### الف). خداوند درباره ی ارتباط جنیان با انسان می فرماید:

(وَ أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ

ص: 153

---

1- مطهری، توحید، ص 339 و ر.ک: محمد هادی معرفت، الشبهات و ردود

2- سوره ی انسان، آیه ی 3

3- شیخ مرتضی انصاری، مکاسب محرمة، فصل سحر و ر.ک: شهید ثانی، لمعة الدمشقیة، ج 3، ص 215. «فرشتگان تسخیر می شوند و از امور غیبی خبر می دهند.

رَهَقًا)؛ (1) همانا مردانی از نوع بشر بر مردانی از گروه جن پناه می برند و بر غرور و جهالت شان سخت می افزایند.

### ب. جنیان و پرندگان در تسخیر حضرت سلیمان علیه السلام بودند:

( وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ)؛ (2) سپاهیان سلیمان، از جن و آدم و پرنده گرد آورده شده و دسته دسته شده بودند.

یکی از گردن کشان جن به سلیمان گفت:

(قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ...)؛ (3) پیش از آن که از جای برخیزی تخت ملکه ی سبأ را از سرزمین او به این جا می آورم...

برخی از جنیان در برخی کار ها به حضرت سلیمان کمک می کردند: (يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَخَابِيثَ وَ تَمَائِيل...) (4) آن ها هر چه سلیمان می خواست برای او درست می کردند: معبد ها، تمثال ها...

### ج. شیاطین نیز برخی کار ها را برای حضرت سلیمان انجام می دادند:

(وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا)؛ (5) برخی از شیطان ها برای حضرت سلیمان غواصی می کردند و کار های

ص: 154

- 1- سوره ی جن، آیه ی 6
- 2- سوره ی نحل، آیه ی 17
- 3- سوره ی نمل آیه ی 39
- 4- سوره ی سبأ، آیه ی 13
- 5- سوره ی انبیاء، آیه ی 82

دیگر نیز انجام می دادند.

## پایان سرگذشت موجودات غیبی چگونه است؟

● بعد از شناخت موجودات نامرئی و خصوصیات آن ها، این مسئله مطرح می شود که پایان زندگی آن ها چگونه خواهد بود؟

قرآن به صراحت می فرماید:

(كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ)؛ (1) همه ی کسانی که بر آن (زمین) هستند فانی می شوند. (... كَلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ...)؛ (2). همه ی موجودات از بین می روند مگر ذات پروردگار....

(وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ ...)؛ (3) در صور دمیده می شود، پس همه ی کسانی که در آسمان ها زمین اند می میرند.... (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ...)؛ (4) هر جان داری مرگ را می چشد....

دلالت آیات فوق اطلاق دارد و شامل تمام موجودات، از جمله، جنیان و فرشتگان می گردد.

ص: 155

1- سوره ی رحمان، آیه ی 26

2- سوره ی قصص، آیه ی 88

3- سوره ی زمر، آیه ی 68

4- سوره ی آل عمران، آیه ی 185

هم چنین می فرماید:

(... وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أَمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ...)؛ (1) ... فرمان الهی درباره ی آنان تحقق یافت و به سرنوشت اقوام گمراهی از جن و انس که قبل از آن ها بودند گرفتار شدند.

برخی مفسرین قایل اند برای جنیان همانند انسان حکم مرگ جاری می شود. (2) برخی نیز مرگ را برای ابلیس قطعی می دانند. (3) امام جعفر صادق علیه السَّلام می فرماید:

ابلیس بین نفخه ی اول و دوم می میرد. (4)

در آیه ی 81 سوره ی «ص» آمده است که شیطان از خداوند تقاضای مهلت نموده، خداوند نیز او را تا یوم الوقت المعلوم مهلت داده است. مفسران در تعیین وقت معلوم تفسیر های گوناگونی داشته اند. آن چه در آن اتفاق نظر وجود دارد این است که ابلیس و جنیان روزی عمرشان به سر می رسد و همانند انسان ها در روز قیامت محشور می گردند. (5)

اما برای ملائکه، به سبب تجرد و عقلانیت و نوریت محض، مرگ مفهومی ندارد. در وجود آن ها ماده و جسم وجود ندارد. ماده ی جسمانی

ص: 156

1- سوره ی فصلت، آیه ی 25

2- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ذیل آیه ی فوق

3- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 19، ص 343

4- بحرانی، تفسیر برهان، ج 2، ص 342

5- تفسیر نمونه، ج 19، ص 343

همیشه در معرض زوال و فساد و تغییر است و همچنین کمال در آن تدریجی است و از مبدأ حرکت می کند و به تدریج به نهایت کمال می رسد. مرگ ملائکه یا عزرائیل که در روایات مطرح است (1)، همانند مرگ انسان نیست، بلکه نوعی انتقال از جهان دنیا به جهان آخرت است. (2) همانند روح انسان که از بین نمی رود، اما با مرگ جسم، به جهان دیگر منتقل می شود.

ص: 157

- 
- 1- علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 6، ص 329 و محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 71  
2- تفسیر المیزان، ج 17، ص 9 و 16





1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه، ترجمه ی اسدالله مبشری، چ سوم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، 1366 ش.
3. باربور، ایان؛ علم و دین؛ ترجمه ی خرم شاهی، چ دوم، تهران: نشر دانشگاهی، 1374 ش.
4. ابن منظور، لسان العرب، چ اول، بیروت: دارالفکر، 1990 م.
5. ابن فارس، ابی الحسین احمد؛ مقایس اللغة، چ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، 1404 ق.
6. اوبلاکر اریک؛ فیزیک نوین، ترجمه ی بهروز بیضاوی، تهران: انتشارات قدیانی، 1370 ش.
7. الوسی، شهاب الدین سید محمود؛ روح المعانی، چ اول، بیروت: دار الفکر، 1994 م.

8. امینی، ابراهیم؛ وحی در ادیان؛ قم: دفتر تبلیغات حوزه ی علمیه، 1377 ش.
9. ابن اثیر، اسد الغابه، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
10. انصاری، مرتضی؛ مکاسب محرمه، چ چهارم، قم: دار الحکمة، 1370 ش.
11. بوکایی، موریس؛ مقایسه میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ی ذبیح الله دبیری، چ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1365 ش.
12. البحرانی، سید هاشم حسینی؛ البرهان فی تفسیر القرآن، قم: دار الکتب العلمیه، 1334 ش.
13. بهزاد، محمود؛ داروینیسیم و تکامل، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، 1361 ش.
14. بی آزار شیرازی، عبدالکریم؛ گذشته و آینده جهان، چ دوم، قم: انتشارات طباطبایی، 1349 ش.
15. بازرگان، مهدی؛ باد و باران؛ به اهتمام سید محمد مهدی جعفری، 1353 ش.
16. پاک نژاد، سید رضا؛ اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، چ اول، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، 1350 ش.
17. جوادی آملی، عبدالله؛ صورت و سیرت انسان در قرآن، چ دوم، قم: انتشارات اسراء، 1382 ش.
18. -؛ تفسیر تسنیم، چ سوم، قم: نشر اسراء، 1381 ش.
19. جدیدی، احمد؛ از جن چه می دانید؟، چ اول، تهران: سازمان عقیدتی

20. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ صحاح اللغه، چ اول، بیروت: دار العلم للملایین، 1956 م.
21. حائری؛ شیطان در دادگاه محشر، چ اول، قم: انتشارات تابان، 1379 ش.
22. حسینی دشتی، سید مصطفی؛ معارف و معاریف، قم، چاپ صدرا.
23. حسینی طهرانی، علامه حسین؛ مهر تابان، قم: مرکز معارف.
24. الحویزی، عبدالعلی بن جمعه العروسی؛ نور الثقلین، قم: المطبعة العلمیه 1383 ق.
25. خرم شاهی، بهاءالدین؛ قرآن پژوهی، چ اول، تهران: فرهنگي مشرق، 1372 ش.
26. خوئی، سید ابو القاسم؛ البیان فی علوم القرآن، چ سوم، قم: دارالثقلین، 1418 ق.
27. خداکرمی، ابوعلی؛ دانستی های دربارہ جن، چ دوم، قم: بی جا، 1380 ش.
28. خسرو پناه، عبدالحسین، کلام جدید، چ دوم، قم: مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه علمیه، 1381 ش.
29. دست داده، زین العابدین؛ جن و شیطان، جهرم: مجتمع فرهنگی و هنری شهید مصلی نژاد، 1377 ش.
30. داور مزدی، هرمز؛ انگل شناسی پزشکی، چ چهارم، تهران: جهاد دانشگاهی، 1372 ش.

31. اصفهانی، راغب؛ مفردات الفاظ قرآن، چ اول، دمشق: دار القلم، 1992م.
32. رضائی اصفهانی، محمد علی؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، چ اول، قم: انتشارات اسوه، 1375ش.
33. -؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، چ اول، رشت: انتشارات مبین، 1380ش.
34. رجالی تهرانی، علی رضا؛ جن و شیطان، قم: انتشارات نبوغ، 1375ش.
35. رضایی فر، جعفر؛ قرآن و آخرین پدیده های علمی، تهران: انتشارات فوزان، 1375ش.
36. زمخشری، محمود بن عمر؛ کشاف، چ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، 1414ق.
37. سبحانی، جعفر؛ منشور جاوید، تهران: کتاب خانه امیر المؤمنین، 1360ش.
38. سادات، محمد علی؛ زنده جاوید و اعجاز قرآن، تبریز: انتشارات فلق 1357ش.
39. سامی، محمد علی؛ الاعجاز العلمي في القرآن الكريم، بیروت: دار المحبة، بی تا.
40. سبحانی، یدالله؛ خلقت انسان در بیان قرآن، چ سوم، تهران: سهامی انتشار، 1351ش.
41. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن؛ در المنثور، قم: منشورات مکتب مرعشی نجفی.
42. سید قطب، فی ظلال القرآن، چ پنجم، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، 1386ق.

43. شهيد ثانی، زین الدین علی ابن احمد؛ شرح لمعه، چ اول، تهران: مکتبه اسلامیة، 1384 ق.
44. شعرانی، میرزا ابوالحسن؛ نسر طوبی، چ دوم، تهران: کتاب فروشی اسلامی، 1398 ق.
45. شهرستانی، سید هبة الله؛ اسلام و هیئت، نجف: مطبعة الغری، 1365 ش.
46. فیض کاشانی، ملامحسن؛ تفسیر صافی، تهران: انتشارات صفا، 1363 ش.
47. صدوق، ابی جعفر؛ من لا یحضره الفقیه، چ اول، بیروت: دار المعارف للمطبوعات، 1990 م.
48. -؛ امالی، ترجمه ی کمره ای، تهران: کتاب فروشی اسلامی، 1355 ش.
49. -؛ علل شرایع، نجف: مکتبه الحیدریة، 1385 ق.
50. -؛ التوحید، تهران: انتشارات مصطفوی، 1375 ش.
51. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان، ترجمه ی نوری همدانی، چ سوم، قم: انتشارات رجاء، 1366 ش.
52. -؛ قرآن در اسلام، بنیاد علوم اسلامی، 1361 ش.
53. -؛ حیات پس از مرگ، تهران: نور فاطمه؛ 1361 ش.
54. -؛ اعجاز قرآن، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، 1362 ش.

55. طنطاوی جوهری؛ تفسیر الجواهر، بیروت: دار الفکر، بی تا.
56. طبرسی، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن؛ مجمع البیان، چ پنجم، تهران: مکتبه الاسلامیه، 1395ق.
57. طالقانی، سید محمود؛ پرتوی از قرآن، چ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، 1348 ش.
58. طیب، سید عبدالحسین؛ تفسیر اطیب البیان، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی.
59. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر عیاشی، چ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1991م.
60. عاملی، شیخ حر؛ وسائل الشیعہ، تحقیق عبدالرحیم ربانی، چ ہفتم، تهران: کتاب فروشی اسلامی، 1372ش.
61. عسقلانی، ابن حجر؛ الاصابہ، بیروت: دارالکتاب العربی.
62. عبدالرحمن العک، شیخ خالد؛ الفرقان و القرآن، سوریه: الحکمة للطباعة و النشر، 1414ق.
63. عبد الصمد، محمد کامل؛ الاعجاز العلمی فی الاسلام؛ قاہرہ: دار المصریہ اللبنانیہ، 1410ق.
64. قرشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن، چ ہفتم، تهران: دارالکتب اسلامیہ، 1375ش.
65. -؛ احسن الحدیث، چ اول، قم: واحد تحقیقات اسلامی، 1366ش.
66. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، ترجمہ ی محمد باقر کمرہ ای، چ

سوم، قم: چاپ اسوه، 1375 ش.

67. آرتور، کوستلر؛ خواب گرد ها، ترجمه ی منوچهر روحانی، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، 1376 ش.
68. موسوی خمینی، روح ا...؛ آداب الصلوة، چ پنجم، تهران: مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1378 ش.
69. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران؛ تفسیر نمونه، چ پنجم، قم: دارالکتب الاسلامیه، 1368 ش.
70. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام قرآن، چ سوم، قم: مطبوعاتی هدف، 1371 ش.
71. -؛ قرآن و آخرین پیامبر، چ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
72. مطهری، مرتضی؛ مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، قم: انتشارات صدرا، بی تا.
73. -؛ آشنایی با قرآن، چ هشتم، قم: انتشارات صدرا، 1372 ش.
74. -؛ توحید، چ پنجم قم: انتشارات صدرا، 1372.
75. -؛ انسان کامل، چ هفتم، قم: انتشارات صدرا، 1370 ش.
76. معرفت، محمد هادی؛ الشبهات وردود، چ اول، قم: مؤسسه التمهید، 1423 ه ق.
77. -؛ التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، 1417 ق.

ص: 165



78. مجلسی، محمد تقی؛ بحار الانوار، تهران: المكتبة الاسلاميه، 1385 ش.
79. مصطفوی، حسن؛ التحقيق في كلمات القرآن، چ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1419 ق.
80. مصباح يزدي، محمد تقی؛ معارف قرآن، چ اول، قم: مؤسسه در راه حق، 1373 ش.
81. مهاجری، مسیح؛ نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1363 ش.
82. محمود اسماعیل، محمد؛ الاشارات العلمیه فی الايات الكوینه فی القرآن الکریم، اسکندریه: دارالدعوه، 1411 ق.
83. مشکینی اردبیلی، علی؛ تکامل در قرآن، ترجمه ی حسینی نژاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، بی تا.
84. محمدی ری شهری، محمد؛ راه شناخت خدا، قم: نشر نی، 1354 ش.
85. ملا صدرا، صدر المتألهین شیرازی؛ مفاتیح الغیب، ترجمه ی خداجوی، تهران: انتشارات موسی، 1413 ق.
86. محمد حسب النبی، منصور؛ القرآن الکریم و العلم الحدیث، مصر: هیئة المصریه، 1991 م.
87. محدث خراسانی، میرزا احمد؛ راز خلقت انسان در قرآن، قم: انتشارات نقوی، 1378 ش.
88. نوفل، عبدالرزاق؛ القرآن و العلم الحدیث، بیروت: دارالکتاب العربی، 1404 ق.

89. نوری، حسین؛ دانش عصر فضا، قم: نشر مرتضی، 1370ش.
90. نیازمند شیرازی، یدالله؛ اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، چ چهارم، تهران: شرکت چاپ میهن، 1335ش.
91. نجفی، گودرز؛ مطالب شگفت انگیز قرآن، تهران: نشر سبحان، 1337ش.
92. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل، چ دوم، بیروت: مؤسسه ی آل البیت، 1988م.
93. ویلیام هاو کینگ، استفن؛ تاریخچه زمان، ترجمه ی داد فرما، چ دوم، تهران: انتشارات کیهان، 1374 ش.
94. ویلارد، ری و دیگران؛ کیهان و راه کهکشان، ترجمه ی سید محمد امین، تهران: مؤسسه ی کتاب همراه، 1374ش.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

